

# دبیر دلیر

علیرضا ربیر

\* ویژه نامه پاسداشت  
در شانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار

\* بهمن ماه ۱۴۰۴

# دبیرِ دلیر

ویژه‌نامه پاسداشت علیرضا دبیر  
در شانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لِلنَّاسِ

مدیر مسئول: اسماعیل هاشم آبادی  
سردبیر: هادی سعادت  
تحریریه: بهناز مظلومی، الناز برکاتی، بهرام سلیمان‌زاد  
باتشکر از: معصومه جواهری، محمدحسین بدری، مسعود ملکی، امیر حسین کرک‌وندی،  
امیر محمد نیکبخت، محمدحسین صبوری، محمد امین اعتمادی، علیرضا احمدخانلو،  
حسین الهام، محمد حسن شاه‌کرمی و حسین مخلصیان  
مدیر هنری و صفحه‌آرا: ابراهیم وکیلی‌گندمانی  
بهمن‌ماه ۱۴۰۴

باگفتار و نوشتاری از:  
هادی عامل، منصور بزرگر، محمدرضا طالقانی، قاسم علی‌عسگری،  
حسن رنگرز، مهدی بابایی،  
نعمت‌الله سعیدی، فاطمه جمالی، مسعود ملکی، علیرضا بلبلغ،  
محمدرضا وحیدزاده، امیر سعادت، محمدحسن یادگاری،  
کاوه فرهادی، مصطفی آقامحمدلو، علیرضا شاطری



کشتی‌گیرِ مسلمانِ سیاست‌مدار ● ۸

دبیر و تمایزات تمدنی او در حکمرانی ورزشی ● ۱۰

آیا می‌توانیم سرمایه‌کشتی‌پهلوانی را جهانی کنیم؟ ● ۱۲

هویت و حریت  
| کشتی‌گیر باید از خدا بترسد... |  
صفحه ۷

من مأمور به نتیجه هستم! ● ۱۷

آیامی توان از دل محرومیت به استاندارد جهانی رسید؟ ● ۲۵

به کشتی ایران عزت داد ● ۲۸

نویدبخش آینده‌ای روشن برای کشتی ایران ● ۳۲

تجربه و مهارت؛ حاصل دوربرگردان شورای شهر به فدراسیون ● ۳۴

سرسخت و خستگی‌ناپذیر ● ۳۶

دبیر کشتی ایران ● ۴۱



دبیر کشتی ایران  
| افان پدَر شیر مادرِ حلالیت |  
صفحه ۱۵



قهرمان و پهلوان؛ حکایت مرزی میان قدرت و معنا ● ۴۴

پهلوان ضامن فضیلت است ● ۴۶

فرهنگ پهلوانی ایرانیان چه مختصاتی دارد؟ ● ۴۸

از تبار تختی  
اگر دست فتاده‌ای بگیری، مردی | صفحه ۴۳



ورزش کشتی؛ تجربه‌ای موفق در توسعه ساختاری ● ۵۳

روایت یک تحول ● ۵۶

ما می‌توانیم  
آیس لانسان آلا ما سئی | صفحه ۵۱

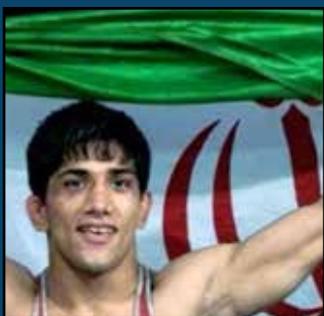


دعای خانواده شهدا بدرقه راهت آقاعلیرضا ● ۶۰

مثل مصطفی ● ۶۳

فرزند خوب انقلاب ● ۶۴

میراث‌دار  
اتو شهید می‌شوی | صفحه ۵۹







# هویت و حریت

اکشتی گیر باید از خدا بترسد...!



## کشتی‌گیر مسلمان سیاست‌مدار

زورخانه‌ای سنتی ما ایرانیان دارد چیز خاصی را تغییر نمی‌دهد؛ بلکه فقط به عمق تاریخی و فرهنگی و اجتماعی این پرسش می‌افزاید. یعنی باز به راحتی می‌توان پرسید که چرا در ورزش زورخانه‌ای ما، کشتی اینقدر اهمیت دارد و تبدیل به ورزش سنتی و تاریخی ما ایرانیان شده است؟ دلیل علاقه و گرایش ما به کشتی گرفتن چیست؟ پاسخ‌های دیگری مثل «کشتی در خون ما ایرانی هاست» و «با کودکان ایرانی از بچگی علاقه به کشتی دارند» و... نیز همین‌طور. چون اولاً؛ چرا مثلاً کودکان عربستانی یا هندی این‌طور نیستند؟ اصلاً بچه‌ها در تمام دنیا اگر کنار هم باشند، کم تا زیاد باهم کشتی هم خواهند گرفت. درثانی؛ علاقه به دویدن هم، در کودکان ایرانی وجود دارد و چرا دوومیدانی تبدیل به ورزش ملی ما نشده است؟ یا کودکان ایرانی به حرکات آکروباستیک نیز معمولاً علاقه دارند؛ چرا ژیمناستیک سنتی در تاریخ اجتماعی ما شکل نگرفته است؟ علاقه به مشت و لگد و کله زدن را هم اضافه کنیم، بحث ورزش‌های رزمی پیش می‌آید و دوباره همین سوال بی‌پاسخ تکرار می‌شود. اما باز این سوال هم چنان پابرجاست که چرا ورزش کشتی قبل از همه، تبدیل به یکی از رشته‌های پرطرفدار ملی و سنتی ما ایرانی‌ها شده است؟ و اگر همین ماجرا در مورد سیاست‌ورزی نیز وجود داشته باشد؛ یعنی بتوانیم ادعا کنیم ایرانی‌ها در سیاست و حکومت‌داری نیز از پیشگامان تاریخ بوده‌اند، آیا رابطه سیاست و کشتی برای ما جدی‌تر نخواهد شد؟

علیرضا دبیر سیزده مدال رنگارنگ دوران کشتی‌گیری خود را -که خیلی هایشان طلا بودند- به موزه آستان قدس تقدیم کرد. مثلاً یک نمونه از این‌ها، تنها مدال تیم کشتی ایران در المپیک سیدنی ۲۰۰۰

وقتی نام علیرضا دبیر را می‌شنویم، شاید نخستین سوالی که به ذهن مان می‌رسد این باشد که بین سیاست و کشتی چه نسبتی وجود دارد؟ آیا مدال‌های متعدد و رنگارنگ دبیر باعث شده سیاست‌مدار موفق‌تری شود؟ یا اتفاقاً چون هوش و اراده سیاسی خوبی داشته در کشتی‌های خود موفق بوده است؟ اما به نظر می‌رسد برای طرح این سوال رئیس‌جمهور روسیه -ولادیمیر پوتین- نمونه بهتری باشد. از سویی دیگر؛ اگر بخواهیم دو موضوع کشتی‌گیری و سیاست‌مداری را کنار بگذاریم، آیا می‌شود باز هم به علیرضا دبیر فکر کرد و از او حرف زد؟ شاید! اما خیلی دشوار است؛ مثل این می‌ماند که از یک بَر حرف بزنیم بدون اینکه بخواهیم به قدرت مبارزه و چابکی خاص آن بپردازیم! به نظر من شاید راه حل موقت، اضافه کردن یک موضوع دیگر است؛ نه کنار گذاشتن دو مسئله قبلی. یعنی ایرانی‌مسلمان بودن علیرضا دبیر. «کشتی‌گیر مسلمان سیاست‌مدار» مختصاتی است که هویت علیرضا دبیر را از مواردی چون ولادیمیر پوتین یا هر کشتی‌گیر سیاست‌مدار دیگری در جهان به اندازه کافی متمایز می‌کند. البته اگر قرار بود از منظر یک تاریخ‌نگار یا حتی داستان‌نویس به علیرضا دبیر نگاه کنیم، قطعاً نقاط دیگری نیز وجود داشت که وصل کردن شان به یکدیگر، تصویر کامل‌تری از دبیر ارائه می‌کرد، اما در مجالی که داریم، مجبوریم حداقلی‌تر نگاه کنیم.

تا به حال بسیاری از صاحب‌نظران ورزشی و غیرورزشی، کشتی را مهم‌ترین ورزش ملی و یا حتی اصلی‌ترین رشته ورزشی ما ایرانیان دانسته‌اند. اما کمتر دیده یا شنیده‌ایم که در مورد دلایل این مطلب به صورت جدی‌تر بحث شود. مثلاً اینکه کشتی ریشه در ورزش



اضلاع مسلمانی و سیاست، کار آسانی است که در ضلع کشتی‌گیری دشمن‌شناسی. در مسلمانی هرکس که در اصول اعتقادی با ما هم‌رأی است و در سیاست هرکس که به ما رأی می‌دهد، در مجموع دوست ماست؛ اما بعضی‌ها ادعا می‌کنند در سیاست چیزی به اسم دوست و دشمن وجود ندارد و فقط منافع مهم است. این حرف از یک و بلکه چندین جهت چرند است! چون اتفاقاً فقط در سیاست است که دوستی و دشمنی معنی واقعی پیدا می‌کند. در سیاست دوست وجود ندارد؛ یعنی فعلاً نه روسیه که حالا فرض کنیم در سوریه با ما منافع مشترک داشت؛ بلکه یمن و حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق و حماس و ونزولا و اکثر کشورهای امریکای لاتین و شاخ آفریقا و... دوست ما نیستند. و بالاتر اینکه امریکا هم دشمن ما نیست اگر بتوانیم با ابرکنافت جهان امروز منافع مشترک تعریف کنیم! خب این مزخرفات که معلوم است چرا چرند است و بگذریم. در مسلمانی بارها قرآن هشدار می‌دهد که شیطان، دشمن شماست و آن را دوست نگیرید؛ یا در سیاست مرحوم امام موسی صدر فریاد می‌زند که حتی «اگر اسرائیل و شیطان روبه‌روی هم قرار بگیرند، باز هم دشمن روبه‌روی ما اسرائیل است»؛ اما باز هم خیلی‌ها این دشمن‌شناسی روشن را خوب درک نمی‌کنند. در هر دوی این موارد؛ ظاهراً اول باید دشمن را شناخت و بعد با آن جنگید. اما در کشتی ماجرا متفاوت است؛ باید کلی جنگید و تازه با دشمن و حریف اصلی روبه‌رو شد. خلاصه در عالم کشتی مثل سایر ورزش‌های رزمی که اتفاقاً مورد علاقه ما ایرانی‌هاست، دشمن‌شناسی مشکل نیست؛ چون گذشته از اینکه مجبوری قبل از رفتن به تشک بارها ویدیوهای قبلی او را مرور کنی، وقت مسابقه با تمام روح و جسم‌ات مجبوری با او سرشاخ شوی. اگر جنگندگی، شجاعت، مقاومت، اراده محکم و تمرکز نداشته باشی می‌بازی. در کشتی نمی‌شود به مذاکره و سازش با دشمن امیدوار باشی. نمی‌توانی با بزدلی ۹ امتیاز به او بدهی و توقع داشته باشی با گرفتن آخرین امتیاز ضربه فنی‌ات نکند. لنگ را که بدهی دستش خاکت می‌کند. نمی‌توانی غنی‌سازی عضلات گردن خود را تعلیق کنی، به این امید که روی پیل نمی‌برد. نمی‌توانی به مزخرفی مثل مسابقه برد-برد اصلاً فکر کنی و حرفش را بزنی، چون بناست فقط دست یک نفر روی تشک بالا برود.

علیرضا دبیر انگار از سال‌ها رنج و تلاش و مزارت و تمرینات فشرده‌ای که در کشتی داشته، یاد گرفته که وجود حریف در برابر خود را باور کرده و جدی بگیرد. شریک قرار دادن خدا در مسلمانی کفر است و تنها گناهی که قطعاً بخشیده نخواهد شد، و ما ایرانی‌ها هیچ‌وقت در تاریخ سابقه شرک و بت‌پرستی نداشته‌ایم. همان‌طور که همیشه می‌دانستیم در اطراف‌مان گرگ‌ها و کفتارهایی جمع شده‌اند که اگر یک لحظه از «دشمن‌شناسی» غافل شویم کارمان تمام است. والسلام

## ۹۹

**در کشتی نمی‌شود به مذاکره و سازش با دشمن امیدوار باشی. نمی‌توانی با بزدلی ۹ امتیاز به او بدهی و توقع داشته باشی با گرفتن آخرین امتیاز ضربه فنی‌ات نکند. نمی‌توانی غنی‌سازی عضلات گردن خود را تعلیق کنی، به این امید که روی پیل نمی‌برد. نمی‌توانی به مزخرفی مثل مسابقه برد-برد اصلاً فکر کنی و حرفش را بزنی.**

بود و اتفاقاً تا شانزده سال بعد در کشتی آزاد ایران که کشور ما از دیرباز یکی از مدعیان آن بوده، تکرار نشد. دبیر در همین المپیک، از بس برای کم کردن وزن به خودش فشار آورد که بعد از وزن‌کشی از هوش رفت و به بیمارستان منتقل شد. (از بدنی که عمدتاً استخوان و عضله است، به این راحتی مگر می‌شود وزن کم کرد؟) اما در نخستین مسابقه‌اش حریف را در عرض یک دقیقه و هفت ثانیه ضربه فنی کرد و در دومین مسابقه در برابر کشتی‌گیری از کانادا که نایب‌قهرمان المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا و دارای چندین مدال قهرمانی جهان بود، با نتیجه ۳-۰ به پیروزی رسید. سپس قهرمان آسیا از مغولستان را شکست داد و در نیمه‌نهایی با «تری براندز» آمریکایی سرشاخ شد. براندز قهرمان دو دوره پیاپی مسابقات قهرمانی کشتی جهان در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ بود. او در هنگام رقابت مقابل این حریف قدرتمند آمریکایی با ضربات مشت و خطاهای پیاپی هم روبه‌رو شد. دبیر پس از پیروزی در این مورد گفت: «شما فقط مشت‌هایش را می‌دیدید و من که روی تشک، باید فحش‌هایش را هم تحمل می‌کردم. تا سرشاخ می‌شدیم توی گوشم زمزمه می‌کرد. اما تمرکز را از دست ندادم». در نهایت؛ براندز هم مثل براندزهای دیگر نتوانست غلطی بکند! و نتیجه این بازی هم ۶-۴ به نفع پهلوان ایرانی تمام شد. در فینال هم شاید راحت می‌توانست از حریف اکرایی امتیازات بیشتری بگیرد، اما چون سه امتیاز جلو بود کشتی را به خوبی اداره کرد و آن مدال تاریخی را برای کشتی ایران رقم زد.

دبیر بارها نامزد شورای شهر تهران شد و تا جایی که به یاد دارم هیچ‌وقت شکست نخورد؛ یک بار نفر اول شد، بار دیگر نفر دوم و در بدترین شرایط، باز به عنوان عضو علی‌البدل موفق شد وارد شورای شهر شود. بارها و اکثراً با رأی‌گیری به مسئولیت‌های مختلف رسید. از ریاست بر کمیته ورزش گرفته تا رئیس فدراسیون کشتی. در دوران مدیریت او بر فدراسیون چندین باشگاه و مجموعه ورزشی بسیار بزرگ و مجهز به بهره‌برداری رسید و به عقیده بسیاری از کارشناسان، تا سی سال آینده نیاز کشور به زیرساخت‌های کشتی را مرتفع کرد.

«کم کردن وزن»، وقتی شاید یک گرم چربی اضافی در عضلات بدن پیدا نمی‌شود و «احداث زیرساخت‌ها» بی‌برای سی سال آینده؛ فکر می‌کنم همین چند اشاره مختصر در مورد دو ضلع کشتی‌گیری و سیاست‌مداری دبیر کافی است. همان‌طور که یقین دارم توضیح مسلمان بودن او به این راحتی نیست!

توضیح مسلمانی و مخصوصاً حزب‌اللهی بودن شخصیتی مثل دبیر از نظر کیفی دشوار است. وگرنه هر کس با اقرار به یگانگی خدا و نبوت حضرت محمد(ص) مسلمان محسوب می‌شود. مثلاً در این مورد؛ نماز خواندن او در مقابل خبرنگاران و آن‌هم در اوج ماجراهای «رزق» (مخفف رز زبانی زدن!) و یا موضع‌گیری رسمی و چندباره او بر ضد آمریکا، برای کسی که گرین‌کارت این کشور را دارد، شاید کفایت نکند! مگر اینکه دوباره به سراغ کشتی برویم و مثلاً از اینجا شروع کنیم که دوست‌شناسی همان قدر در

# دبیر و تمایزات تمدنی او در حکمرانی ورزشی

چگونه معنا، میدان و کلمه به یک موفقیت پایدار منجر می‌شود؟

از زمانی که رسول خادم از فدراسیون کشتی رفت و علیرضا دبیر جای او را گرفت، اتفاقات مهمی در زمینه زیرساخت‌های فدراسیون رخ داد. از توسعه زیرساخت‌های فنی ورزشی گرفته تا زیرساخت‌های درآمدزا؛ از کتابخانه و سالن نمایش فیلم و امفی تئاتر و محیط‌های سرگرم‌کننده تا سالن‌های متعدد ورزشی، استخر، موزه و ساختمان اصلی فدراسیون. زیرساخت‌های ورزشی و اقتدار مالی و اعتباری فدراسیون کشتی در دوره تحولی دبیر با خواندن گزارش یا دیدن تصاویر قابل فهم نیست؛ لکن این شرح بیشتر به سخت‌افزار ایجادشده در دوره جدید اشاره دارد، که همین هم در پنجاه و چند فدراسیون دیگر ورزشی کشور یافت نمی‌شود. اما آنچه دوره مدیریت دبیر را متمایز کرده و دوراندیشی تحول و توسعه را از سطح تکنیکی صرف به دورنمای تمدنی نزدیک کرده، حداقل سه مولفه دارد.



مسعود ملکی  
نویسنده و پژوهشگر تاریخ شفاهی

## ● پیوند ایمان و قدرت

دبیر برخلاف اکثر مدیران و مسئولان - که دوره تحولی را کوتاه، دوپینگی و نمایشی می‌فهمند - دورنمای بلندمدت و دیرپاتری برای تحول و پیشرفت کشتی و فرهنگ پهلوانی در نظر گرفته است. جمله معروف او که «کشتی‌گیر باید از خدا بترسد و الا از حریفش می‌بازد» بسیار مهم و کلیدی است. این جمله هم برای حوزه ورزشی و فرهنگی کشتی حد و مرز اخلاقی می‌گذارد و هم قهرمانی را تا پهلوانی توسعه می‌دهد. همچنین به روح و روان ورزشکار - که در قهرمانی و پیروزی او مولفه بسیار مهمی است - قدرت و نیرو می‌بخشد. به جملات امیرحسین زارع بعد از کسب مدال طلا در مسابقات اخیر توجه کنید: «خدا روشکر، خدا روشکر، همه کار خداست، ما خودمان اگر بخواهیم نفس توی این کار بیاوریم واقعا شرک کردیم، درست نیست، همه لطف خداست و...» این جملات کوتاه که اشراق شده از افکار و گفتار اصلی دبیر در فدراسیون است، حکایت از دورخیز تمدنی او دارد. گفتاری که اتفاقا چون هم اقتدارآفرین است و هم تمدنی دشمنان زیادی دارد. از این رو فحاشی و تمسخر او دستور کار جریان سکولار و غربگراست.

## ● تحول نرم‌افزاری و ضرورت تولید کلمه

دبیر به خوبی می‌داند برای جامعه‌پذیری و تثبیت کشتی و از کشتی مهم‌تر به تاریخ، ادبیات غنی و فرهنگ کشتی نیاز دارد و به همین جهت برای رسیدن به هدفش بیشتر و بیشتر از سخت‌افزار، به کلمات و گفتار راهبردی ابتناء دارد. شاید تنها فدراسیون ورزشی که واحد تاریخ شفاهی مفصل و شبانه‌روزی دارد، فدراسیون کشتی است. از شهدای کشتی‌گیر تا همه قهرمانان و عنوان‌داران کشتی، هدف روایت دبیر در این حوزه مهم ادبی است. او یک‌بار در جلسه نویسندگان کتاب‌های ورزشی و شهدای کشتی گفت: «ما با همه این زیرساخت‌ها و تجهیزات و تمرین‌ها و... به کلمه نیاز داریم. تولید کلمه برای ورزشکاران کار شامست.»

”

دبیر با نام‌گذاری  
کمپ‌های تیم ملی به  
نام دو شهید شاخص  
کشتی (کمپ شهید  
ابراهیم هادی و شهید  
مصطفی صدرزاده)  
نشانه مهمی از سمت و  
سوی تحولی خود را به  
رخ می‌کشد.

این فهم نرم‌افزاری از گفتار و ادبیات و کلمه را نمی‌توان در خیلی از مدیران و مسئولان فرهنگی و ورزشی کشور یافت که امروز این مهم در دبیر او را به پدیده عجیب و جریان‌ساز تبدیل کرده است.

## ● مرزگستری فرهنگی و مرزبندی تمدنی

دبیر می‌داند که هر جریان تحولی نیاز دارد به علم و نشانه که همدیگر را نمایندگی کنند؛ تا از نشانه‌ها به مولفه‌های تحول برسیم و نیز تحول بدون نشانه‌ها خنثی و زمین‌گیر نشود. از این رو نشانه‌های تحولی و الهام‌بخش و مرتبط کشتی را در این دوره تعیین و تثبیت کرده است. ورودی فدراسیون کشتی تصویر چهار پهلوان نمایش داده شده است: پهلوان غلامرضا تختی، شهید پهلوان قاسم سلیمانی، شهید کشتی‌گیر ابراهیم هادی، شهید کشتی‌گیر مصطفی صدرزاده. دبیر با نام‌گذاری کمپ‌های تیم ملی به نام دو شهید شاخص کشتی (کمپ شهید ابراهیم هادی و شهید مصطفی صدرزاده) نشانه مهمی از سمت و سوی تحولی خود را به رخ می‌کشد. این مرزگستری و در عین حال مرزبندی چیزی است که در نهایت، فرهنگ ورزش کشتی را سمت و سو می‌دهد و فریه و غنی می‌کند. حضور دو شهید گمنام در فدراسیون کشتی و توجه ویژه به تاریخ شفاهی و خاطرات شهدای کشتی‌گیر نیز از جمله اقدامات کلیدی او برای ثبت و توسعه نشانه‌های راهبردی کشتی است. این سه مولفه مهم و به شدت متمایز متعلق به کسی است که وقتی فدراسیون کشتی را تحویل گرفت، جامعه ورزشی کشتی به حدود ۴۰ هزار نفر رسیده بود و با طراحی و تحولی که داشت به بیش از ۴۰۰ هزار نفر رساند. از این رو، دوره تحولی او بیش از همه برای رده مدیریتی و حکمرانی کشور قابل تأمل و مطالعه است.



علیرضا دبیر و ارتقای فناوری فرهنگی کشتی ایرانی

# آیا می‌توانیم سرمایه کشتی پهلوانی را جهانی کنیم؟

اصول‌گرای داخل کشور هر چقدر توی سر ما بزنند چیزی نمی‌گوییم. اما مردم عزیز ایران! این اینترنت‌شغال کثیف و بی‌بی‌سی که او هم تاژگی‌ها دم درآورده و بچه خوشگل‌های من و تو که از اسرائیل پول می‌گیرند و دروغ می‌گویند را دیگر نبینید».

باید به این فہم و درک ملی دبیر از جایگاه ورزش اول کشور و تعریف درست از «دیگری» این فرهنگ تبریک گفت. حتی برخورد او با خبرنگار اینترنت‌شغال که: «تو ایرانی هستی، خودت را به اینها نفروش، کنار خیابان ننشین، آبروریزی نکن، بی‌ابرایت هتل بگیرم.» هر چند تهاجمی و به جا اما در عین حال جوانمردانه بود.

**پنج:** وظیفه نهاد‌های فکری و علوم انسانی، تثبیت کردن رشد فرهنگ پهلوانی در دوران جمهوری اسلامی؛ از ایجاد رشته‌های دانشگاهی، برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی و همایش‌های علمی تا تولید مقاله و کتاب و دیگر محصولات فکری و همچنین تلاش برای جهانی کردن ایده است. وظیفه فرهنگ، هنر و رسانه در قبال آغاز دوران جدید فرهنگ پهلوانی نیز نگارش تاریخ، ایجاد و بازتاب رویداد و تولید درام و خلق رؤیا از این فناوری فرهنگی است. **شش:** متأسفانه تکنوکراسی ایرانی، فرهنگ را یک صدقه‌بگیر می‌بیند. اما فناوری کشتی ایرانی می‌تواند جلوی بهانه‌هایی که اقتصادزده‌ها در برابر هر کار کلان فرهنگی دارند را بگیرد. خوبی این فناوری به خاطر ریشه‌دار

”

**وظیفه فرهنگ، هنر و رسانه در قبال آغاز دوران جدید فرهنگ پهلوانی نیز نگارش تاریخ، ایجاد و بازتاب رویداد و تولید درام و خلق رؤیا از این فناوری فرهنگی است.**

**یک:** پهلوان در زمانه جنگ برمی‌آید، فرهنگ و ادبیات و روحیه می‌سازد و به ساختارها خون جدید حماسی تزریق می‌کند. علیرضا دبیر و باران او که خود میوه و محصول تاریخ کشتی پهلوانی ایرانی‌اند، به برکت انقلاب اسلامی و در زمانه جمهوری اسلامی با همه دست‌اندازها و مشقت‌ها «فناوری فرهنگی کشتی ایرانی» را یک پله ارتقا داده‌اند. فرض کنید موشک ماهواره‌بر ما از یک لایه کوتاه جو مثل لایه «نشو» وارد لایه بلند و جدیدی مثل لایه «ژئو» شده است.

**دو:** این رشد و ارتقا باید توسط علوم انسانی، فرهنگ، هنر و رسانه ما قدر دانسته شده و شتاب بگیرد. قدر دانستن جهش این فناوری فرهنگی مختصات و مقتضیات خاص خودش را دارد. شاید مهم‌ترین راهبرد قدر دانستن فناوری فرهنگی کشتی ایرانی، خرج نکردن این دستاورد به پای مسائل جناحی و سیاست‌زده حزبی باشد. این فناوری باید یک دستاورد ملی قلمداد شود و در طراز ملی با آن برخورد شود.

**سه:** از طرفی در همان ایام بالاخره پس از چند روز سکوت! روز یکشنبه ۳۰ شهریور روزنامه‌های اصلاح طلب در برابر این شاهکار قهرمانی همزمان دورشته آزاد و فرنگی سر تعظیم فرود آورده و صفحات اول خود را به آن اختصاص دادند. این را باید به فال نیک گرفت.

**چهار:** علیرضا دبیر پس از قهرمانی امسال کشتی ایران در جهان در مصاحبه تلویزیونی با هادی عامل ضمن تشکر از رئیس‌جمهور و دولت گفت: «رسانه‌های اصلاح طلب و



**امیرسعادت**  
نویسنده و روزنامه‌نگار



گرفتند. برای مردم چین (و به طور کلی آسیایی‌ها) در آن زمان، دیدن یک قهرمان آسیایی که در سینما بر همه غلبه می‌کند، منبع عظیمی از غرور و اعتماد به نفس بود. او ثابت کرد که یک سوپرستار جهانی می‌تواند از شرق بیاید.

**نه:** آیا ادبیات و سینمای ما نمی‌تواند بروس‌لی و جومونگ‌های ملی و ایرانی خلق کند؟ چقدر درام و قصه در همین واقعیت امروز قهرمانی کشتی ما در جهان وجود دارد؟ از زندگی خود علیرضا دبیر نمی‌توان یک سریال تلویزیونی بلند ساخت؟ زندگی پیام احمدی نایب قهرمان جهان که تا یکی دو سال پیش دست‌فروش بوده پیام الهام‌بخش و بار دراماتیک ندارد؟ روی زندگی هر کدام از این قهرمانان دست بگذارید بر از قصه و ماجراست.

**ده:** شما می‌بینید که این حضرات گُرهای ما - من از کار اینها خوشم می‌آید - تاریخ ندارند؛ لذا می‌گویند «افسانه‌ی جومونگ»، افسانه فلان. یعنی از اول حساب را تسویه می‌کنند؛ [می‌گویند] افسانه است، واقعیت نیست. یک چیزی در می‌آورند، یک تاریخ برای گذشته خودشان درست می‌کنند، که وقتی یک جوان گُرهای ما به این فداکاری‌ها و به این شجاعت‌ها و به این کارهای عجیب غریب سینمایی نگاه می‌کند، خب احساس هیجان می‌کند، احساس هویت می‌کند، احساس افتخار می‌کند. ما اینها را در واقعیت زندگی خودمان داریم، اتفاق افتاده، پیش آمده؛ چرا از اینها استفاده نمی‌کنیم؟<sup>۱</sup>

۱. بیانات رهبرانقلاب در دیدار با عوامل فیلم «شمار ۱۴۳» است.

”

**آیا ادبیات و سینمای ما نمی‌تواند بروس‌لی و جومونگ‌های ملی و ایرانی خلق کند؟ زندگی پیام احمدی نایب قهرمان جهان که تا یکی دو سال پیش پیام الهام‌بخش و بار دراماتیک ندارد؟**

و درون‌زا بودن و تعلق خاطر مردم ایران به آن، این است که می‌تواند روی پای خودش بایستد. کاری که فدراسیون کشتی دوره علیرضا دبیر در توسعه این ورزش در سال‌های اخیر انجام داده است.

**هفت:** نخستین برخورد من با سینما قبل از ورود به مدرسه و در اواخر سال‌های دفاع مقدس. در مسجد امام حسین (ع) محل مان بود. فیلم «آزدها وارد می‌شود» بروس‌لی را با پروژکتوری روی پرده انداخته بودند. خلاصه اینکه بروس‌لی هم پای من را به مسجد باز کرد و هم با سینما آشنایم کرد! بروس‌لی از قهرمان‌های سینمایی نوجوانان دوره جنگ تحمیلی هشت‌ساله بود.

**هشت:** بروس‌لی نه تنها برند چین را در آن دوره بالا برد، بلکه آن را بازتعریف کرد و به نمادی از قدرت، انضباط و غرور تبدیل کرد. پیش از او، تصویر چین در رسانه‌های غربی اغلب با کلیشه‌های منفی یا تحقیرآمیز (مانند شخصیت‌های شرور یا خدمتکاران ضعیف) همراه بود. لی این تصویر را به کلی درهم شکست. او یک چینی قوی، باهوش، بااراده و قاطع را به جهان نشان داد که قربانی نیست، بلکه قهرمانی بی‌همتا است. شخصیت‌های او هرگز تحقیر نمی‌شدند و با شجاعت و عزت نفس می‌جنگیدند. او اولین ستاره بزرگ هنرهای رزمی در سینمای جهان بود و کونگ‌فو را از یک ورزش ناشناخته به یک پدیده جهانی تبدیل کرد. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به خاطر فیلم‌های او برای یادگیری هنرهای رزمی چینی الهام



# دیر کشتی ایران

انان پدر شیر مادر حالات

ویژگی‌نامه باسداشت  
**علیرضا دپیر**  
در شانزدهمین  
جشنواره مردمی فیلم عمار

۱۶



# من مأمور به نتیجه هستم!

چگونه علم، ایمان و عمل پیروزی را تضمین می کند؟



محمدحسین بدری  
روزنامه‌نگار

پدر خیلی آدم خوبی بود. آدم مومنی بود، اگر چند کلمه از دین یاد گرفته‌ام، از پدر به ارث دارم. فکر کنم ۵۰-۶۰ سال نماز شب خواند و هیچ کس متوجه نشد.

## ● چطور شد به کشتی آمدید؟

من بچه بیش فعالی بودم؛ ناخودآگاه در مدرسه دعوا می‌کردم، زیر می‌گرفتم. همه بچه‌ها را در حسینیه می‌زدم. یک حسینیه داشتیم، بابابزرگ من این حسینیه را به اسم امام حسن مجتبی (ع) درست کرد الان هم برای هیئت راه‌آهنی‌های تهران است. یادم است بچه که بودم یک هم‌محلای داشتیم که رفیق پدرم بود و بعدها مری می‌شد. من از ۶ سالگی این مری را داشتم. از همان دوران کودکی در حسینیه بین من و بچه‌ها کشتی می‌انداخت. مادرم هم همیشه غر می‌زد، می‌گفت با بچه من چه کاری؟ این مری‌ام از همان بچگی دنبال این بود که من را به کشتی ببرد و آخر سر کار خودش را کرد. یعنی کشتی‌گیر شدن من در اصل از حسینیه و چمن محله‌مان شروع شد.

## ● مری‌ها بتان چه کسانی بودند؟

از همان دوران کودکی آقای ابراهیم خیرالله زاده و پرویز نورمحمدی مری نوجوانان من بودند؛ خیلی برای من زحمت کشیدند. آقای خیرالله زاده به لحاظ فنی خیلی خوب روی من کار کرد. آقای نورمحمدی اخلاقی و رفاقتی و باز فنی کار کردند. جلوتر آقای محسن کابو، اکبر فلاح خیلی زحمت کشیدند. آقای محمود معزی پور، محسن فره‌وشی و منصور بزرگ هم واقعا در کشتی من تأثیر داشتند. این‌ها مربیان بودند که خیلی از آن‌ها یاد گرفته‌ام. هر چند من به خاطر ضربه خوردگی، زود از کشتی خداحافظی کردم ولی این عزیزان بیشترین سهم را در رشد و موفقیت من داشتند؛ هم از نظر اخلاقی و هم فنی.

● خیلی از آدم‌ها، از جمله خود ما وقتی سن‌وسالی پیدا می‌کنیم؛ درس می‌خوانیم، دست‌مان به جایی می‌رسد؛ احساس می‌کنیم بعضی از آدم‌ها را قبول نداریم. مثلاً پدر من ساختمان می‌ساخته یا آدم معمولی بوده اما من کارهای شده‌ام! فوقش این است که نهایتاً او را یک پیرمرد خوبی می‌بینم. درباره شما فکر می‌کنم این طوری نیست. پدرت را خیلی دوست داری.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. پدر من سال ۱۳۹۶ به رحمت خدا رفت. می‌گویند بعد از اینکه پدر یا مادر به رحمت خدا می‌رود، هفته‌ای یک بار واجب است که به دیدارش بروی. من الحمدلله هفته‌ای یک بارم ترک نشده، هم دیدار با مادر و هم رفتن بر سر قبر پدر. همه چیز من، اول خدا و اهل بیت است و بعد به پدر و مادرم مدیونم، مخصوصاً به پدرم. خیلی جاها که نگاه می‌کنم می‌بینم حرکت‌هایم ناخودآگاه مثل پدرم است. اطرافیان هم می‌گویند که پدرت هم همین طوری بود.

ما کلی باهم رفیق بودیم. باهم حال می‌کردیم. اصلاً طوری بود که پدر و پسری برعکس بود. از صبح که بلند می‌شدیم، مثلاً نماز صبح به او زنگ می‌زد، پیامک بازی می‌کردیم. از او می‌پرسیدم ناهار چه داری؟ مثلاً هوا سرد است، لباس چه پوشیدی؟ کجا رفتی امروز؟ قشنگ گزارش‌ها را می‌گرفتم. خیلی حواسم بود. با اینکه فاصله سنی ما زیاد بود، اما باهم رفیق بودیم، دعوا، شوخی، تفریح و ...

## ● کار پدر چه بود و چطور آدمی بود؟

پدر من کارمند سازمان آب بود و در رشته فوتسال مربیگری می‌کرد. فوتبالیست‌های خوبی هم تحویل جامعه داد. بعد به خاطر من این شغل را رها کرد و به سمت کشتی آمد. پدر در کنار ورزش مداح هم بود؛ حسینیه‌داری می‌کرد، عشقش این بود. اصلاً اینکه فامیلی ما دبیر شده است به خاطر این بوده که اجداد ما کربلا می‌رفتند و آنجا درس می‌خواندند. ما خانوادگی صاحب مکتب‌خانه بودیم. خانواده پدری من، همه مومن بودند. خدا بیامرز پدرم هم خودش، هم پدرهایش، عموهایم، پدر بزرگ‌هایم همه ملا بودند؛ ملاعلی، ملاحسن، ملاحمد. ملای درس‌خوانده.

”

اینکه فامیلی ما دبیر شده است به خاطر این بوده که اجداد ما کربلا می‌رفتند و آنجا درس می‌خواندند. ما خانوادگی صاحب مکتب‌خانه بودیم. خانواده پدری من، همه مومن بودند.



● شما تشکیلات کشتی را به این سمت توسعه می دهید که بچه های زیادی وارد شوند. دلیل خاصی دارد؟

چند تا علت دارد؛ اول اینکه بچه هایی به سمت کشتی می آیند که بدون تعارف بیش فعال هستند. این بچه های بیش فعال انرژی زیاد است و اگر مدیریت نکنیم، ممکن است آسیب های اجتماعی در جامعه درست کنند و به هر کاری دست بزنند. دوم، کاهش آسیب های اجتماعی است. واقعیت این است که کشتی گیرها سه برابر آدم های دیگر در تصمیم گیری سریع تر عمل می کنند. بعد این ها در زندگی و در سختی ها کم نمی آورند. این خیلی مهم است؛ یعنی در برابر سختی ها می ایستند. سوم، پر کردن اوقات فراغت بچه ها است. چهارم، شادابی است. پنجم، بدون تعارف؛ در ورزش هایی مثل فوتبال، تکواندو و... یک فاصله قابل توجهی داریم و استقبال در کشتی کمتر است و ما باید روی این موضوع کار کنیم. اصلاح کشتی گیر نشوند اما همین که ۷-۸ ده سالی ورزش کنند زندگی سالمی دارند. نکته بعدی این است که در ۷۰ هزار نفر بیشتر قهرمان بیرون می دهید تا در ۳۰ هزار نفر! البته کشتی ایران گنج های زیادی دارد؛ یکی از آن ها تختی است؛ خدا رحمتش کند. مربی می زند تو سر آدم می گوید آقا تختی این طوری بوده فلان بوده تو باید خوب باشی، خیلی کارها را نمی توانی بکنی. دوم پوریای ولی و مرام پهلوانی او است. البته کشتی ما همراه با سلام و صلوات و توسل به اهل بیت است. یعنی اصلا فلسفه اش با خیلی از رشته های دیگر فرق دارد و ما در این رشته تربیت می شویم.

● یک چیزی هست که زود سیر شدن است. ما در شما ندیدیم. در دوره اخیر، قهرمانی های مختلفی به دست آوردیم. اما شما قانع نمی شوید و یک دفعه می گوئید من المپیک را می خواهم! این روحیه چطوری در وجود شما حفظ شده است؟

من یک اعتقادی دارم. از این طرف شما نگاه می کنید می گویند انسان یک جاهایی از چهارپا بدتر می شود. از یک طرف هم می گویند آقا رسول الله (ص) تا جایی می رود که حضرت جبرئیل می گوید من دیگر بالاتر نمی توانم بروم، بال هایم می سوزد. می گویند این بار فقط انسان توانسته

بردارد. خدا وقتی این بار را می داد، هیچ کدام از مخلوقات قبول نکردند، انسان قبول کرد. من از همان هایی هستم که همیشه می گویم ما فقط «امام» نمی توانیم بشویم، چون امامان ۱۴ معصوم بودند. پیامبر هم نمی توانیم بشویم چون این ها رسول الله و برگزیده هستند. انسان به همه جا می تواند برسد؛ انتها ندارد.

من نقدی که به خیلی از مدیرها دارم این است که هنوز نیامده دنبال جای بالاتر هستند. خاک بر سر مدیری که برای پست بالاتر برود لایب کند. بابا بمان کارت را درست انجام بده. تو اگر خوب هستی، بیایند دنبالت؛ چرا می روی لابی می کنی؟ آن ها باید بیایند تو را ببرند. من این تیبی هستم. مثلاً الان شما به من بگو این اتاق را جارو بزن و تمیز کن، خدا شاهد است که آنقدر قشنگ برایت تمیز می کنم که کیف کنی. هر مسئولیتی به من بدهند سعی می کنم کار را خوب انجام بدهم. مهم فلان مدیر یا فلان مسئول بودن نیست، عمل است. با بقیه همکاران هم همین طوری هستم. با کسی تعارف ندارم. کار کردن با من سخت است. ساعت ۹ شب می خوابم و اصلا زندگی بعد از ۹ شب را بلد نیستم. گاهی؛ یک دفعه دو صبح زنگ می زند بلند شو بیا، چهار صبح، ده شب! بدون تعارف زندگی کارمندی را قبول ندارم. کار با کارمندی جلو نمی رود.

● عده ای می گویند کشور ایران یک جامعه سنتی است و ورزش کشتی به دلیل ذهن سنتی ما جان گرفته، خوب رشد کرده و باقی مانده است. از آن طرف، کشورهای دیگر با علم و تکنولوژی روز کار می کنند. شما چه نظری دارید؟

کشتی هم ورزش ملی ما است و هم ورزش مذهبی ما. هیچ وقت نمی گویند امام حسن (ع) و امام حسین (ع) باهم فلان بازی را می کردند، بلکه می گویند باهم کشتی می گرفتند. ما حضرت ابوالفضل (ع) را به پهلوانی می شناسیم. می خواهم بگویم این واقعا در مذهب ما هم هست. اصلا روی تشک کشتی آمدن یک قداسی

”

من از همان هایی هستم که همیشه می گویم ما فقط «امام» نمی توانیم بشویم، چون امامان ۱۴ معصوم بودند. پیامبر هم نمی توانیم بشویم چون این ها رسول الله و برگزیده هستند. انسان به همه جا می تواند برسد؛ انتها ندارد.



بچه هایمان چرا تنبل شده اند؟ چون زندگی ما آپارتمانی شده و پدر و مادرها نمی گذارند بچه ها به کوچه بروند و بازی کنند. دوره ما همه در کوچه و خیابان ها بودیم. همین باعث شد ماها خیلی رشد کنیم. همه این ها را گفتم که اگر ما به روز نباشیم و کار نکنیم، قافیه را می باریم. ما باید در آن مسیر علمی که دنیا می رود جلو برویم. بله آن چشمه جوشان را داریم. اگر یک آمریکایی در چهار سال می رسد، ما می توانیم در دو سال برسیم، به شرطی که علمی و درست تمرین کنیم. مثل این است که یک دونه مارتن که باید یک مسیر ۴۲ کیلومتری را بدود، برود ۱۰۰ کیلومتر در خاکی بدود، این به چه دردی می خورد؟ ۱۰۰ کیلومتر بدو! بهتر است ۴۲ کیلومتر را علمی بدوی. باید این راه را برویم. می گویند: «علم، عمل» من همیشه می گویم ایمان هم در کنار این ها. این سه تا باهم معجزه می کند.

● در بعضی ورزش ها مثل فوتبال، پول بیشتری وجود دارد و به واسطه این پول، مسائل مختلفی به وجود می آید. در کشتی هم در این سال ها باشگاه و لیگ داریم و بالاخره یک پولی هست. به نظر شما تجربه فوتبال در کشتی تکرار نمی شود؟

شیطان یک سری ابزار دارد و یکی از آن ها «شهرت» است. من می گویم شهرت ابزار شیطان نیست، خود شیطان است. آقای بهجت رحمه الله علیه می گفت از شهرت فرار کنید، خیلی از علما هم سفارش می کنند. این در ورزش ناخودآگاه وجود دارد. من فوتبال را اسم نمی برم، همه ورزش ها را باید بگویم. اما نکته مهم این است که ما مربی ها، خانواده ها و رفقا، باید در کنار ورزشکار باشیم، این خیلی مهم است. الان بچه ها وقتی جوایزی می گیرند، حتما با من مشورت می کنند که آن پول را چه کار کنند. این طوری نیست بروند فلان ماشین را بخرند و ببندازند زیر پایشان. ماشین یک آهن پاره است که هر لحظه ممکن است خراب شود. بالاخره شاید من یک تجربه ای داشته باشم، آقای

دارد؛ خیلی مراقبت می خواهد. الان کمی شل شدیم ولی امیدوارم این روحیات زنده بشود. چون بچه ها سالم می مانند. من در کشتی فقط به فکر قدرت جسم بچه ها نیستم. واقعا به فکر قدرت روحشان هم هستم. چون جسم و روح مکمل هم هستند. مخصوصا هر چه روح قوی تر باشد، جسم را راحت می کشد. همان طور که می گویند جسم مرکب روح است. آن کسانی که قهرمان المپیک می شوند روح و اراده بزرگ دارند که موفق می شوند. کشتی در ایران ریشه چند هزار ساله دارد. سنگ زورخانه داریم برای چهار هزار سال پیش، قبل از اسلام. ما ذوالقرنین را داریم که می گویند کوروش است، می گویند او هم پیامبر است و اگر پیامبر هم نبوده، حتما یک پیامبری در کنارش بوده است. دوره او هم، در بین ایرانی ها کشتی رایج بوده است. از دوره هخامنشی ها سنگ هایش را داریم که موجود هست. کشتی مال ما است ولی این دلیل نمی شود که زحمت نکشی و به روز نباشی.

تکواندو مال کره است ولی ایران و کشورهای دیگر می روند از کره آن را می گیرند، چون دارند زحمت می کشند. کشتی هم همین طور است، مال ما است، اما آمریکایی ها چند سال است آن را گرفته اند. ایران که می گویم دریای خزر و حوزه تمدنی ایران است. ولی اگر زحمت نکشی از تو می گیرند، چون یک ورزش المپیکی است. هر ورزشی که المپیکی می شود، نزدیک ۲۰۰ کشور روی آن کار می کنند. چون همه مدال المپیک را می خواهند و کامل به روز هستند. ولی حسنش این است که کشتی در ایران یک چشمه جوشان است؛ مثل فوتبال برزیل. من همیشه در مورد فوتبال هم، همین نگاه را دارم. می گویم فوتبال ایران در برنامه ۸ تا ۱۰ ساله بالا می آید. می گویند چرا؟ جواب این است که فوتبال ما کف خیابانی است مثل والیبال. چون در دل مردم ریشه دارد. با هم تعارف نداریم؛ ورزش مان دانشگاهی نیست، آموزش و پرورش نیست، بلکه ورزش ما محلی و کف خیابانی است، همه گل کوچیک بازی می کردند و همه ورزش هایمان کف خیابانی بود. از هر جا که آن را گرفتند، ورزش مان ضعیف شد. شما نگاه کنید که

”  
می گویند: «علم، عمل»  
من همیشه می گویم  
ایمان هم در کنار این ها.  
این سه تا باهم معجزه  
می کند.

داشت و بعد از انقلاب آن را از او گرفته‌اند. علیرضا دبیر در آن جلسه بالای ۱۷-۱۸ بار عذرخواهی کرد، بعد مسئولیتش را پذیرفت و بعد گفت که من خانه را برای شما جبران می‌کنم. ماجرای که ۴۵ سال پیش اتفاق افتاد، چه ربطی به شما داشت؟ ماجرای که در دوره مدیریت یک شخص دیگری بوده است!

من انقلاب را دوست دارم. تعارف نداریم، انقلاب اسلامی واقعا حق است. ولی آیا در این حق ناحقی صورت نمی‌گیرد؟ حتما می‌گیرد. خیلی از آدم‌ها هستند که از نظر من شعورش را ندارند که در انقلاب اسلامی چطور باید کار کنند. همان آدم‌هایی که این کارها را کردند. انقلاب یک هدیه از طرف خدا و امام زمان (عج) است. مردم ایران ایستادند و به پیروزی رسیدند و آن انقلاب را دارند. حالا آدم‌هایی که در آن کار می‌کنند مهم هستند. آن مدیر را باید بگیرند محاکمه‌اش کنند، من حرفم این است. آن مدیر دزد است، بی‌عرضه است؛ سریع باید کنار بگذاریمش. آقای علی‌آبادی آن روز می‌گفت انقلاب این کار را با من کرده است! من گفتم انقلاب دست ندارد که خانه تو را بگیرد. یک آدم این کار را کرده که یا کینه داشته و یا بلد نبوده است. اگر جایی واقعا به کسی ظلم شده، من اگر مثلا بیایم بگویم آقا من عذرخواهی می‌کنم، جبران می‌کنم چه اشکالی دارد؟ چرا نباید جبران کنیم؟ خب ظلم شده، خدا خوشش نمی‌آید. من گفتم انقلاب حقی است که حتما یک سری ناحق هم به اسم انقلاب داخلش هست. عده‌ای به اسم ضد انقلاب آن طرف دارند کاسبی می‌کنند، یک سری هم به اسم انقلاب دارند در داخل کاسبی می‌کنند. به نظر من، انقلابی کسی است که کارش را درست انجام دهد. یک مسئولیت به تو دادند گفتند محوطه را درست بشور، مریض را درست عمل کن، باید به وظایف‌ات به نحو شایسته عمل کنی. خدا باید محور باشد. کسی که کارش را خوب انجام دهد به نظر من از انقلابی‌ها انقلابی‌تر است. به خاطر همین؛ من واقعا از او عذرخواهی کردم. از آن روز که به او قول دادم، یک کارهایی انجام دادیم؛ ان‌شاءالله بتوانیم جبران کنیم که ایشان از دلش دریابد.

● چه شد که تصمیم گرفتید به سمت تحصیل و دانشگاه بروید؟

بعد از اینکه از ناحیه کتف آسیب دیدم مجبور شدم ورزش قهرمانی را کنار بگذارم. خیلی سخت بود. البته سطح ورزشکاران باهم فرق می‌کند. مثلا در کشتی همه تختی نیستند؛ در کشتی همه علیرضا حیدری و عباس جدیدی نیستند. بخوایم و نخواهیم من هم یک کوچولو کشتی می‌گرفتم، بالاخره کنار گذاشتن ورزش حرفه‌ای برای من هم سخت بود. این موقعیت را مدیریت نکنی مشکل ساز می‌شود. متاسفانه خیلی‌ها را دیدم که آوده می‌شوند، چون یک خلاء بزرگ پیش می‌آید. مدیرها، خانواده‌ها و خیلی از کسانی که تجربه قهرمانی دارند می‌فهمند من چه می‌گویم. شانس‌ی که من آوردم؛ افتادم روی درس خواندن. دانشگاه شهید بهشتی هم با کسی تعارف ندارد. یادم است وقتی



درستکار، آقای رنگرز و خانواده ورزشکار، در همه حوزه‌ها باید با این‌ها صحبت کرد. مشاور خیلی مهم است. نگاه کنید در باشگاه‌هایی مثل رئال مادرید و بارسلونا وقتی یک فوتبالیست جوان می‌آید، او را با یک فوتبالیست بزرگ‌تر هم اتاقی می‌کنند و یک مشاور باتجربه در کنارش می‌گذارند. ما سعی کردیم در کشتی این کار را بکنیم. بچه‌های جوان که به تیم ما اضافه می‌شوند کنار هادی ساروی می‌گذاریم. چون بالاخره هادی ۷-۸ سال است که در تیم ملی است، تجربیاتی دارد تا آن‌ها را انتقال دهد. به این Knowledge Management می‌گویند یعنی «مدیریت دانش». این کارهایی است که باید انجام دهیم و این ظرفیت را در فضای ورزش حرفه‌ای درست کنیم. یا به عنوان مثال؛ یک کتابخانه زدیم، ۱۰ هزار جلد کتاب در آن است و من بچه‌ها را ملزم می‌کنم که صبح‌ها بروید کتاب بخوانید. چون در فضای مجازی شما هر چه بخوانید ۴۸ ساعت بیشتر در ذهن نمی‌ماند؛ این کتاب است که می‌ماند. اینکه می‌گوییم پول می‌آید، باعث می‌شود مجموعه یا ورزشکار خراب شود من خیلی قبول ندارم. عیبی ندارد، کسب روزی حلال و ثروت حلال هم به نظر من ثواب دارد. ظرفیت و موقعیتش را باید درست کنیم تا درست مصرف شود.

● در مراسم رونمایی از کتاب آقای علی‌آبادی بودم که ماجرای خانه‌اش را گفت که سال‌ها پیش یک خانه‌ای

”

من انقلاب را دوست دارم. تعارف نداریم، انقلاب اسلامی واقعا حق است. ولی آیا در این حق ناحقی صورت نمی‌گیرد؟ حتما می‌گیرد. خیلی از آدم‌ها هستند که از نظر من شعورش را ندارند که در انقلاب اسلامی چطور باید کار کنند. همان آدم‌هایی که این کارها را کردند. انقلاب یک هدیه از طرف خدا و امام زمان (عج) است. مردم ایران ایستادند و به پیروزی رسیدند و آن انقلاب را دارند. حالا آدم‌هایی که در آن کار می‌کنند مهم هستند.

این کارها را بکنم. خودش دارد کمک می‌کند.

تا رسیدم فدراسیون دیدم بچه‌ها سه ماه حقوق نگرفته‌اند. بدترین سناریو این است که شما ببینید کارمندان حقوق نگرفته است. در سه هزار متر ساختمان به ۱۱۳ نفر حقوق می‌دادند! امروز ما در ۱۲ هکتار ۳۹ نفر را حقوق می‌دهیم. ۱۲ هکتار کجا، ۳ هزار متر کجا؟ فامیل، خواهرزاده و برادرزاده‌ها و آشناها را جذب کرده بودند. همه را تعدیل کردیم. جوان‌های خوب و سالم را، آن‌هایی که به درد می‌خوردند نگه داشتیم. بعد دیدیم این جا ۵۰۰-۶۰۰ نفر دارند نان می‌خورند، مستقیم با ما نیستند ولی با توجه به پیشرفتی که در زیرساخت‌ها داشتیم، مشغول به کار بودند. آن ایام دلار ۸-۹ هزار تومان بود. اولین کاری که کردم ۵۰-۶۰ میلیارد تومان (به پول امروز ۷۰۰ میلیارد) بدهی فدراسیون را تسویه کردم. فدراسیونی که کل بودجه‌اش آن موقع ۱۷-۱۸ میلیارد بود، سه چهار برابر بودجه سالانه‌اش بدهی داشت. شروع کردیم بدهی‌های مردم را دادیم.

### ● این پول‌ها را از کجا آوردید؟

از مردم، از بانک، بخش خصوصی، اسپانسر و از درآمدهای خودمان استفاده می‌کنیم. خدا می‌رساند. خدا می‌گوید تو حرکت کن من برکت می‌دهم. پارسال ۸۳۰ میلیارد تومان عملکردمان بود، ۱۲۰ میلیارد آن را وزارت ورزش به ما داده اما ۷۱۰ میلیارد آن به شکل‌های مختلف جور کردیم. یک تندیبهایی می‌کنیم. مثلاً با یک کشور که اسم نمی‌برم اگر بخواهیم در مسابقات آن شرکت کنیم، ۵۰ هزار یورو به صورت نقد باید به آن بدهیم. به جای رفتن، آن‌ها را دعوت می‌کنیم با ما اردو می‌گذارند، با ۵ هزار یورو اردوی آنها را جمع می‌کنیم، این وسط ۴۵ هزار تا سود می‌کنیم. این کارها را می‌کنیم. این‌هایی که می‌گویم واقعا همه آن لطف خداست. نمی‌شود بنشین و منتظر فرج باشی. باید کار کنی، بجنگی. حاج قاسم می‌گفت اول من فرمانده می‌رفتم بعد به سربرازانم می‌گفتم بیایید.

همه‌اش کار خداست. من فقط می‌دوم. من فقط به آن چیزی که خدا می‌گوید باور دارم. خدا می‌گوید تو گناه نکن، تو دروغ نگو. من بلد نیستم مردم را سبیه کنم، واقعا نمی‌توانم. من علت دیگری که در شور و اذیت می‌شدم این بود. بلد نبودم کار پوپولیستی بکنم، همان جا حرفم را راحت می‌زد، بی‌احترامی هم نمی‌کردم، حرفم را می‌زد. اصلانمی‌توانم دروغ بگویم، بدترین چیز این است که بخواهم دروغ بگویم. الحمدلله هر چه جلوتر می‌روم، هر چه سن و سال ام بالاتر می‌آید و کارم بیشتر می‌شود، واقعا می‌فهمم چقدر کوچکتیم، چقدر حقیرم. دعا کنید خدا ما را رها نکند. به خود خدا قسم، به سیدالشهدا قسم، کار را خودش می‌برد جلو، ما کاری نمی‌کنیم.

### ● به سیدالشهدا هم متوسل می‌شوید؟ تا به حال کربلا رفته‌اید؟

فدراسیون که آمد، بعضی‌ها که با ما بی‌د بودند اسم من را گذاشته بودند کربلایی! مثلاً می‌خواستند من را مسخره کنند. بعد نمی‌دانستند من عاشق کربلا و امام حسین (ع) هستم. خب این‌ها در دنیای خودشان هستند، در دنیای من که نیستند. بعد از یک مدت که فهمیدند من لذت می‌برم دیگر نگفتند. بعضی‌ها روضه می‌گیرند و گریه می‌کنند، عده‌ای آن‌ها را مسخره می‌کنند. من همیشه می‌گویم شما برو حال آن‌ها را درک کن. وقتی شما یک نفر رانفی می‌کنی، اول باید درکش کنی، مثل این است که اربعین کربلا می‌روی و می‌آبی سخت است، طرف داغون می‌شود. بعد همین طرف سال بعد از دو ماه مانده به اربعین باز شروع می‌کنی، می‌گویی بابا تو نمی‌دانی چه حالی می‌دهد. این کربلا و امام حسین (ع) این طوری است، آن‌ها باید بروند تالذت کربلایی بودن را مزه کنند. من خیلی راحت بگویم، اگر اهل بیت نباشند، من حرف زدنم را هم بلد نیستم.

البته من نجف را خیلی دوست دارم. در نجف احساس می‌کنی شاه زمین

من در دانشگاه شهید بهشتی دانشجوی دکتری شدم، روزی ۱۸ ساعت درس می‌خواندم. یعنی فکر می‌کردم «قهرمانی» الان در دانشگاه تعریف می‌شود؛ همه‌اش باید بدوم و بجنگم. من روحیه ام این است.

### ● سال ۹۸ رئیس فدراسیون کشتی شدید. وضعیت کشتی و امکانات زیرساختی چطور بود؟

مرداد ماه سال ۹۸ که به فدراسیون آمدم، ۳-۴ روز بدترین روزهای دوران مدیریتی من بود. به غلط کردن افتادم که چرا این جا آمدم. من رئیس کمیسیون برنامه و بودجه تهران بودم؛ یک مجموعه بزرگ با اختیارات زیاد. یک دفعه جایی آمدم که از درو دیوارش غم می‌بارید؛ ساختمان‌ها داغون بودند؛ موش و گربه مرده را گوشه و کنار می‌دید؛ کشتی‌گیر نداشتیم، پول نداشتیم. اصلاً نمی‌دانستم چه شده، واقعا نمی‌دانستم. یک حسن یزدانی بود، تمام! الان با حضور امیرحسین زارع، رحمان عموزاد، محمدعلی گزایی، سعید اسماعیلی و سایر بچه‌ها تیم خوبی شکل گرفته. من سه چهار ماه اول می‌گفتم غلط کردم آمدم، خدا با من چه کار کردی؟

روزهای اول، مثلاً یک کارمند می‌آمد داخل و می‌خواست پشت سر کسی حرف بزند، می‌گفتم بنشین، آن یکی را می‌گویم بیاید، حالا جلوی خودش بگو. تعجب می‌کرد. همان باعث شد غیبت جمع بشود. بعد از این برخوردها، دیگر همه می‌دانند، غیبت ممکن نیست.

از این طرف، مسابقه جام جهانی می‌خواستند به ما بدهند، ندادند. اتفاق هواپیمای اوکراینی، حاج قاسم، کرونا و اتفاقات تخیل دیگر. از طرفی دیگر؛ بدون اینکه خیلی از مردم من را بشناسند، ضد انقلاب شروع می‌کرد به دروغ پراکنی، این‌ها هم همیشه همراه من بوده‌اند. البته من این را خیر می‌دانم. من همیشه به خدا شوخی می‌کنم، می‌گویم خدایا گناهان ما را پاک کن قربونت برم. خدا به جای پاک کن، اسید برمی‌دارد! همه چیزش خیر است. یعنی خودش می‌خواهد انگار. دنیا راحتی ندارد؛ دنیا از اسمش معلوم است دیگر؛ دنی، پست. من دیگر کارشناس این رشته هستم. تعارف نداریم؛ چه در کشتی و چه در زیرساخت (اقتصادی، عمرانی و فرهنگی) اصلاً شرایط مناسب نبود. کار فرهنگی هم نمی‌شد. خبرنگارهای ضد انقلاب با تیم کشتی می‌آمدند و می‌رفتند. برای من سوال بود که چرا این‌ها باید بیایند و بروند؟ با پول ما، ضد ما تبلیغ کنند؟ هر طوری بگویند از وضعیت سابق فدراسیون من حرف دارم. یک جاهایی حرف‌هایی می‌زنم به هم می‌ریزند. حرف زیاد است؛ بخواهم حرف بزنم که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود!

### ● شما چه اقداماتی انجام دادید؟ توسعه و بهبود امکانات و آن‌اهدافی که برای کشتی داشتید محقق شد؟

اولین کاری که کردیم این بود که طرح توسعه ۸ ساله از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۸ نوشتیم. کسی که برنامه ۵ ساله کشور را می‌نویسد، یعنی مجلس، ۳۰٪ اگر به آن برسند می‌گویند بردیم، ما برنامه ۲۰۲۸ را در سال ۲۰۲۵ تمام کردیم، یعنی ۳ سال زودتر! این خودش یک معجزه است. دومین برنامه را نوشتیم تا ۲۰۳۲، آمدم اهداف را بردیم بالاتر. دیدیم خب ما رسیدیم. حمید سوربان همیشه یک حرفی به من می‌زند، می‌گوید تو نمی‌توانی بیکار بشوی، واقعا اگر کسی می‌خواهد من را تنبیه کند، باید بیکارم کند. من فدراسیون نباشم، کار فرهنگی می‌کنم. می‌روم کارهای دیگر می‌کنم؛ نمی‌توانم بنشینم. آقای بهجت می‌گوید شما در مسیر باش، در و دیوار راهنمای شما می‌شوند. من آدم‌ها و مدیرها را می‌بینم که دروغ می‌گویند و پوپولیستی برخورد می‌کنند؛ من از این اخلاق‌ها ندارم و بدم می‌آید. این حرف‌ها را خیلی صادقانه و راحت می‌گویم. واقعا خود خدا کمک می‌کند. اگر فکر کنید من هستم، خاک بر سر من. من اصلاً لیاقت ندارم

هستی، اصلا احساس قدرت می کنی. در کربلا اسپند روی آتشی، آرام و قرار نداری، یک جوری هستی ولی نجف، انگاری بابایمان آنجاست! نجف اصلا فکر می کنی امپراطوری عالم مال توست. همه احساس قدرت می کنیم، اصلا نجف حس عجیبی دارد. من باور دارم اگر خدا به وقت و عمر آدم برکت دهد، ۲۴ ساعت برایش ۷۲ ساعت می شود. آقای سیستانی می گفت کربلا در اربعین وسیع می شود. هر چقدر هم بگویی آدم های عادی نمی فهمند. اصلا بابا دنیا جایی که می بینیم نیست. حقیقتش چیز دیگر است.



● آقای دبیر دو تا نگاه وجود دارد. یک عده می گویند باید کشتی گیر و قهرمان تربیت شود و یک نگاه هم به زیرساخت توجه دارد. همان کاری که شما در فدراسیون کشتی پیاده کرده اید. آیا این دوگانه است یا می شود بین آن ها تعادل ایجاد کرد؟

بستگی به دید شما دارد. بله شما می توانید گلخانه ای عمل کنید و چهار تا قهرمان را به سکو برسانید و تمام بشود. به نظر من مهم برای یک مدیر این است که ریل را بگذارد. ما به لطف خدا ۷۴۰ خانه کشتی به خانه کشتی های کشور اضافه کردیم. جمعیت ما از ۳۰ هزار تا نزدیک ۷۰۰ هزار شد. همین طوری دنبال آن هستیم و داریم افتتاح می کنیم. خیلی از مربی های ما به مرحله درآمدزایی رسیدند و خیلی از اتفاقات مهم دیگر... وقتی شما ریل را بگذارید، از این طرف؛ دانش افزایی مربیان را داشته باشی، دیگر آن گلخانه نیست که ۴ تا قهرمان تحویل بدهد، این دیگر می شود چشمه جوشان. برای این کار باید فکر اقتصادی داشت، حتما برای توسعه زیرساخت باید برنامه اقتصادی بنویسی. حتی کار فرهنگی اش هم برنامه اقتصادی می خواهد.

● برنامه سال ۲۰۲۸ چه بود که به آن رسیدید؟

ما ۲۰۲۸ مثلا دو تا طلای المپیک پیش بینی کرده بودیم. دو تا طلای المپیک خیلی است! ما ۲۰۲۴ می توانستیم ۵ تا بگیریم. ۲ تا را گرفتیم، دیدیم موفق شدیم. یا برنامه داشتیم

تیم هایمان در ۲۰۲۷ باید قهرمان دنیا شوند. یک دفعه دیدیم در سال ۲۰۲۵ قهرمان شدند. یا در رده های مختلف و در ساخت و سازهایمان. در بحث تعداد کشتی گیرهایمان. یعنی همه این ها را در کردیم به لطف خدا. یک ضعیفی که داریم این است که تا سال ۲۰۲۸ یک نفر عضو اتحادیه جهانی بشود. آن هم، من اول خودم را مقصر می دانم. دو نفر این جا بهترین کسی هستند که می توانند رای بیاوند؛ اول به نظر من حمید سوریان است، هم نایب رئیس بود، هم خودش قهرمان بزرگی است و مدال طلای المپیک جهان دارد اما اصلاح این کار را ندارد. خیلی هم سعی کردم نشد. دوم خود من هستم. من هم خارج برو نیستم. برای من بدترین چیز این است که از این جا بخواهم راه بیافتم تا فرودگاه امام بروم!

● برنامه سال ۲۰۲۲ چیست؟

ما دوره ای که در شورای شهر بودیم، پروژه ها را زمان می زدیم. در فدراسیون کشتی هم، یک جدول کامل نوشتیم که در ۲۰۲۸ باید چند تا مدال بگیریم. گفتیم فرنگی و آزاد ۲۰۲۶ باید کجا باشیم، ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ کجا باید باشیم. همه این ها در جدول هست. هیچ کس دوست ندارد خودش را زیر بار ببرد، از قصد این کار را کردیم که بدویم. گفتیم یک مدیر باید ریل بگذارد که اگر هم از مجموعه رفت، مدیر بعدی بیا باید مجبور شود این راه ادامه دهد. حق ندارد با این برنامه عقب برود. باید این برنامه را از تو بگیرد و مثل دوی امدادی، بدود. بعد مردم هم باید مطالبه گر باشند.

● من شنیدم برای ۲۰۲۲ شما ۸ مدال المپیک در نظر گرفته اید. خیال پردازی نیست؟

بدون تعارف بگویم ما آرزوهای مان خیلی بالاست. ما مأمور به وظیفه هستیم، مأمور به نتیجه نیستیم. ولی من این را هم قبول ندارم، شما وقتی وظیفه ات را خوب انجام دهی، خدا قاننون دارد، خدا می گوید تو اگر کافر هم باشی، زحمت بکنی، من مزدت را در دنیا می دهم. تو وقتی وظیفه ات را خوب انجام بدهی، خدا حتما نتیجه را هم به تو می دهد. دلیل ندارد نتیجه زحمات را نگیری. اصلا در ورزش دو تا چهار تا است. خوب زحمت بکنی، خوب بخوابی، خوب برنامه ریزی کنی، خدا هم می بیند.

● هم در داخل و هم خارج به شما حمله می کنند، چرا؟

نظر آن هاست دیگر، متر که ندارد. هیچ کس نمی تواند کس دیگر را قضاوت کند. من از خدا خیلی ممنونم. خدا هر کس را یک طوری آزمایش می کند. همیشه آزمایش من، آبرویم است. خدا هر کس را با چیزی آزمایش می کند یکی را با بچه اش، یکی را با فقر، یکی را با جسمش، برای من همیشه آبرویم بوده. تیم های ما قهرمان دنیا می شوند، سریع برای من یک موضوعی درست می کنند و شروع می کنند به فحش دادن. همان تیم قهرمان دوم بشود، دوباره به شکلی دیگر شروع می کنند به حمله کردن. اصلا برایم مهم نیست. من طوری شده ام که به لطف خدا وقتی فحش می خورم بیشتر خدا را شکر می کنم. یک موقع است آدم

”

شما می توانید  
گلخانه ای عمل کنید و  
چهار تا قهرمان را به  
سکو برسانید و تمام  
بشود. به نظر من مهم  
برای یک مدیر این  
است که ریل را بگذارد.

رعدوبرق دارد؟ دیدم نه این صداها ادامه دارد. زنگ زدم دو تا از رفیق هایم، گفتن جنگ شروع شده! پژمان درستکار سریع به من زنگ زد گفت اطراف ما را زدن، بچه ها اصلا حالشان خوب نیست. این ها کم سن و سال هستند. بلافاصله گفتم بچه ها را اردو ببرند. هماهنگ کردم رفتند بیرون از تهران. نگذاشتیم اردوی آزاد و فرنگی بخوابد. در همه رده ها جز نوجوانان. چون بچه هستند، بچه های ۱۶-۱۵ ساله کنار پدر و مادرشان باشند، بهتر است. ولی جوانان و بزرگسالان را من رها نکردم. بلافاصله یک اردو رفت ارومیه، یک اردو رفت سمت گیلان، دو تا اردو رفت مازندران، یک اردو هم رفت سمت تبریز. اردوها را نگذاشتیم بخوابد. بعد بچه ها خیلی منسجم تر شدند و خدا لطف کرد تیم ما اول شد.

● **یعنی یک جوری تاثیر جنگ روی بچه ها این بود که با غیرت تر کشتی بگیرند**

من که در اردوهایشان نبودم، خودشان بودند. تعارف نداریم ۱۱۰ تا شهید دادیم، بچه کوچک؛ دختر مردم، زن مردم؛ این ها ناموس ما هستند. بچه ها واقعا یک بغضی داشتند؛ این جا دیگر به نظر من ضد انقلاب و انقلابی نداریم. ایرانی هستند. غلط می کند کسی به مملکت ما حمله کند. فرض کنید مثلاً یکی در خیابان دختری را بزند، ما او را رها می کنیم؟ خدایی می رویم پدر آن طرف را درمی آوریم. می گوییم بی خود می کنی می زنی، ناموس ماست. حالا کسی از خارج بیاید که بدتر. بالاخره بچه های کشتی هم با غیرت هستند.

● **از مردن می ترسید؟**

نه؛ از یک چیزش خیلی می ترسم. از اینکه آنجا بابت اعمالم چه می خواهم جواب بدهم. فقط از همین می ترسم. البته همه چیز دست خداست. خدا کند همه چیز را با فضلش بسنجد نه با عدلش. هر کس خودش می داند با خدا چند چند است. ان شاء الله به حق حضرت زهرا (س) اهل بیت دست مان را بگیرند.

کاری می کند یا خطایی از او سر می زند؛ نارحت می شود. من کاری هم نکنم، یک تهمت هایی به من می زند، حرف هایی می زند. خدا می گوید همه شما آزمایش می شوید و این همان آزمایش من است. ان شاء الله که در کار خودمان کم نیاوریم.

● **بعد از سال ها، هم در آزاد و هم فرنگی در مسابقات جهانی قهرمان شدیم. این اتفاق مهم چطور رقم خورد؟**

ما الان در همه رده ها قهرمان دنیا هستیم؛ نونهالان، نوجوانان، جوانان، امید و بزرگان، یا اول هستیم و یا دوم، هم آزاد و هم فرنگی. در ده رده. کدام فدراسیون در دنیا این طوری است؟ بسکتبال آمریکا و فوتبال برزیل هم این طوری نیست؛ چون با علیرضا دبیر مشکل دارند این ها را نشان نمی دهند. باهم تعارف نداریم؛ هم رسانه ضد انقلاب و هم رسانه داخلی - آن هایی که با من خوب نیستند - سانسور می کنند. نمی گذارند این موفقیت ها دیده و شنیده شود. اصلا هم برایم مهم نیست؛ ما کارمان را انجام می دهیم. به نظرم مهم این است که ما کاری کنیم که این موفقیت ها ادامه دار باشد. زیربنا را طوری بگذاریم قهرمانی ها مستمر باشد؛ غره نشویم، فکر نکنیم کاری کردیم. همین الان تمرین مسابقات جهانی آبان سال بعد را شروع کرده ایم. مثلاً المپیک لس آنجلس را از المپیک ۲۰۲۰ شروع کرده ایم. اصل کار این است. باید با بچه ها شروع کنی. این ها را به چرخه بندازی، میدان بفرستی و بازی بدهی. چون میدان های جهانی المپیک باید برود. بچه های جوان را به مسابقاتی مثل یاشاردوغو ترکیه، یاریگین روسیه و ... می فرستیم. بروند در مسابقات باخت هایشان را بدهند. سیاست های فدراسیون و مسیر قهرمانی کاملاً مشخص است.

● **در ایام جنگ ۱۲ روزه وضعیت کشتی چطور بود؟ توانستید روحیه بچه ها را حفظ کنید؟**

روز جمعه بود. من یادم است ساعت حوالی سه و بیست دقیقه بود که صداها آمد. اول فکر کردم باران است؛ بعد گفتم خرداد چه ربطی به باران و



WRESTLING  
WORLD CHAMPIONSHIPS

UNITED WORLD  
WRESTLING

WRESTLING  
WORLD CHAMPIONSHIPS

UNITED WORLD  
WRESTLING

WRESTLING  
WORLD CHAMPIONSHIPS



UNITED WORLD  
WRESTLING

WRESTLING  
U23 WORLD CHAMPIONSHIPS

UNITED WORLD  
WRESTLING

WRESTLING  
U23 WORLD CHAMPIONSHIPS

UNITED WORLD  
WRESTLING

WRESTLING  
U23 WORLD CHAMPIONSHIPS



# آیامی توان از دل محرومیت به استانداردهای جهانی رسید؟

تأملی در مدیریت جهانی علیرضا دبیر در گفت‌وگو با هادی عامل

هادی عامل که نامش با شناسنامه حسی و تاریخی کشتی ایران گره خورده است؛ با تجربه حضور در ده دوره از بازی‌های المپیک و گزارش لحظه‌های سرنوشت‌ساز تاریخ ورزش، به درکی عمیق از پیوند میان «تکنیک روی تشک» و «مدیریت در پشت‌صحنه» دست یافته است. همین تخصص میدانی و زیست مداوم در اتمسفر مسابقات جهانی، باعث شده نگاه او به مدیریت ورزش، نگاهی برخاسته از بطن واقع باشد. از منظر او، موفقیت در کشتی نه یک اتفاق تصادفی، بلکه محصول یک منظومه مدیریتی است که ریشه در شناخت دقیق هویت این ورزش و نیازهای واقعی قهرمانان دارد. او اکنون از سال‌ها رفاقت و همراهی با علیرضا دبیر و رویکرد تحولی او در فدراسیون کشتی می‌گوید.

## ● شروع رفاقت از استانبول

آغاز آشنایی من با علیرضا دبیر به ۳۳ سال قبل بازمی‌گردد؛ یعنی سال ۱۳۷۱ که مسابقات نوجوانان جهان در استانبول ترکیه برگزار می‌شد. دبیر تازه قدم به چهارده سالگی گذاشته بود و در وزن ۴۴ کیلوگرم کشتی می‌گرفت. روحیه علی، آمیخته به شور و مرام نوجوانی بود. من در مسابقات استانبول مسئولیت گزارش مسابقات را برعهده داشتم. خوب به خاطر دارم که توی ازدحام و شلوغی سالن مسابقات، به دنبال ابوالفضل زینلی بودیم که از دوستان نزدیک دبیر بود. به دلیل شلوغی سالن، من امکان ورود نداشتم؛ از دبیر خواستم ابوالفضل را پیدا کند و بهش بگوید که ما توی شلوغی جمعیت گیر افتاده ایم. دبیر، با سرعتی مثال‌زدنی رفت تا این موضوع را حل کند. همانجا دریافتم که این نوجوان وزای فنون کشتی، قلبی دارد که برای خدمت به رفیق می‌تپد. این پیوند رفاقت که از پشت درهای بسته سالن ترکیه آغاز شد، مقدمه‌ای شد بر سال‌ها همراهی من و دبیر در میدانی بزرگ جهانی.

## ● پهلوانی در نوجوانی

در مسابقات نوجوانان جهان در استانبول، علیرضا دبیر مدالی نگرفت و حذف شد؛ اما رفتار او با دیگر هم‌سالانش تفاوتی معنا دار داشت. نوجوانان معمولاً روحیه‌ای حساس دارند؛ به وقت باخت، سیل اشک می‌ریزند و به وقت برد، در پوست خود نمی‌کنجند. اما علیرضا دبیر با اینکه باخته بود، ابداً افسرده نبود و مشخص بود که از وضعیت روانی مناسبی برخوردار است.

من افتخار داشته‌ام که برای چهار نسل گزارش کنم؛ از اولین طلای رسول خادم در مسابقات آتلانتا تا آخرین مدال‌های ساروی و اسماعیلی. با همه این پچه‌ها ارتباط عاطفی خاصی دارم. آن روز هم در استانبول به دبیر گفتم نگران نباش مسابقات دیگری در پیش است.

”

نوجوانان معمولاً روحیه‌ای حساس دارند؛ به وقت باخت، سیل اشک می‌ریزند و به وقت برد، در پوست خود نمی‌کنجند. اما علیرضا دبیر با اینکه باخته بود، ابداً افسرده نبود و مشخص بود که از وضعیت روانی مناسبی برخوردار است.

## هادی عامل

کوشگر ماهنامه کیهان کشتی

او هم با آرامش حرف‌م را پذیرفت. گفتم مطمئن باش که برای ایران عزیز افتخارات بزرگی کسب خواهی کرد. بعدها خودش می‌گفت که آن حرف‌ها در آن روز تلخ، چقدر برایش ارزشمند بوده است. من شاهد بودم که او چگونه از همان شکست در استانبول، مسیر سخت رسیدن به تیم ملی جوانان را هموار کرد.

## ● آغاز شگفتی در ۲۱ سالگی

علیرضا مسیر را با قدرت ادامه داد و در روسیه و فنلاند قهرمان جهان شد تا اینکه به سال ۱۹۹۸ رسیدیم. آن زمان محمد طلایی، تازه قهرمان دنیا شده بود و رزومه سنگینی داشت. در مسابقات جام تختی، قرعه به نام دبیر و محمد طلایی افتاد. من گزارشگر آن کشتی بودم؛ جوانی که نه عضله‌ای داشت و نه نامی، با سه بارانداز و یک خاک، شگفتی‌ساز شد و قهرمان جهان را شکست داد. در آن دوران، کشتی‌گیرانی که صاحب‌مدال بودند، مسیر راحت‌تری در چرخه انتخابی داشتند؛ امیر خادم سرمرپی بود و محمد طالقانی نایب‌رئیس. طبیعی بود که به تجربه طلایی بیشتر اعتماد کنند. دبیر می‌دانست اگر تنها یک باخت بدهد، بی‌شک کنار گذاشته خواهد شد. فشار به حدی بود که یک مسابقه انتخابی مجدد در سالن هفت تیر با محمد طلایی گذاشتند. باز هم افتخار گزارش آن میدان با من بود. وقتی علی بازم پیروز شد، دیگر راهی برای انکار نماند؛ جوانی بیست‌ساله جایگزین قهرمان جهان شد. در جام جهانی ۱۹۹۸ تهران، جایی که ما طلاهای عباس جدیدی و علیرضا حیدری را داشتیم، علیرضا دبیر هم در فینال مقابل «هارون دوغان» ایستاد و بر سکوی نخست نشست. دبیر راه صدساله را یک شبه پیمود و توی ۲۱ سالگی، در حضور تمام مدعیان، سلطان وزن خود شد.



نقره آنکارا برای او پایان نیست، بلکه سوختی برای پرتاب به سمت طلای المپیک است.

#### ● نان پدر و شیر مادر حلال است پهلوان

مسیر المپیک سیدنی از دل طوفان گذشت. علیرضا دبیر در وزن ۵۸ کیلوگرم روی تشک رفت و در همان دور دوم با حریفی روبه‌رو شد که لرزه بر اندام هر کشتی‌گیری می‌انداخت؛ «گویو سیس‌اوری». کشتی‌گیر گرجستانی‌الصل تیم کانادا که باهایی به شدت قرص و محکم داشت. در دنیای کشتی می‌گفتند اگر به پای سیس‌اوری برسی، تازه اول بدبختی توست؛ چرا که او با قدرت بدنی عجیبی سرگردن حریف را مهار می‌کرد. دبیر اما با تمرکز بالا، از سد این حریف سخت‌گذشت تا نشان بدهد برای طلا به استرالیا آمده است. در نیمه‌نهایی، نوبت به «تری براندز» آمریکایی رسید که مدال نقره جهان را در کارنامه داشت. دبیر با یک خاک و دو بارانداز، شش بر صفر پیش‌افتاد و حریف را چنان کلافه کرد که او شروع به بد اخلاقی کرد؛ مشت می‌زد، سر می‌زد تا جایی که صورت و چشمان علی سیاه و کبود شد. در آن لحظات پُرتنش، تمام نگرانی من این بود که مبادا علی واکنش نشان بدهد و فینال المپیک را با درگیری از دست بدهد. اما او با هوشمندی، صبوری کرد و با اقتدار به فینال رسید. در دیدار نهایی نیز مقابل حریف اوکراینی قرار گرفت؛ هرچند مسیر دبیر در گروهی که تری براندز و دیگر مدعیان بودند بسیار دشوار بود، اما او فینال را هم با یک خاک و بارانداز مدیریت کرد و به آرزوی دیرینه‌اش، یعنی مدال طلای المپیک رسید. نکته‌ای که شاید کمتر کسی بداند و شکوه این مدال را بیشتر کند، حادثه‌ای بود که تنها سه چهار ماه قبل از المپیک رخ داد. آپاندیس علیرضا دبیر به‌طور ناگهانی دچار مشکل شد و او را شبانه به اتاق عمل بردند. آن زمان جراحی‌ها مثل امروز به صورت لاپاروسکوپی نبود و عمل باز انجام می‌شد که دوره نقاهت طولانی و سختی داشت. او با بدنی شکافته و درحالی‌که هنوز بخیه‌هایش به‌طور کامل التیام نیافته بود، تمرینات

#### ● زیرگیری نقص

دبیر در رسیدن به پادشاهی عجبی داشت؛ فرقی نمی‌کرد حریف با چه گاردی روبه‌روی او بایستد؛ هم پای راست را خوب می‌گرفت و هم پای چپ را. در خاک هم از دو طرف بارانداز بی‌نقصی می‌زد. اما نکته طلایی در کشتی او، دفاع از سرگردن و نتیجه‌گیری پس از رسیدن به پا بود. بسیاری از کشتی‌گیران زیر می‌گیرند اما در لحظه لیفت شدن، اصطلاحاً کُنده آن‌ها بالا می‌آید و امتیاز از دست می‌دهند؛ در تمام سال‌هایی که مسابقات او را گزارش کردم، ندیدم کسی کُنده علیرضا دبیر را بالا بیاورد. او وقتی به پا می‌رسید، کار را تمام می‌کرد و همین ثبات فنی، نگاه تمام دنیا را به سمت این جوان جلب کرد.

#### ● خبره به المپیک

پس از طلای جام جهانی ۱۹۹۸ در تهران، نوبت به آزمون سخت‌تر رسید. محمد طلایی در جام تختی تنکابن با تمام قوا آمد تا انتقام شکست قبل را بگیرد. گزارشگر آن نبرد حساس هم، من بودم؛ تقابل دو بزرگ دنیا که تماشاگر را به وجد می‌آورد. دبیر در آن میدان هم پیروز شد تا جایگاه خود را به عنوان ملی‌پوش تثبیت کند. سال ۱۹۹۹ مسابقات جهانی در آنکارا برگزار می‌شد و علی بار دیگر به فینال رسید تا روبه‌روی «هارون دوغان» بایستد. در آن فینال، دبیر نتیجه را واگذار کرد و به مدال نقره قناعت کرد. واقعیت این است که نمی‌توان امتیاز میزبانی را کتمان کرد؛ همان‌طور که در تهران جو سالن به سود دبیر بود، در آنکارا هم دوغان از آن بهره برد.

شکست در فینال جهانی برای هر کشتی‌گیری تلخ است، اما واکنش علی بعد از مسابقه، درس بزرگی داشت. شب مسابقه وقتی طبق عادت همیشه سر راغ او رفته تا از تلخی باخت بکاهیم، گفتم ناراحت نباش تو کم فروشی نکردی و حریت هم قدر بود. در کمال تعجب دیدم او نه تنها فرو نریخته، بلکه افق دورتری را می‌بیند. با اطمینان گفت ناراحت نیستم و از همین ثانیه تمام هدف من المپیک سیدنی است. از این به بعد، خواب و استراحت و تمرین و هر لحظه زندگی من، حول محور المپیک خواهد چرخید. آنجا بود که فهمیدم

”

در تمام سال‌هایی که مسابقات او را گزارش کردم، ندیدم کسی کُنده علیرضا دبیر را بالا بیاورد. او وقتی به پا می‌رسید، کار را تمام می‌کرد و همین ثبات فنی، نگاه تمام دنیا را به سمت این جوان جلب کرد.

### ● دفاع از هویت کشتی

در جهان کشتی، نتیجه تنها نیمی از حقیقت است؛ نیمی دیگر، منش و استواری در مسیر باورهاست. علیرضا دبیر نیز در این مسیر، کاری فراتر از ساخت و ساز انجام داد و از «هویت کشتی» دفاع کرد. یک نمونه عینی که شاید کمتر کسی بداند، ماجرای تصاویر قهرمانان در خانه کشتی شهید هادی است. عده‌ای با کج سلیقگی، اصرار داشتند تصویر «محمدعلی فردین» به عنوان نایب قهرمان جهان در سال ۱۹۵۴ برداشته شود. دبیر در برابر این فشارها تمام قد ایستاد و گفت اگر می‌خواهید این عکس را بردارید، اول باید من را بردارید. این ایستادگی در برابر حذف سرمایه‌های ملی، کاری بزرگ و ستودنی بود.

### ● دیپلماسی اعزام و جسارت حرفه‌ای

فرآیند ساختن یک قهرمان جهان، فراتر از تمرین بر روی تشک، نیازمند یک «دیپلماسی اعزام» و مدیریت لحظه‌هاست. کشتی‌گیر نوجوان ما، تا با اتمسفر مسابقات بین‌المللی خو نگیرد، در کارزار جهانی، مرد میدان نخواهد شد. ما در سال، هشت آوردگاه جهانی در رده‌های مختلف پیش رو داریم که عبور از فیلتر مسابقات آسیایی، پیش‌نیاز قانونی آن‌هاست. تنها در سالی که گذشت، فدراسیون کشتی قریب به ۷۰ اعزام بین‌المللی را مدیریت کرد تا هیچ کشتی‌گیری بدون تجربه میدان خارجی، پا به مسابقات رسمی نگذارد. علیرضا دبیر در رأس این هرم مدیریتی، چرخه‌ای را بنا نهاد که در آن، هیچ درخواستی از سوی سرمربیان برای حضور در تورنمنت‌های تدارکاتی بی‌پاسخ نمی‌ماند. ثمره این انضباط آهنگین را در المپیک ۲۰۲۴ پاریس به چشم دیدیم؛ جایی که از ۱۲ سهمیه ممکن، ۱۱ سهمیه تصاحب شد و با صید ۸ مدال رنگارنگ، درخشان‌ترین کارنامه تاریخ کشتی ایران در المپیک رقم خورد. اتحادیه جهانی کشتی، تیم فرنگی ایران را به عنوان «برترین تیم دنیا» معرفی کرد و نوابغی چون سعید اسماعیلی و رحمان عموزاده را در صدر ستارگان جهان نشانند.

این پیروزی‌ها اتفاقی نیست. پشت این مدال‌های خوش‌رنگ، یک «جسارت حرفه‌ای» نهفته بود که مسیر تاریخ ورزش ایران را تغییر داد. برای نخستین بار، کشتی‌گیران ما دهکده بازی‌ها را ترک کردند. دبیر با نگاهی تیزبینانه، هتلی در مجاورت برج ایفل و در فاصله پنج دقیقه‌ای تا سالن مسابقات اجاره کرد. او می‌دانست که ترافیک پاریس و هیاهوی دهکده، فرساینده است و تمرکز ملی‌پوش را خدشه‌دار می‌کند. در همان هتل، سالتی اختصاصی مجهز به تشک کشتی بنا شد تا بچه‌ها در هر ساعتی که اراده کنند، مشغول تمرین شوند. حتی آشپز و مواد غذایی ایرانی مهیا شد تا ورزشکار در آرامش مطلق به میدان برود. در پاریس، تنها دو تیم استاندارد جهانی را به کمال رعایت کردند: تیم بسکتبال آمریکا و تیم کشتی ایران. البته خروج از حصار امنیتی دهکده المپیک، خودش نبردی هفت‌ماهه با نهاد‌های بین‌المللی بود. دبیر ماه‌ها جنگید تا مسئولیت امنیت تیم را برعهده بگیرد و این مسیر پرمخاطره را هموار کند.

طاق‌ت فرسا را از سر گرفت. این مدال طلا، تنها حاصل فن و بند کشتی نبود؛ بلکه نتیجه اراده‌ای پولادین بود که حتی تیغ جراحی هم نتوانست مانع رسیدن به آن شود.

### ● بنای اول؛ زیرساخت‌ها

بعد از یک دوره نقاهت، علیرضا دبیر آرام و بی‌صدا با دنیای قهرمانی فاصله گرفت. خداحافظی او از آن دست وداع‌های نمادین نبود که کسی چهارگوشه تشک را ببوسد و تمام؛ بلکه جراحی کهنه کتف و اقتضای روزگار، او را به سمتی دیگر برد. او راهی شورای شهر شد و قریب به ده سال در کسوت نمایندگی مردم فعالیت کرد. کیست که نداند روح یک کشتی‌گیر را نمی‌توان در حصار صندلی‌های سیاست زندانی کرد. در تمام آن سال‌ها، دبیر لحظه‌به‌لحظه نتایج را تعقیب می‌کرد و نبض کشتی در جانش می‌تپید؛ تا اینکه سرانجام با کوله‌باری از تجربه مدیریتی، به خانه اصلی خودش بازگشت و سکان فدراسیون را به دست گرفت. دبیر از همان ابتدای ریاست، بر این اصل پافشاری کرد که برای اعتلای کشتی، ابتدا باید بنای زیرساخت‌ها را از نو نهاد.

### ● آبروداری برای ایران

واقعیت تلخی بود که خانه کشتی ما، متعلق به نیم قرن پیش بود و دیگر رمقی برای میزبانی از قهرمانان نداشت. نوسازی این اماکن در اصل برعهده متولیان دولتی است اما معمولاً نهادهای دولتی همواره در پیچ‌وخم مضایق مالی، فرصت‌ها را از دست می‌دهند. دبیر با درک همین خلأهای بنیادین، آستین همت را بالا زد تا مائری در شأن نام ایران بنا کند. در موقعیتی که فریادش به گوش متولیان امر نمی‌رسید و بوروکراسی اداری، نوسازی خانه کشتی را در نوبت‌های بی‌فرجام گذاشته بود، خودش تصمیم گرفت زیر دوخم کار برود. او منتظر بود چه‌های قطره‌چکانی نماند؛ از هر طریقی که می‌شد، اعتبار جذب کرد و هنرمندانه بنای ساخت که امروز با قاطعیت می‌گویم بهترین کمپ کشتی در پهنه جهان است. هر ایرانی که قدم بر این کمپ بگذارد، از تماشای شکوه آن، احساس غرور می‌کند. دبیر حتی به تجهیزات پیشین هم قانع نشد؛ دستگاه‌های بدن‌سازی را که تنها سه سال از عمرشان می‌گذشت، به هیئت‌های استانی بخشید و در سال ۲۰۲۵، مدرن‌ترین تجهیزات دنیا را از ایتالیا به قلب کمپ کشتی آورد.

اعتقاد راسخ او این است که در نبرد زیرساخت‌ها، ما نباید حتی یک قدم از قدرت‌های دنیا عقب بمانیم. چندی پیش، مسئولان فدراسیون کشتی آمریکا در بازدید از این مجموعه، مبهوت شکوه و مهندسی آن شده بودند. امروز کار به جایی رسیده است که وقتی مهمانان بلندپایه خارجی یا وزرای کشورهای دیگر به ایران می‌آیند، متولیان ورزش ما، آن‌ها را نه به استادیوم‌های فرسوده که به فدراسیون کشتی می‌برند تا آبرو و اعتبار ورزش ایران را به رخ بکشند؛ غافل از آنکه این بنا، نه محصول همت دولتی، که ثمره پافشاری و نگاه تحول‌خواه شخص دبیر بوده است. او زیرساختی ساخت که تا دهه‌ها، ما امن قهرمانان این مرزوبوم خواهد بود.

۹۹

عده‌ای با کج سلیقگی، اصرار داشتند تصویر «محمدعلی فردین» به عنوان نایب قهرمان جهان در سال ۱۹۵۴ برداشته شود. دبیر در برابر این فشارها تمام قد ایستاد و گفت اگر می‌خواهید این عکس را بردارید، اول باید من را بردارید.

## دیپلماسی اقتدار برای ورزش ملی

# به کشتی ایران عزت داد

منصور بزرگر نه یک قهرمان یا مربی، بلکه حافظه تاریخی و شناسنامه فنی کشتی ایران است. او به صراحت کلام مشهور است و بدون تعارف سخن می‌گوید. گفت‌وگو با او معمولاً فراتر از یک مصاحبه ورزشی، کلاس درسی است که در آن تاریخ، سیاست و ورزش به هم گره می‌خورند. در این گفت‌وگو، استاد به بازخوانی رابطه طولانی و پرفرازونشیب خود با مشهورترین شاگردش، علیرضا دبیر می‌پردازد. بزرگر از روزی می‌گوید که یک نوجوان ۲۸ کیلویی پشت درهای شیشه‌ای سازمان آب ایستاده بود و هیچ‌کس جزء او گمان نمی‌کرد این پسر روزی مرد اول کشتی ایران شود.

محمد فرهنگ دوست بود که انسانی شریف بود. ما بارها با هم کشتی گرفتیم که اغلب مساوی می‌شد.

### ● پیراهن مربیگری تیم ملی را چه زمانی پوشیدید؟

من هشت دوره برای تیم ملی کشتی گرفتم و فکر می‌کنم جزو رکوردداران حضور در مسابقات ملی باشم. در المپیک مونیخ حریفان روس و ژاپنی را بردم اما با ناداوری مقابل مجارستان شکست خوردم. سال بعد در مسابقات جهانی تهران قهرمان جهان شدم. در مسابقات جهانی مینسک و المپیک مونترال مدال نقره گرفتم. در مجموع بیش از ۱۳ یا ۱۴ عنوان قهرمانی در تورنمنت‌های معتبر مثل جام مدوی، تاترا و مسابقات آلمان و رومانی دارم. تا سال ۱۳۵۶ به طور رسمی کشتی گرفتم و بعد از آن وارد دنیای مربیگری شدم. وقتی کشتی را کنار گذاشتم، آقای بلور -مدیر تیم‌های ملی- به من گفت پیراهن مربیگری به تن تو برانده است. من حتی وقتی کشتی می‌گرفتم، کاپیتان تیم بودم و بچه‌ها را کوچ می‌کردم. یکی از دلایل انتخاب من تجربه لیگ کشتی ایران بود که بهترین لیگ تاریخ بود. من هم‌زمان در وزن‌های ۸۲، ۷۴ و ۹۰ کیلو کشتی می‌گرفتم و در چیدمان تیم هم نقش داشتم. از اواخر سال ۵۶ مربیگری را شروع کردم. در مسابقات جهانی مکزیک بعد از پنج سال تیم را سوم جهان کردم و فدراسیون کشتی کلید تیم ملی را به من سپرد. در سال ۷۴ در مسابقات جهانی آتلانتا نایب‌قهرمان جهان شدم و همان‌جا فدراسیون جهانی من را به عنوان بهترین کوچ دنیا انتخاب کرد.

### ● با وجود پیشنهادهای خارجی هیچ‌وقت ایران را ترک نکردید؛ چرا؟

من جزو پنج مربی منتخب فیلا بودم و پیشنهادهای زیادی داشتم، اما همیشه ایران را انتخاب کردم. اگر بمیرم و زنده شوم دوباره همین مسیر را انتخاب می‌کنم. من با عشق به این مردم و این خاک مربیگری کردم. در جام جهانی آمریکا وقتی برای اولین بار سرود ایران در قلب آمریکا به صدا درآمد، یکی از بزرگ‌ترین افتخارات زندگی من رقم خورد. کشتی فقط یک ورزش نیست، تمام زندگی و هویت من است.

### ● اولین مواجهه شما با علیرضا دبیر کجا بود؟

علیرضا دبیر کشتی‌گیری بسیار با استعداد بود و در شهر ری تمرین می‌کرد. پدرش همکار ما در سازمان آب بود و من آن زمان رئیس تربیت بدنی سازمان بودم. یک روز پدرش او را پیش من آورد. همان‌جا دیدم فشار زیادی به این بچه وارد شده؛ وزنش حدود ۲۸ کیلو بود. به پدرش گفتم چنین فشاری برای

### ● استاد از خودتان شروع کنیم. چطور شد وارد ورزش کشتی شدید؟

دوران کودکی و نوجوانی من در محله‌های آریانا، سرسبیل و خیابان مرتضوی گذشت. آن زمان به این محدوده «۱۰۵» می‌گفتند که به توپ‌های ۱۰۵ «پادگان جی» اشاره داشت. محله ما با کشتی عجین بود. در خانه یا روی ماسه ساختمان‌های نیمه‌کاره محله با هم کشتی می‌گرفتیم. شش برادر و یک خواهر داشتم و کوچک‌ترین فرزند خانواده بودم. هفت سالم بود که پدرم را از دست دادم. مادرم با زحمت فراوان سرپرستی ما را بر عهده گرفت و تا پایان عمر از ما نگهداری کرد. برادرانم همه اهل ورزش بودند؛ یکی کشتی‌گیر بود و بقیه باستانی‌کار. دایی من هم که اهل سنگلج بود باستانی‌کار بود. برادرم قربانعلی اولین مدال رسمی خانواده را در وزن ۵۲ کیلو گرفت و من هم فنون «سنگک» و «یک‌دست» را از همان محیط خانواده یاد گرفتم. در دهه ۴۰ ورزش یعنی کشتی و باستانی؛ فوتبال فقط یک بازی بود.

### ● مسیر حرفه‌ای را از کدام باشگاه آغاز کردید و چه زمانی طعم اولین قهرمانی را چشیدید؟

از ۱۶ سالگی به باشگاه البرز در چهارراه مرتضوی رفتم. ابتدا حاج عبدالحسین فعلی و بعد منصور اینانلو مربی ما بودند. بعد برای سطح بالاتر به باشگاه ایزد فردوسی پیش منصور تبریزی رفتم. اولین قهرمانی کشور من سال ۱۳۴۸ در مشهد بود. بعد از آن در انتخابی تهران پیروز شدم و به مسابقات لهستان رفتم و اولین مدال طلای بین‌المللی را گرفتم. وقتی به محله مرتضوی برگشتم، مردم طاق نصرت بستند و جشن بزرگی گرفتند که هرگز یادم نمی‌رود. در اولین اردوی برون‌مرزی در مکزیک با عبدالله موحد کشتی گرفتم و باختیم؛ او بعدها قهرمان المپیک شد. بعد به وزن ۷۴ کیلو رفتم و رقیب من

منصور بزرگر  
بیشکوت‌کشتی





دبیر کشتی ایران

۳۹

IWF.IR IWF\_IR IAWFIR

بدنه رسمی تیم ملی نبودم، علی به صورت متناوب به باشگاه سازمان آب می‌آمد و من ایرادهای فنی و برنامه‌های او را می‌گفتم.

● **از علیرضا دبیر همیشه به عنوان یک انسان باهوش یاد کرده‌اید؛ هوشمندی او را کجا دیده‌اید؟**

همان زمان که تمرینات او را دیدم به او گفتم تو قهرمان دنیا می‌شوی. هوش او فقط مختص به تشک کشتی نبود؛ او انسانی است که در همه زمینه‌ها از رفتار و برخورد گرفته تا مدیریت، مسیر را پیدا می‌کند. در فدراسیون هم کارهایی کرده که در سابقه کشتی ایران نبوده است؛ از ساخت‌وساز سالن‌ها و فضاسازی تا تلاش برای گرفتن سند مجموعه آزادی که نشان از همان هوش مدیریتی او دارد.

از نظر فنی هم تبحر او در زیرگیری بی‌نظیر بود و به اصطلاح ماکشتی‌گیری‌ها به کسی با نمی‌داد. در فینال المپیک سیدنی مقابل حریف آمریکایی، کشتی بسیار حساس و سرنوشت‌سازی داشتیم. من با او صحبت کرده بودم که هر چه توان دارد همان تایم اول بگذارد چون می‌دانستم آخر کشتی ممکن است بدنش خالی کند. همان‌طور هم شد و علی اواخر مسابقه چند بار روی خاک نشست، اما با همان مدیریت و زیرگیری‌های به موقع، طلا را گرفت. حتی یادم هست او آهنگ وزن ۶۲ کیلو را کرده بود، اما من مانع شدم.

او مناسب نیست، چون قهرمانی معمولاً در ۲۱ یا ۲۲ سالگی اتفاق می‌افتد، نه در نوجوانی. با این حال، مسیر دبیر درست پیش رفت و در نهایت قهرمان جهان شد. وقتی این اتفاق رخ داد، پدرش با من تماس گرفت و گفت پیش بینی من درست از آب درآمده است.

● **همکاری فنی شما با علیرضا دبیر از چه مقطعی آغاز شد و تا چه زمانی ادامه داشت؟**

رابطه فنی ما بسیار ریشه دار است. دقیقاً سال آن را به خاطر ندارم اما بعد از دیدار در سازمان آب، هر دو یا سه هفته یک بار می‌آمد و من تمرینات و وضعیت او را چک می‌کردم. این همراهی و مراقبت گام به گام ادامه داشت تا اینکه او به‌طور رسمی به تیم ملی آمد. بعد از آتلانتا نام او مطرح شد و در جهانی ۱۹۹۸ تهران که تیم ملی قهرمان شد، او دیگر به عنوان یک پدیده تمام‌عیار تثبیت شده بود؛ همان مسیری که در نهایت به سال‌های اوج او در ۱۹۹۹ و کسب طلای المپیک سیدنی ۲۰۰۰ ختم شد.

من به‌طور مستمر در کنار تیم بودم، اما حضورم همیشه یکنواخت نبود. مثلاً بعد از سیدنی، آقای طالقانی که آمد، من دیگر مربی نبودم و ایشان آقای کاوه را آورد. تا اینکه سال ۲۰۰۳ دوباره آقای هاشمی طبا من را خواست و برای المپیک ۲۰۰۴ آتن به تیم برگشتم. در تمام این سال‌ها، حتی وقتی در

می دانستم در وزن بالاتر رقابای سرسختی دارد و مدال گرفتن به این راحتی نیست. گفتم مدال ۶۲ کیلو را به تونمی دهند؛ به همین خاطر با هر سختی بود وزن او را در همان ۵۸ کیلو نگه داشتیم تا قهرمان المپیک شد. این همان تفاوت نگاه و هوشی بود که او را از دیگران متمایز می کرد.

### ● دبیر روی تشک با دبیر پشت میز چه تفاوتی دارد؟

علی روی تشک گوش به فرمان بود و با هوش بالای خود فقط در جهت اهداف و مسیرش حرکت می کرد؛ مسیری که در کشتی به قله آن رسید و در مدیریت هم با همان جدیت به دنبال اهدافش است. او کار خودش را خوب بلد است و می داند چطور برای کشتی کار کند.

### ● عملکرد علیرضا دبیر را به لحاظ مدیریت فدراسیون در ابعاد فنی و توسعه ورزشی، کسب افتخارات و تربیت نسل های کشتی گیر چطور ارزیابی می کنید؟

بیش از ۶۰ سال است که با کشتی زندگی کرده ام؛ از ۱۶ سالگی وارد این رشته شده ام. کاری که دبیر برای فدراسیون کشتی انجام داده، چه در برنامه ریزی، چه در جذب امکانات، چه در حمایت از کشتی گیران و دفاع از منافع کشتی بی سابقه است. او فدراسیون کشتی را جمع کرده و به آن احترام داده است. قدیم ها فدراسیون برای گرفتن یک سالن همیشه با سازمان تربیت بدنی چالش داشت؛ یک سالن می دادند و بعد پس می گرفتند. اما دبیر سالن ها را گرفت، ساختمان فدراسیون را تأسیس کرد؛ موزه ساخت و یک مجموعه واقعاً ارزشمند درست کرد. این ها محصول قدرت دیپلماسی و ارتباطات او است که باعث شده کشتی امروز صاحب جایگاه و عزت شود. خوشبختانه اکنون ثبات مدیریتی داریم. تیم کشتی ما بسیار قدرتمند است و از نظر فنی جلوتر از بسیاری کشورهاست. این وضعیت حاصل هوش مدیران، تمرین خوب تیم و هدایت درست مربی بود. چون مربیانی که خود سابقه کشتی گیری دارند، آموزش های خود را به درستی پیاده کرده اند. اما موفقیت در کشتی تنها به مهارت فنی محدود نمی شود. مدیریت درست، دیپلماسی و تعامل مناسب با ورزشکاران و مربیان، بخش مهمی از آن است. مربی واقعی کسی است که تمام جنبه های فنی، تاکتیکی و روحی تیم را مدیریت کند.

ورزش کشتی ما چه مشکلاتی دارد؛ آیا علیرضا دبیر توانسته در رفع این مشکلات و به طور ویژه در برقراری عدالت ورزشی موفق باشد؟ متأسفانه در تمام سیستم مملکت بحث درآمدزایی اولویت شده است. در دوره های باشگاه های زیادی ساخته شد، اما بیشتر سالن ها به اجاره داده شدند و اصل کار که پرورش کشتی گیر بود، فراموش شد. وقتی نگاه مادی به کشتی وجود دارد و همه چیز به سمت درآمدزایی سوق پیدا می کند، کشتی آسیب می بیند. دبیر هم هیئت ها را عوض کرده و کسانی را سرکار آورده که بتوانند درآمدزایی کنند.

کشتی یک ورزش میدانی است؛ یعنی مربی و کشتی گیر باید در دسترس هم باشند. الان طوری شده که مربیان دنبال پول درآوردن هستند و قشر ضعیف که بدنه اصلی کشتی را تشکیل می دهد، زیر بار هزینه ها کمر خم کرده است. وقتی یک نونهال یا نوجوان برای رسیدن به سالن تمرین باید مسیر طولانی را در ترافیک طی کند و هزینه سنگین بپردازد، انگیزه خود را از دست می دهد. فدراسیون فقط می تواند اردو برگزار کند، اما ریشه کشتی در باشگاه ها و تمرینات مداوم کشتی گیرها در کنار هم است.

درباره عدالت ورزشی و وضعیت استان ها باید بگویم ما امروز قطب هایی مثل کرمانشاه، خراسان و همدان را از دست داده ایم و کشتی تقریباً در مازندران و تهران خلاصه شده است. آن هم به دلیل حضور مدیران دلسوز و نزدیکی شهرها و باشگاه ها به یکدیگر است. از آمل تا جویبار راهی نیست و

کشتی گیرها مدام باهم تمرین می کنند. اگر خراسان و کرمانشاه و همدان احیا نشوند، فشار فقط روی مازندران باقی می ماند و این برای کل کشتی ایران خطرناک است.

قدیم تهران آن قدر قدرت داشت که استان های دیگر را از آن جدا می کردند تا بقیه هم شانسی برای سکو داشته باشند، اما امروز تهران با تمام تلاشی که می کند، به زور روی سکو می رود. این افت کشتی بیش از آنکه فنی باشد، متأثر از شرایط اقتصادی و دوری فیزیکی کشتی گیرها از یکدیگر است. ترافیک، دوری مسافت و مسائل اقتصادی باعث شده کشتی گیرها از هم دور بمانند و جزیره ای عمل کنند.

کشتی ایران زمانی در اوج است که از تمام ایران، از شمال تا جنوب، آماده قهرمانی شوند. من امیدوارم این مراکز جدیدی که ساخته شده، بتواند دوباره آن شور و حال قدیمی را به محلات برگرداند تا باهم شاهد ظهور پدیده هایی باشیم که از دل همین سختی ها به طای المپیک می رسند. مدیریت فعلی پتانسیل بالایی دارد و دبیر هم نشان داده که برای رسیدن به اهدافش از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند.

با همه این کمبودها و فراز و فرودها، ورزش کشتی همیشه برای مردم ایران شادی آفرین بوده و در خاطره جمعی ما ایرانی ها ماندگار و درخشان است. کشتی مال ما ایرانی ها است. شما تاریخ و شاهنامه را بخوانید؛ داستان رستم و سهراب را ببینید. حتی وقتی ما به هندوستان رفتیم، می دیدیم که آن ها به پهلوانان بزرگشان می گفتند «رستم زمانه»؛ چون بعد از حمله اعراب بسیاری از ایرانی ها به آنجا مهاجرت کردند و این فرهنگ را با خود بردند. این ورزش رزم ملی ما است. شما به نقشه نگاه کنید؛ از آرزوم که امروز در ترکیه است تا ۱۷ شهر قفقاز، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، ازبکستان و ... همه قلمرو ایران بوده است. گستره جغرافیایی کشتی نشان می دهد ۸۰ درصد مدال های المپیک را کشتی رانان ایرانی می گیرند که زمانی جزو حوزه فرهنگی ایران بوده اند. کشتی تنها یک ورزش نیست؛ بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی است. فنون کشتی و نام هایی مثل «بغل» ریشه در تاریخ دارند و حتی سبک هایی از نبرد ایران و روم در آن بازتاب یافته است. از شاهنامه تا آیین های محلی، کشتی همیشه جایگاه ویژه ای داشته و هنوز هم در شهرهای ایران، نوعی کشتی محلی وجود دارد. ما از بچگی در خانه ها با هم کشتی می گرفتیم و در تمام عروسی های ما، پهلوان ها با هم سرشاخ می شدند. این نشان می دهد کشتی در خون ما ایرانی ها است؛ ریشه دار، تاریخی و هویتی، نه وارداتی.

### ● در پایان، چه توصیه ای به شاگرد قدیمی خود علیرضا دبیر دارید؟

اول این نکته را عرض کنم که ساخت و ساز و ایجاد امکانات بسیار خوب است و همان طور که گفتم علیرضا دبیر در این زمینه کارهای بی سابقه ای کرده؛ اما خروجی کشتی در نهایت روی تشک مشخص می شود. من همیشه گفته ام که برای نتیجه گرفتن در المپیک، حداقل چهار سال کار مداوم لازم است. در یک سال نمی شود تیم ساخت. علیرضا دبیر و کادر فعلی تجربه قهرمانی جهان را دارند و نتیجه زحمات شان باید در المپیک ۲۰۲۸ دیده شود. هرگونه تغییر پیش از المپیک، بزرگ ترین ظلم به کشتی ایران خواهد بود. امیدوارم دبیر با برنامه هایی که دارد، در المپیک موفق شود؛ آرزوی ما موفقیت کشتی است. علی مثل پسر خود من است و هنوز هم وقتی من را می بیند، دستم را می بوسد. اما توصیه من این است که کمی در تعاملاتش تجدید نظر کند. او نباید فکر کند هنوز همان بچه نهم آیان است؛ الان باید مثل بچه شمر و رفتار کند. منظورم در برخورد با شاگرد، مربی و اطرافیان است. او فرمانده است؛ باید در قامت یک دیپلمات رفتار کند و اجازه ندهد جایگاه مدیریتی او با برخورد های مستقیم آسیب ببیند. بهتر است شأن خود و آن جایگاه را حفظ کند و توصیه ها را از طریق مربی انتقال دهد.





علیرضا دبیر؛ مدیری پرتلاش و خستگی‌ناپذیر

## نویدبخش آینده‌ای روشن برای کشتی ایران

حسن رنگرز کشتی را از ده سالگی زیر نظر حمیدرضا اسماعیل نژاد و از دل مسابقات آموزشی آغاز کرده و نزدیک به ۳۵ سال است که در خانواده بزرگ کشتی نفس می‌کشد. او در مسئولیت‌های مختلفی از جمله مدیرکل ورزش و جوانان مازندران، مدیرکل دفتر توسعه استعدادیابی وزارت ورزش و عضویت در فدراسیون کشتی حضور داشته است. قهرمان فرنگی‌کار سال ۲۰۰۱ جهان، اکنون در قامت یک مربی، درباره همکاری و همراهش علیرضا دبیر سخن می‌گوید.

### ● جبرانی برای حسرت المپیک

اولین بار در رده نونهالان قهرمان شدم و عنوان فنی‌ترین کشتی‌گیر مسابقات را گرفتم. در رده‌های نوجوانان و بزرگسالان هم این مسیر ادامه داشت. نخستین حضورم در رقابت‌های جهانی به سال ۱۹۹۶ و مسابقات جهانی نوجوانان در تهران بازمی‌گردد؛ جایی که برای اولین بار پیراهن تیم ملی را پوشیدم و موفق شدم مقام سوم و مدال برنز را به دست بیاورم. همچنین افتخار حضور در دو دوره المپیک را داشتم اما توفیق کسب مدال نصیبم نشد. با این حال زمانی که به عنوان مربی در تیم ملی فعالیت کردم و شاگردانم به مدال‌های ارزشمند رسیدند، آن حسرت شخصی المپیک برای من به بهترین شکل جبران شد.

### ● تجربه ارزشمند حضور در هند و مراکش

دوره مربیگری برای من از نظر دانش، تجربه و شناخت کشتی دنیا بسیار ارزشمند بود. پیش از آن یک‌بار برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا، مدتی در هندوستان زندگی کرده بودم و بار دوم هم به عنوان مربی به آن کشور رفتم. کشتی در آنجا جایگاه محدودی داشت و ما ناچار بودیم براساس یک سیستم گلخانه‌ای کار کنیم. در مراکش هم شرایط مشابهی وجود داشت. کشتی رشته‌ای مظلوم و تا حدی مهجور بود اما با شناسایی کشتی‌گیران دو تابعیتی و بازگرداندن ورزشکارانی که ریشه مراکشی داشتند و در کشورهایمانند تونس، الجزایر، مصر، آلمان و فرانسه زندگی می‌کردند، توانستیم تیمی بسازیم که برای نخستین بار در سال ۲۰۱۵ قهرمان شود، ۸ مدال از

حسن رنگرز

پیشگام کشتی

باعث شد مهارت‌ها و شبکه مدیریتی ارزشمندی برای کشتی ایجاد و به مدیریت و توسعه ورزش کمک کند که امروز نتیجه آن قابل مشاهده است. به عنوان کارشناس ورزش معتقدم بهتر است مسیر قهرمانان ملی بعد از بازنشستگی، با کمترین دخالت سیاسی و حاشیه، در خدمت توسعه ورزش کشور باشد. دبیر هزینه کم‌کاری‌ها، بازی‌های سیاسی و فساد برخی مدیران را می‌دهد اما به ورزش کشتی و کشورش خدمت می‌کند، حتی به بهایی‌گراف و با هزینه‌های شخصی در عرصه‌های سیاسی.

#### ● الگویی برای نسل بعدی

یک کشتی‌گیر موفق، حاصل تلاش یک تیم بزرگ است. ما در ویتترین قرار داریم و باسختی نتایج هستیم اما موفقیت‌ها محصول ۸ الی ۱۰ سال تلاش مجموعه‌ای از مربیان و همکاران است. دبیر مدیری است که به سختی اعتماد می‌کند اما وقتی اعتماد شکل بگیرد، همکاری با او آسان و مؤثر خواهد بود. او همه جوایز فدراسیون را میان کارکنان توزیع می‌کند، حتی سفرهایش را با هزینه شخصی تأمین می‌کند اما با حضور دائم و مشارکت در همه بخش‌ها، میراثی بزرگ برای کشتی ایران ایجاد کرده است. حفظ و توسعه این میراث، کاری بسیار دشوار است و مدیر بعد از دبیر چالش بزرگی در پیش خواهد داشت. او به وضوح قوی‌ترین مدیر کشور در فضای ورزش است و تجربیاتش قابل استناد و الگویی برای نسل‌های بعدی است.

#### ● برادرانه حمایت می‌کند

علیرضا دبیر هیچ برنامه بدون فکر و استراتژی ندارد. بارها به من گفته است که باید برای آینده مدیران فنی و سرمربیان رده‌های سنی برنامه‌ریزی کنیم تا نسل بعدی بتواند مسئولیت‌های مدیریتی مانند ریاست فدراسیون یا مدیریت کل ورزش جوانان را برعهده بگیرد. در شش سال گذشته، حتی اگر فقط چند دقیقه در جلسات ترمینی حضور داشته اما تحلیل‌ها و تصمیمات او همیشه دقیق و درست بوده است. دبیر با سایر اعضای فدراسیون متفاوت است؛ او برای مسائل فنی و مدیریتی برنامه دارد و این ویژگی او را به مدیریت متمایز و الگویی برای آینده ورزش کشور تبدیل کرده است. یکی از مزیت‌های علیرضا دبیر این است که او به سرمربیان و کادر فنی فرصت می‌دهد تا از تجربه و دانش دیگران بهره‌مند شوند. بدون حمایت مدیر و رئیس فدراسیون، هیچ مربی نمی‌تواند موفق شود. حمایت‌های او تنها لجستیکی و مالی نبوده بلکه بسیاری مواقع حمایت‌هایش برادرانه و معنوی است. دبیر از عوامل اصلی موفقیت‌های کشتی‌فرنگی بوده است.

#### ● نویدبخش آینده‌ای روشن

علیرضا دبیر در مسیر خود، تلاش‌های زیادی برای کشتی انجام داده است. او بسیار پرتوان و پرتلاش است. هرگز از شکست و ناکامی نمی‌ترسد و همیشه با همان روحیه و انگیزه ادامه می‌دهد. نگاه به اطراف نشان می‌دهد که او توانسته در جایگاهی که بسیاری از فدراسیون‌ها تنها درگیر روزمرگی شده‌اند، ساختار و تحول ایجاد کند. او بدون هیچ چشم‌داشت مالی، وقت و انرژی خود را صرف کرده و هیچگاه برای پول یا جایگاه کوتاه نیامده است. با تلاش شخصی و برنامه‌ریزی دقیق، زیرساخت‌ها و تجهیزات لازم برای موفقیت تیم‌ها را فراهم کرده و استانداردهای حرفه‌ای را در فدراسیون کشتی پیاده کرده است. این حجم از برنامه‌ریزی و اهتمام در تاریخ ورزش کشور بی‌سابقه است و نویدبخش آینده‌ای روشن برای کشتی ایران است. یک قهرمان ملی با پنج مدال المپیک می‌توانست به راحتی کنار بکشد و به دنبال راحتی و آسایش خودش باشد اما او برای کشورش ایستاد و خدمت کرد.

۱۰ وزن بگیرد و سهمیه ورودی المپیک را کسب کند؛ اتفاقی که پس از آن دیگر تکرار نشد. برای آماده‌سازی، بسیاری از این کشتی‌گیران را به ایران آوردیم و اردوهای طولانی مدت برگزار کردیم. نتیجه این کار، رشد قابل توجه آن‌ها بود و هنوز هم ارتباط و دوستی ما با آن بچه‌ها برقرار است. قرارداد من تا پایان المپیک ریو بود و بعد از آن، شرایط به شکلی پیش رفت که ادامه همکاری چندان میسر نشد و به ایران بازگشتم. من تا مقطع دکترای رشته برنامه‌ریزی ورزشی تحصیل کرده‌ام و همیشه علاقه داشتم به عنوان یک کارشناس در ورزش بمانم. تلاش کردم وارد فضای سیاست نشوم و به عنوان خادم ورزش فعالیت کنم.

#### ● وطن دوست و شایسته احترام

علیرضا دبیر با تمام توان و پشتکار، حتی یک روز تعطیل هم از خدمت به مردم و ورزش کشور غافل نبوده است. در سه سال گذشته، هیچ‌روزی ندیدم که حضورش در فدراسیون یا مجموعه ورزشی کم‌رنگ شود. از چهار صبح تا شب، همه توان او وقف کشتی و توسعه ورزش است. اعتبار فدراسیون را از ۱۴ میلیارد تومان به هزار میلیارد رساند، زیرساخت‌های ورزش کشور را توسعه داد و تیم‌ها را قهرمان کرد. برای اولین بار بعد از سال‌ها، سالن شهدای هفتم تیر را به طور کامل بازسازی و تجهیز کرد و این کار با دقت و مسئولیت‌پذیری و مدیریت بودجه انجام شد و زیرساخت‌های گسترده‌ای با تجهیزات مدرن در اختیار ورزش کشور قرار گرفت. این عملکرد نه تنها قابل مقایسه با گذشته نیست، بلکه الگوی شفافیت و کارآمدی در مدیریت ورزش کشور محسوب می‌شود. این نشان از وطن دوستی، تعهد و عشق واقعی او به مردم ایران دارد. هیچ مدیری بی‌عیب نیست و دبیر هم ممکن است اشتباه داشته باشد؛ اما او با این حجم کار خالص و وقف واقعی خود برای مردم، شایسته احترام است.

#### ● اعتقاد و باور دینی‌اش واقعی است

دبیر آدم صادق و روراستی است. درست است که گاهی تند برخورد می‌کند اما شفاف صحبت می‌کند و همیشه رودررو با دیگران تعامل می‌کند. هیچگاه در خفا دشمنی نمی‌کند. کسانی که با او زندگی می‌کنند، به خوبی می‌دانند که اعتقاد و باور دینی‌اش واقعی است. او به خانواده و باورهای مذهبی‌اش همواره پایبند بوده و این باورها با گذر زمان و مسئولیت‌های بیشترش قوی‌تر شده است. در محیط فدراسیون، هرگز از ورزشکاران انتظار اجبار مذهبی نداشته است و همیشه آزادی عمل و احترام به باورهای فردی را حفظ کرده است. عملکرد مدیریتی دبیر به طور کامل با باورهای مذهبی‌اش هماهنگ است. البته ممکن است گاهی باعث برداشت‌های نادرست شود اما بدون شک خدماتش در ورزش و کشتی کشور ماندگار است و آیندگان قضاوت خواهند کرد. من در طول مسیرم بسیار خوش شانس بودم که مربیان و عزیزانی داشتم که بیش از توجه به مدال، روی اخلاق و ارزش‌های انسانی تأکید می‌کردند. همین آموزه‌ها امروز محور آموزش من به کشتی‌گیران و شاگردانم است؛ اخلاق مهم‌تر از نتیجه است.

#### ● سیاست در خدمت حل مسئله نه باندبازی

هرچند در سال‌های گذشته برخی از قهرمانان ملی به فضای سیاسی کشیده شدند و حضورشان در پست‌های سیاسی همیشه با هزینه و آسیب همراه بوده است؛ اما تجربه مدیریتی علیرضا دبیر در شورای شهر تهران، کارکردن در کنار مدیران با سابقه و مواجهه با چالش‌های سیاسی،

# تجربه و مهارت؛ حاصل دوربرگردان شورای شهر به فدراسیون

۱۳۴۶ وقتی تنها ۱۵ سال داشت، یا به عرصه کشتی گذاشت. حاصل تلاش او تا سال ۱۳۶۰، ۸ مدال طلا شد. ۲۶ سالگی اش همزمان شده بود با انقلاب اسلامی. یازدهمین رئیس فدراسیون کشتی و محروم شدن از مسابقات ورزشی، او را راهی فرانسه کرد. چند هفته در کنار امام خمینی (ره) بود و سپس با فرار شاه، به ایران بازگشت تا مقدمات رسیدن امام خمینی (ره) را فراهم کند. طالقانی سابقه حضور در جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس را در کارنامه خود دارد. سال ۱۳۸۱ رئیس فدراسیون کشتی ایران و بعد از آن، نایب رئیس کنفدراسیون آسیا شد. آنچه می‌خوانید، گزیده‌ای از مصاحبه با محمدرضا طالقانی است که امتداد روحیه حمایتگری اش از ورزش را در علیرضا دبیر دیده است.

● **اونشان داد که می‌تواند**  
خانواده پرجمعیتی بودیم؛ شش برادر و شش خواهر. پدرم رفت مکه و شریکش پولش را خورد و ورشکست شد. من دیگر درس نخواندم و وارد بازار شدم. پدرم فرش فروشی داشت و من هم شاگردی فرش فروشی را برای کار انتخاب کردم. دو سال آنجا بودم تا روزی که پهلوان کشتی‌گیر به نام ابوطالب طالبی از کنارم رد شد. احوالپرسی کردیم و پرسید می‌خواهی کشتی‌گیر شوی؟ گفتم بله و آدرس باشگاه سعدیان را گرفتم. چند ساعتی نگذشت که دوچرخه شاگرد فرش فروشی مغازه کناری را برداشتم و کرکره مغازه را دادم پایین. با دوچرخه رفتم سراغ خرید لباس و کیف ورزشی و اسم نوشتن توی باشگاه کشتی. خیلی وقت بود که در محله والیبال و فوتسال بازی می‌کردم، اما فهمیده بودم این رشته‌ها مناسب من نیست.

● **موفقیت یعنی الگوسازی برای نسل‌های بعد؛ نه تعداد مدال**  
بعد از مسابقات، علیرضا دبیر تحصیلاتش را تا مقطع دکتری ادامه داد. اکنون در فدراسیون کشتی با تجربیات غنی و گسترده خود، در مدیریت و اجرای پروژه‌های ورزشی نقش اصلی را ایفا می‌کند. این تجربیات و موفقیت‌های او نشان می‌دهد که مدیریت واقعی، نه تنها در کسب

## محمدرضا طالقانی

پیشگام کشتی

آشنایی ام با علیرضا دبیر برمی‌گشت به قبل از اینکه قهرمان جهان شود. در یکی از مسابقات جهانی گفتم: «هر کسی که در مسابقات جهانی جوانان اول شود، من یک ماشین به او می‌دهم.» این قول نه تنها یک حمایت مالی، بلکه نمادی از ایمان و پشتیبانی از استعدادها

وقتی فردی به چیزی اعتقاد راسخ داشته باشد و برای آن تلاش کند، همه چیز ممکن می‌شود. این همان چیزی است که ورزشکاران ما انجام دادند و به موفقیت رسیدند.

دبیر در فدراسیون، به زیرساخت‌ها و مسابقات تمرکز دارد. و بودجه‌ها و اسپانسرهایی که جذب می‌کند، بسیار برای عرصه ورزش مهم و ارزشمند است. این توانایی جذب منابع، نشان‌دهنده مهارت او است. زمینه تجربه و مهارت دبیر برمی‌گردد به وقتی که ریاست فدراسیون ثبت نام کرد اما رد صلاحیت کردند و بعد از آن در شورای شهر ثبت نام کرد. اگر مسیرش به آن سمت نرفته بود و تجربه اجرایی در مدیریت شورای شهر نداشت، امروز نمی‌توانست مدیر موفق باشد. او در شورای شهر، تجربیات سیاسی، مالی و مدیریتی را کسب کرد و این تجربیات تأثیر بسزایی داشت.

من نیز ممکن است از دبیر ایراد بگیرم یا با فعالیت سیاسی او موافق نباشم، اما این عقاید اوست. من تهمت و افتراهای زیادی شنیدم. اما هر کسی که کار می‌کند، باید وارد آب بشود و خیس شود. در مدیریت، باید حرف همه را بشنویم، طاقت داشته باشیم و تحمل کنیم.

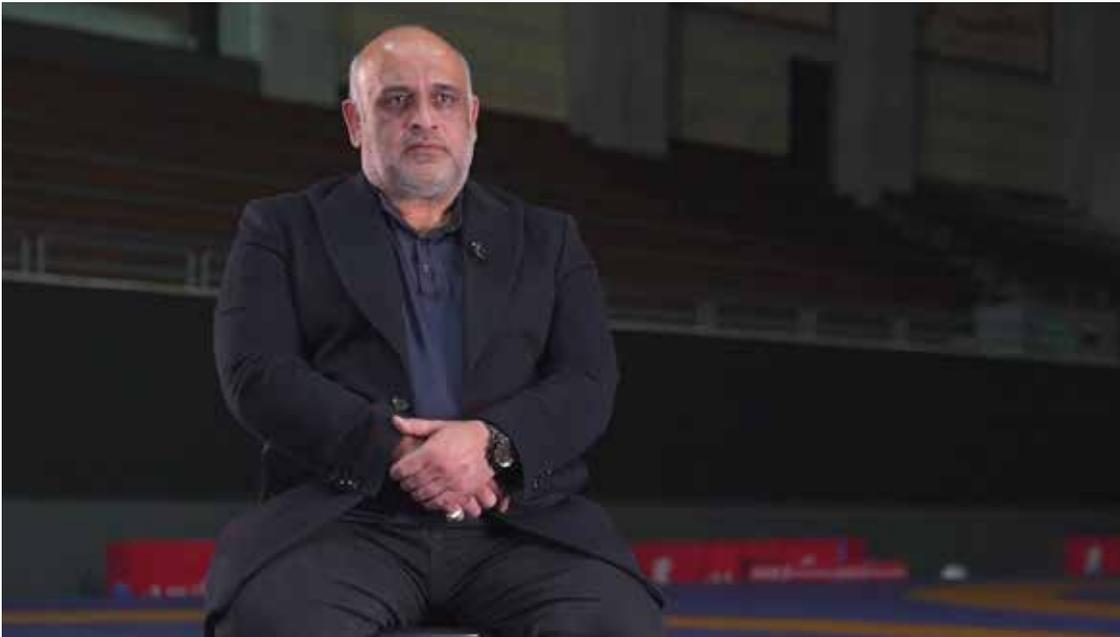
مدال‌ها، بلکه در ایجاد الگو برای نسل‌های بعدی است. موفقیت تنها با یک یا دو عمل امکان‌پذیر نیست. علیرضا دبیر با ترکیب علاقه عمیق به کشتی، تجربیات فراوان، مدال‌های متعدد و مهارت‌های اجرایی، تبدیل شد به بهترین و موفق‌ترین کشتی‌گیر جهان و در ادامه، تیم بزرگسالانش را به قهرمان جهان رساند. اگر این موفقیت‌ها ادامه باید و پشتوانه آن حفظ شود، می‌توان هر سال قهرمان جهان بود. در غیر این صورت، این دستاورد ممکن است از دست برود.

#### ● جاه‌طلبی برای وطن

علیرضا دبیر فردی جاه‌طلب و بلندپرواز است. این ویژگی‌ها در انسان‌ها ذاتی هستند، اما زمانی ارزشمند می‌شوند که برای اعتقادات، آرمان‌ها و کشور به کار گرفته شوند. جاه‌طلبی و بلندپروازی مثبت‌اند، به شرطی که هدف والا باشد. ایمان و انگیزه می‌تواند به دستاوردهای بزرگی منجر شود؛ مثل آرش کمانگیر و نادرشاه. در مدیریت فدراسیون کشتی، این تعهد و جاه‌طلبی مقدس، تأثیر بسزایی داشته است.

# سرسخت و خستگی ناپذیر

روایتی از تلاش‌های شبانه‌روزی علیرضا دبیر برای اعتلای کشتی ایران



گفت‌وگویی خواندنی از قاسم علی‌عسگری، رئیس هیئت کشتی استان تهران

فتح سپری شد؛ جایی که در کنار مرد بزرگی همچون حاج اصغر قیطاسی بودم. ایشان با خدمات فراوان به کشتی، پایگاهی آماده کرده بود که تمام قهرمانان بزرگ برای سربازی و تمرین به آنجا می‌آمدند و همان‌جا برای خیلی‌ها پله ترقی به سمت قهرمانی شد. من در باشگاه فتح سرباز بودم و تیم‌داری می‌کردم. پس از آن هم در باشگاه‌های ایزد فردوسی، فتح، فجر، پاس و مجموعه شهدای غواص به عنوان مربی در مسابقات لیگ برتر و رقابت‌های استانی حضور داشتم. اما نقطه عطف مسیر مدیریتی من زمانی رقم خورد که علیرضا دبیر به عنوان رئیس فدراسیون معرفی شد. از بدو ورود ایشان، به عنوان مسئول دفتر و مشاور کنارشان بودم و حدود ۵ سال از نزدیک باهم کار کردیم. در نهایت سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفته شد تا به عنوان رئیس هیئت کشتی استان تهران منصوب شوم و اکنون سه سال است که فعالیت‌های مدیریتی پایتخت را برعهده دارم.

## ● روزی قهرمان المپیک می‌شود

من زمان نونهالی علیرضا دبیر با او آشنا نبودم، اما بعدها فیلمی از گزارش اسرافیل دودانگه، مربی سازنده و بزرگ تهران دیدم. در آن فیلم علیرضا دبیر فنون بسیار زیبایی روی حریف اجرا می‌کرد و همان‌جا آقای دودانگه گفت نام این جوان را به یاد داشته باشید که او قهرمان المپیک می‌شود.

## ● کشتی در روزگاری امکاناتی

وقتی به حافظه تاریخی خود رجوع می‌کنم، تفاوت اتمسفر سال ۶۳ با امروز خیره‌کننده است. ما از روزگاری می‌آییم که امکانات و زیرساخت‌ها شباهتی به اکنون نداشت. آن زمان تشک‌ها برزنتی و معمولی بود اما در دل همان سادگی، باشگاه‌های فعال بسیاری وجود داشت که در هر وزن آن، چندین مدعی تراز اول می‌جنگیدند. استان تهران در آن دهه، به تنهایی یک قهرمان‌کشی تمام‌عیار بود؛ به طوری که اگر کسی در تهران اول می‌شد، قطعی بود که در مسابقات کشوری هم روی سکوی نخست می‌ایستد. در آن سال‌ها، مربی باشگاه حکم همه‌کاره را داشت؛ او هم‌زمان مربی فن، روانشناس و متخصص تغذیه بود، چرا که هنوز علم ورزش به اندازه امروز پیشرفت نکرده بود. اکنون اما در تمام حوزه‌ها، از زیرساخت و مربیگری گرفته تا دانش بدنسازی و تغذیه، یک انقلاب واقعی رخ داده است. حتی ابزارهایی مثل گولگ و فضای مجازی هم مسیر رسیدن به هدف را برای کشتی‌گیر امروز راحت‌تر کرده‌اند.

## ● یار و همراه علیرضادبیر

از سال ۶۳ که نوجوانی ۱۵ ساله بودم پا به دنیای کشتی گذاشتم. روزگاری که در باشگاه ایزد فردوسی و زیر نظر استاد ارسلان پیروز تمرین می‌کردم، قهرمان جوانان فرنگی تهران شدم. دوران خدمت مقدس سربازی من در باشگاه

قاسم علی‌عسگری  
پیشکسوت کشتی



قهرمان بزرگ به نام علیرضا دبیر به دنیا معرفی شود.

#### ● یک اتفاق تلخ

متأسفانه آسیب‌دیدگی کتف در مسابقات آسیایی، دوران قهرمانی او را تحت‌تأثیر قرار داد. اگر امکانات پزشکی و تجربه جراحانی که امروز می‌بینیم در آن زمان وجود داشت و کتف او درست معالجه می‌شد، شک نکنید مدال‌های بسیار بیشتری کسب می‌کرد. آسیب‌دیدگی بخشی از کشتی است و متأسفانه علیرضا دبیر هم مانند بسیاری از قهرمانان بزرگ، به دلیل همین موضوع نتوانست دوران قهرمانی خود را آن‌طور که شایسته بود، ادامه دهد.

#### ● ورود به عرصه سیاست

اینکه ورود او به دنیای سیاست و مدیریت اتفاق مثنی بود یا مربیگری برای او بهتر بود، موضوعی است که می‌توان از زوایای مختلف به آن نگریست. بیشتر ورزشکاران و به‌ویژه کشتی‌گیران، انسان‌های بسیار باهوش و متفکری هستند که می‌توانند در تمام حوزه‌ها ورود پیدا کنند. علیرضا دبیر در این میان یک استثنا بود. در زمان حضور ایشان در شورای شهر، شاهد بودیم که چقدر تلاش کرد و چه اتفاقات خوبی برای شهر تهران رقم زد. آن زمان بحث می‌شد که آیا یک ورزشکار می‌تواند

که او قهرمان المپیک می‌شود. این نشان‌دهنده نگاه دقیق مربیان ما بود که قابلیت قهرمانی المپیک را در یک نوجوان تشخیص می‌دادند.

#### ● زیرگیری؛ امضای شخصی دبیر روی تشک

بعدها در سالن هفت تیر شاهد کشتی‌های درخشان دبیر در تیم راه‌آهن بودم. او در سن کم، در سالن دوازده‌هزار نفری آزادی با قهرمانان بزرگ سرشاخ شد و خودش را به کشتی ایران و کادر فنی اثبات کرد. دبیر با سن کم، بزرگانی را که قهرمان دنیا بودند شکست داد و عضو تیم ملی شد. سبک زیرگیری او منحصر به فرد بود؛ او برای خودش سبکی به وجود آورد که هنوز فکر نمی‌کنم کسی بتواند مثل او زیر بگیرد. این شیوه خاص، امضای شخصی او روی تشک بود که در فیلم‌های مسابقاتش به وضوح دیده می‌شود. هرچند قهرمانان زیادی فنون مختلف اجرا می‌کنند اما آن مدل زیرگیری فقط مختص خود او بود.

یک قهرمان چطور به چنین بلوغی می‌رسد؟ مربی پایه، اولین کسی است که راه‌ورسم‌گاردگرفتن و ایستادن را یاد می‌دهد. دبیر هم از این قاعده مستثنی نبود. او در سطوح مختلف زیر نظر اساتید بزرگی رشد کرد. در باشگاه سازمان آب، کنار منصور بزرگر تمرین می‌کرد و خودش هم در مصاحبه‌هایش از مربیان مختلفی نام برده است. همه این عزیزان دست به دست هم دادند و مربیگری کردند تا یک

”

**سبک زیرگیری او منحصر به فرد بود؛ او برای خودش سبکی به وجود آورد که هنوز فکر نمی‌کنم کسی بتواند مثل او زیر بگیرد. این شیوه خاص، امضای شخصی او روی تشک بود که در فیلم‌های مسابقاتش به وضوح دیده می‌شود.**



کشتی تهران شروع کردم. امروز با پشتیبانی ایشان، هفت پایگاه قهرمانی توسط فدراسیون احداث شده و مشکل سالن برای مسابقات استان تهران به کلی حل شده است. پیش از این، برای پیدا کردن یک سالن جهت برگزاری مسابقات معطل می‌ماندیم، اما اکنون سالن‌های طالقانی، دستجردی و شهدای هفت تیر در اختیار ما است. در گذشته برای تجهیز صوت، نور و استیج در جایی مثل ورزشگاه آزادی باید یک هفته زمان می‌گذاشتیم اما الان در هفت تیر فقط با زدن چند کلید، سالن آماده برگزاری لیگ به آن عظمت است. سالن هفت تیر افتخار ورزش کشتی ما است؛ مجموعه‌ای که در کنار سالن مسابقه، ۴۴۰ تخت برای اسکان قهرمانان، رستوران، سونا و سالن تمرین دارد. این‌ها حاصل تلاش و نگاه ویژه دکتر دبیر به ورزش کشتی پایتخت است. علاوه بر این، سالن طالقانی را با سه تشک استاندارد در اختیار داریم که بیشتر مسابقات استانی ما آنجا برگزار می‌شود. ثمره این تحولات و زحمات مربیان سازنده این بود که توانستیم در رده نونهالان و نوجوانان قهرمان کشور شویم. در رده امید سه نماینده و در بزرگسالان دو نماینده داشتیم.

#### ● کشتی را به حرکت درآورد

مباحثی نقل می‌شود که این امکانات به جهت مسائل سیاسی در اختیار علیرضا دبیر قرار گرفته است، اما باید بگویم فراتر از این بحث‌ها، مهم نتیجه و خروجی کار است. ایشان توانست امکاناتی فراهم کند که دیگران نتوانستند. ما باید روی مسائل فنی، شخصیتی و فرهنگی تمرکز کنیم. مدیریت ایشان کشتی تهران را که سال‌ها در رکود بود، دوباره به حرکت درآورد و این واقعیتی است که در آمار و زیرساخت‌ها به وضوح دیده می‌شود. وقتی با یک قهرمان المپیک به عنوان رئیس فدراسیون روبه‌رو هستیم، بحث فنی دیگر جای نقد ندارد. کسی که به قله المپیک رسیده، تمام پیچ‌وخم این مسیر را طی کرده و با

در مدیریت شهری ورود کند یا خیر. اما دبیر ثابت کرد که کشتی یعنی فکر، برنامه‌ریزی و سیاست و می‌توان همان را در حوزه‌های دیگر هم پیاده کرد. وقتی اعضای شورای شهر به او اعتماد می‌کنند و پست کلیدی برنامه و بودجه را به او می‌سپارند، یعنی توانمندی او را ملاحظه کرده‌اند. اثر فعالیت‌های او، از سالن‌های ورزشی تا باشگاه‌های مختلف، هنوز در سطح استان تهران دیده می‌شود.

#### ● قول داد، عمل کرد

من پیش از ریاست دبیر هم در فدراسیون بودم اما دو ماه بعد از آمدن ایشان، افتخار همکاری نزدیک پیدا کردم. زمانی که ایشان در سال ۹۸ سکان فدراسیون را به دست گرفت، وضعیت زیرساخت‌ها و اردوها واقعا مطلوب نبود. من با مدیران زیادی کار کرده‌ام، اما هیچ تصمیمی در ذهن علیرضا دبیر روی کاغذ نمی‌ماند و با سرعت و باسرع هرچه تمام‌تر تصمیمات را اجرایی می‌کند. روزهای اول حضورش در فدراسیون، در جریان مسابقات لیگ در بجنورد، پای حسن یزدانی آسیب دید. بلافاصله برای او بلیط هواپیما گرفتند و او را به تهران آوردند. من برای اولین بار بود که وارد خانه کشتی شهید صدرزاده می‌شدم. وقتی به اتاقی که حسن یزدانی در آن دراز کشیده بود رفتم، به دلیل شرایط نامناسب اتاق بسیار ناراحت شدم. علیرضا دبیر وقتی وضعیت اردو را دید، از بچه‌ها عذرخواهی کرد و قول داد که شرایط را تغییر دهد. امروز آن قول عملی شده و ما بهترین کمپ کشتی دنیا را در تهران داریم. کشورهای بزرگ صاحب کشتی دنیا تقاضای اردوی مشترک در کمپ ما را دارند. با وجود این شرایط اقتصادی سخت که حتی اعزام به مسابقات هم دشوار است، دبیر دغدغه اسکان و غذا را برای کشتی‌گیر حذف کرده است. امروز یک ورزشکار فقط به فکر تمرین و قهرمانی است و این بزرگ‌ترین خدمتی است که یک مدیر ورزشی می‌تواند انجام دهد.

#### ● دیگر معطل نیستیم!

من از بهمن ماه ۱۴۰۱ به دستور دبیر فعالیت خود را در هیئت

”

**علیرضا دبیر وقتی وضعیت اردو را دید، از بچه‌ها عذرخواهی کرد و قول داد که شرایط را تغییر دهد. امروز آن قول عملی شده و ما بهترین کمپ کشتی دنیا را در تهران داریم. کشورهای بزرگ صاحب کشتی دنیا تقاضای اردوی مشترک در کمپ ما را دارند.**



است که تنها هدفشان بالابردن پرچم ایران است.

#### ● همه ما یک خانواده هستیم

درباره این دوقطبی که میان علیرضا دبیر و رسول خادم می‌سازند، معتقدم این‌ها همگی برای ایجاد نفاق در خانواده کشتی است. هر دو از بزرگان و قهرمانان این کشور هستند. روزی خادم زحمت کشید، امروز دبیر تلاش می‌کند و فردا هم قهرمان دیگری می‌آید. مهم این است که مدیر از جنس کشتی و خاک خورده این ورزش باشد و دلش برای موفقیت آن بسوزد. همه ما یک خانواده هستیم و نباید اجازه دهیم کسانی که دوستدار همدلی در کشتی نیستند، بین قهرمانان ما فاصله بیندازند چراکه هدف نهایی همه ما سربلندی کشتی است.

#### ● نوید روزهای خوب در المپیک ۲۰۲۸

اگر روزی علیرضا دبیر از فدراسیون برود، جانشین او با چالش بزرگی روبه‌رو خواهد شد. او سطح توقعات را به قدری مرتفع کرده است که اداره این تشکیلات کار هر کسی نیست. دبیر هر جا ورود کند موفق است؛ او تا چیزی را کامل یاد نگیرد، رهاش نمی‌کند. هرچند من کارشناس فنی نیستم، اما نوید روزهای درخشانی را برای المپیک ۲۰۲۸ می‌دهم. هیچ هدفی بدون برنامه‌ریزی به دست نمی‌آید و اکنون تمام مجموعه کشتی شبانه‌روز مشغول فعالیت هستند. حتی در روزهای سخت جنگ دوازده‌روزه که قطعات موشک سقف سالن فدراسیون را شکافت، دبیر اجازه نداد اردوها لغو شوند. آن تهدیدها با مدیریت او و همدلی کادر فنی به یک فرصت تبدیل شد. بچه‌ها در آن شرایط سخت، غریبانه و دور از خانواده، همدل‌تر شدند تا برای پرچم‌شان بجنگند. احترام به پرچم و خواندن سرود ملی که امروز از سوی بچه‌ها می‌بینیم، ریشه در همان روزهای سخت دارد. جنگ برای کشتی ما به یک فرصت بدل شد تا ثابت کنند چقدر عاشق این خاک و این پرچم هستند.

تمام وجود می‌داند یک کشتی‌گیر در اردو به چه امکاناتی نیاز دارد. او طعم آسیب دیدگی و کمبودها را چشیده و حالا تمام وقت خود را می‌گذارد تا همان زیرساخت‌هایی که خودش روزی آرزو داشت، برای نسل امروز فراهم شود.

#### ● دغدغه معیشت بچه‌ها را داشت

من به عنوان رئیس هیئت کشتی تهران معتقدم مدیر نباید منتظر بماند تا اداره کل یا فدراسیون به او بودجه بدهند. مدیر باید خودش را برای کشتی خرج کند؛ باید سراغ شهردار و نهادهای مختلف و اسپانسرهای خصوصی برود و آن‌ها را برای حمایت از کشتی ترغیب کند. فارغ از بحث ساختمان‌سازی، علیرضا دبیر دغدغه معیشت و آینده بچه‌ها را هم حل کرده است. امروز قهرمانان ما دیگر مثل گذشته دغدغه فلیج‌کننده پول و شغل ندارند. این وظیفه اصلی مدیر بود که خوشبختانه انجام شد و حالا می‌بینیم قهرمانان بزرگ ما، از حسن یزدانی تا دلوران فرنگی‌کار خوزستان، در سازمان‌های مختلف مثل بانک ملی یا شهرداری استخدام شده‌اند. پس نمی‌توان گفت فقط در پی ساخت وساز بوده؛ او هم‌زمان روی معیشت و روحیه ورزشکار هم کار کرده تا کشتی‌گیر تنها به فکر تمرین نباشد.

#### ● سرسخت و خستگی‌ناپذیر

شخصیت خستگی‌ناپذیر و سرسخت دبیر، ریشه در همان نوجوانی او دارد. خاطره‌ای از پهلوان محمودی شنیدم که می‌گفت در سفر دمشق، سحرگاه، علیرضا دبیر نوجوان را در راهرو دیدند که بیدار نشسته بود تا همراه بزرگ‌ترها به زیارت برود. این ریشه‌های اعتقادی و همت بلند از همان زمان همراه او بوده است. اعتقاد هر کس به خودش ارتباط دارد و قضاوت دیگران اهمیتی ندارد. اگر این نیت خالص و تلاش شبانه‌روزی نبود، این افتخارات بزرگ در تمام رده‌های سنی برای کشتی ما رقم نمی‌خورد. امروز کشتی نگاه مردم را به ورزش عوض کرده است؛ در هر خانه‌ای که بروید، مردم قهرمانان ما را با نام و فنون تخصصی‌شان می‌شناسند. این نتیجه همدلی کادری

”  
حتی در روزهای سخت جنگ دوازده‌روزه که قطعات موشک سقف سالن فدراسیون را شکافت، دبیر اجازه نداد اردوها لغو شوند. آن تهدیدها با مدیریت او و همدلی کادر فنی به یک فرصت تبدیل شد. بچه‌ها در آن شرایط سخت، غریبانه و دور از خانواده، همدل‌تر شدند تا برای پرچم‌شان بجنگند. احترام به پرچم و خواندن سرود ملی که امروز از سوی بچه‌ها می‌بینیم، ریشه در همان روزهای سخت دارد.

ویژه نامه باسنادت  
**علیرضا دپیر**  
در شانزدهمین  
جشنواره مردمی فیلم عمار

۴۰



# دبیر کشتی ایران

دبیر کشتی ایران

۴۱

گفتاری از علیرضا رضایی، نایب قهرمان المپیک و دارنده مدال برنز جهان در کشتی آزاد

علیرضا رضایی

بیشکسوتکش

و از نظر فدراسیون و سرمربی، پشتیبانی اش دشوار بود. اما علیرضا خودش از اول گفته بود که می خواهد مدال المپیک را بگیرد. این حرف نه فقط یک نظر احساسی بلکه از درون او بیرون آمد و با قدرت اراده و تعهد، موفق شد به اهداف خود برسد.

## تجربه و تحول: آغاز پیشرفت

به عنوان کسی که سال ها کنار علیرضا دبیر بودم می توانم بگویم دوستی ما همانند خانواده پر از مهر، آشتی، دعوا و صلح بود. این ارتباط نه تنها در اردوها بلکه در زندگی واقعی نیز ادامه داشت. از ابتدا، علیرضا در اردوهای سنگین کشتی که همه از فشار تمرین می گریختند؛ سختکوش و با اخلاق بود. نماز اول وقتش ترک نمی شد و روزی یک ساعت در اتاقش با صدای بلند قرآن می خواند. اگرچه ممکن است ظاهراً، تغییر کرده باشد اما از نظر اخلاقی و شخصیتی، تغییری نکرده است و هم چنان همان علیرضا دبیر است؛ صادق، مخلص، با احساس و اراده و پر از شیطنت، اما همیشه در چارچوب ایمان و اخلاق. همچنین معتقدم انسان ها تغییر نمی کنند، بلکه رشد می کنند.

علیرضا دبیر، به عنوان رئیس فدراسیون کشتی ایران، تلاش های فراوانی برای توسعه زیرساخت ها انجام داد. او با جذب امکانات زیادی از جمله سالن های ۵ ستاره، بخش های فیزیوتراپی، آب درمانی و اردوگاه های مدرن، به پیشرفت کشتی کمک کرد. این امکانات، نه صرفاً نمایشی، بلکه ضرورتی برای رشد ورزش هستند. دبیر، با توانایی مدیریتی و ارتباطاتی که دارد، توانست این امکانات را به واقعیت تبدیل کند. دبیر نه تنها مدیر است، بلکه دارای تجربه و دانش فنی است. این ویژگی، او را از مدیران دیگر متمایز می کند و به او اعتبار می بخشد.

بی نوشت:

۱. امامعلی حبیبی گودرزی معروف به «ببر مازندران» قهرمان و بیشکسوت کشتی ایران است. وی متولد ۱۳۱۰ در یکی از روستاهای شهر بابل بود. بازی های المپیک ۱۹۵۶ میلادی او درخشش ببر مازندران بود که اولین مدال طلای این رویداد بزرگ را در وزن ۶۷ کیلوگرم برای ایران بدست آورد. وی ۲ شهریور ۱۴۴۴ در سن ۹۴ سالگی درگذشت.

۲. عبدالله موحد اردبیلی در ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۱۹ در شهرستان بابلسر بدنیا آمد. مجموعه مدال های طلای این نابغه بزرگ کشتی ایران طی سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ میلادی با کسب ۸ طلا در رقابت های المپیک، جهانی و بازی های آسیایی منحصر به فرد شد.

۳. محمد طلایی متولد ۱۷ اسفند ۱۳۵۱ و کشتی گیر سابق و مربی کشتی ایرانی است. طلایی در مسابقات مختلف به مدال های طلا، نقره و برنز دست یافته است. همچنین بهمن ماه سال ۷۷ در نبرد او با علیرضا دبیر در مسابقات انتخابی تیم ملی کشتی آزاد، دو بنده تیم ملی به علیرضا دبیر رسید.

۴. منصور بزرگ متولد ۹ اسفند ۱۳۲۵ در تهران و کشتی گیر بازنشسته، مربی کشتی و مدیر ورزشی ایرانی است. او در دوران فعالیت ورزشی خود در دسته ۷۴ کیلوگرم کشتی آزاد، قهرمانی های متعددی داشت. در چهار دوره بازی های المپیک، تیم ملی کشتی آزاد ایران را به عنوان سرمربی هدایت کرد. او به عنوان عضو هیئت رئیسه و مدیر کمیته استعدادیابی فدراسیون کشتی ایران و نیز مدیر تیم های ملی کشتی فعالیت کرده است.

## تختی و کشتی: انتخاب اول

دهه شصت، شبکه های یک و دو، تنها شبکه های تلویزیون بودند. برنامه «ورزش و مردم» با اجرای آقای شفیع، هر یکشنبه شب از شبکه یک پخش می شد. پای ثابت برنامه اش بودم. هنوز آرم برنامه را که جهان پهلوان تختی بود، به خاطر دارم. بیشتر هم سن و سال هایم پای برنامه های ورزشی تلویزیون می نشستند؛ حتی زمان جنگ ۸ ساله. کشتی، انتخاب اول جوان های محله بود و بعد از آن نوبت به فوتبال و ورزش های رزمی می رسید.

کشتی را از سال ۱۳۶۷ و در رده نونهال و نوجوانان شروع کردم. سپس مشغول تمرین در رده بزرگسالان شدم و به عضویت تیم ملی امید درآمد. طی ۱۵ سال، پیراهن تیم ملی را در رده های مختلف به تن کردم و در مسابقات آسیایی، دانشجویان جهان، جام تختی، جام علی اف و سایر رویدادهای بین المللی، افتخار کسب کردم. بعد از مدتی، به دلیل جراحی زانوهایم و آسیب های مکرر، نتوانستم به شرایط قبلی برگردم؛ همین موضوع زمینه ساز خداحافظی از کشتی شد.

## مدال طلای قاپ خالی

در خانه کشتی شماره یک، عکسی روی دیوار بود که چهار قهرمان المپیک را نشان می داد؛ جهان پهلوان تختی، امامعلی حبیبی، عبدالله موحد و رسول خادم. کنار عکس ها، عکس پنج حلقه المپیک بود و یک قاپ خالی با علامت سوال. هر کسی که خودش را در آن عکس می دید، احساس می کرد نمی تواند جای خالی را پر کند. اما علیرضا دبیر با اینکه هنوز ملی پوش نشده بود، در مصاحبه ها می گفت: «اگر کادر فنی به من اعتماد کند، قول می دهم مدال طلای آقای محمد طلایی را تکرار کنم.»

علیرضا از کودکی در کشتی فعالیت داشت و با وجود کمبود امکانات، همواره برای پیشرفت، تلاش کرد. اگرچه از نظر فیزیکی و فنی در ابتدای مسیر از دیگران عقب تر بود اما آرزوها و تلاش هایش بسیار بیشتر بود و افکار و صحبت های متفاوتی داشت. پس از شروع فعالیتش در لیگ، انتخابی تیم ملی را برد. سپس در جام تختی آقای طلایی را شکست داد و قهرمان شد. در مسابقات دانشجویان و هر جایی که شرکت می کرد، اول می شد. در دوران جوانی، در اردوهای تیم ملی، همراه شاگردان منصورخان همیشه حضور داشت. سطح مهارت های علیرضا در کشتی بالا بود؛ از حرفانش یاد می گرفت و تحلیل داشت و رشد می کرد.

المپیک ۲۰۰۰ سیدنی یکی از چالش های بزرگ علیرضا دبیر بود؛ چون حدود ۸ ماه قبل از مسابقات عمل جراحی انجام داده بود. پس از عمل، تمرینات را از ابتدا شروع کرد؛ اما ورزش زیاد شده بود و تمرینات به صورت کامل انجام نمی شد. با این وجود، علیرضا با اعتماد به نفس بسیار بالایی وارد مسابقات شد. در مسابقه نهایی، حریف او کشتی گیر مغولی بود که قبلاً او را شکست داده بود. اما علیرضا باز هم توانست در این مسابقه پیروز شود. از نظر فیزیکی و روحی شرایط مناسبی نداشت



# از تبار تختی

اگر دست فتاده‌ای بگیری، مردی!

## قهرمان و پهلوان؛ حکایت مرزی میان قدرت و معنا

تفاوت میان پهلوان و قهرمان فراتر از یک بحث واژگانی ساده است؛ این مرز، در واقع محل برخورد دو جهان بینی متفاوت به قدرت و انسان است. در روزگاری که جهان مدرن به یک جنگل فناورانه تبدیل شده و معیار ارزش گذاری آدم‌ها تنها با اعداد و مدال‌ها سنجیده می‌شود، بازخوانی آیین پهلوانی ضرورتی دوچندان پیدا کرده است. این گفتار، مسیر تحول این مفاهیم از جهان سنتی به مدرن و استمرار ارزش‌های پهلوانی در عصر امروز ایران را واکاوی می‌کند.



محمدرضا وحیدزاده  
نویسنده و مدیر گروه ادبیات  
پایبندی دانشگاه سوره

جهان پیشامدرن بی نقص بوده و نه گذشته را می توان سراسر نور تصویر کرد. اما مسئله اینجاست که «تفاوت» وجود داشته است. حتی اگر از فرهنگ های دینی عبور کنیم، باز هم فاصله ای روشن میان آن جهان و آنچه امروز می بینیم وجود دارد. جهان سنتی، فارغ از این که تحت حاکمیت مستقیم اولیای الهی بوده باشد یا نه، منطق متفاوتی در ارزش گذاری داشت و همه چیز به منطق عربان استیلا فروکاسته نشده بود و مرزی میان انسان و منطق جنگل برقرار بود.

#### ● در فرهنگ پهلوانی، ارزش ها برنده هستند

فرهنگ ایرانی از غنی ترین و بادوام ترین فرهنگ های بشری است که بسیاری از عناصر وارداتی را در خود هضم کرده است. در دل این فرهنگ، نظامی از ارزش ها شکل گرفته که با منطق قهرمانی مبتنی بر مدال و امتیاز متفاوت است. ادبیات ما ایرانی ها سرشار از روایت هایی است که این معنا را بازتاب می دهند؛ از فتوت نامه ها و رستم داستان در شاهنامه تا روایت پوریای ولی که برای نشکستن دل پیرزنی، آگاهانه از پیروزی چشم می پوشد. او نه تنها در برابر حریف، بلکه مهم تر از آن، در برابر نفس خویش می ایستد و این همان «جهاد اکبر» معیار سنجش انسان است.

کشتی در گذشته نه فقط یک سرگرمی، بلکه تمرینی برای میدان نبرد بود. پهلوانان همواره آماده می ماندند تا از مردم و سرزمین دفاع کنند. زورخانه ها محلی برای ورزیدن بودند؛ اما نه صرفاً برای تن، بلکه تن و جان هم زمان تربیت می شدند. همین منظومه ارزش ها فرهنگ پهلوانی ایرانی را شکل داده؛ فرهنگی که در آن، قدرت بدون اخلاق ناقص است و پیروزی، اگر به بهای شکستن دل یا زیر پا گذاشتن کرامت انسانی باشد، ارزشی ندارد.

#### ● می توان هم قهرمان بود هم پهلوان

هرچه یک فرهنگ ریشه دارتر باشد، فاصله اش با این تعریف مدرن بیشتر است؛ چرا که فرهنگ در معنای عمیق خود، حاصل فاصله گرفتن انسان از ساحت صرفاً غریزی است و تمدن ها زمانی شکل می گیرند که انسان از منطق بقا و غلبه صرف عبور می کند. به نظر می رسد انسان ایرانی با رندی خاص خود، توانسته در این مسیر نه در گذشته متوقف شود و نه در دنیای مدرن غرق گردد. ایرانیان در میانه سنت و مدرنیته، سنتی ایجاد کرده اند که به آن ها امکان می دهد هم در عرصه های علمی و ورزشی به پیروزی برسند و هم ارزش های اخلاقی را حفظ کنند. تاریخ ورزش ما نمونه های متعددی از این ترکیب را نشان می دهد. برخی قهرمانان، هم زمان هم در معیارهای جهانی قهرمان بودند و هم در فرهنگ ایرانی، پهلوان. نمونه شاخص آن غلامرضا تختی است. جوانان ما در بسیاری مواقع، از جمله در میدان های بزرگی مثل المپیک و در رشته کشتی، نشان داده اند که می توان هم زمان هم افتخار آفرین بود و هم متخلق به ارزش های پهلوانی. این استمرار نشان می دهد که سنت پهلوانی در کنار رقابت مدرن، همچنان در فرهنگ ایرانی زنده مانده است.

#### ● زندگی مدرن، واقعیتی اجتناب ناپذیر

واقعیت این است که امروز همه ما خواه ناخواه، ذیل جهان مدرن زندگی می کنیم. ممکن است نسبت ما با مدرنیته یکسان نباشد و گاهی توانسته باشیم در برخی هنرها به آن دست ببریم یا آن ها را با فرهنگ مان سازگار کنیم، اما در یک نکته تردیدی نیست؛ افق زیست ما، افق مدرنیته است و بازگشت به جهان پیشامدرن ممکن نیست. ورزش نیز یکی از شفاف ترین میدان های بروز این نگاه است؛ جایی که قهرمان - کسی که عدد بزرگ تری ثبت می کند - نفر اول مسابقه شود یا رکورد بالاتری بزند.

#### ● پهلوان و قهرمان؛ دو جهان بینی متفاوت

تفاوت میان «پهلوان» و «قهرمان» ریشه در نگاه انسان به قدرت، اخلاق و ارزش ها دارد. در فرهنگ ایرانی، پهلوانی فراتر از توان جسمانی است؛ جایی که پیروزی واقعی با اخلاق، جوانمردی و پاسداری از مظلوم سنجیده می شود. این در حالی است که قهرمان مدرن بر معیارهای مادی و سنجش پذیر بنا شده است. این تمایز ریشه در جهان بینی فرهنگ ها دارد. نه فقط در ایران، بلکه در اغلب فرهنگ های کهن، پهلوان مفهومی آشنا و اصیل بوده است، در حالی که «قهرمان» به معنای امروزی، اساساً پدیده ای مدرن است.

”

در جهان بینی سکولار، معیار ارزش گذاری انسان بر پایه شاخص های مادی و قابل اندازه گیری تعریف می شود؛ هر که ثروت بیشتر تولید کند، سود بیشتری به دست می آورد یا قدرت نظامی و توان سلطه بر طبیعت و ملت ها را داشته باشد، «ارزشمندتر» تلقی می شود.

اگر به تمدن های باستان سر بزیم، به سختی می توان ردی از قهرمان به شکل امروزی پیدا کرد. قهرمان محصول تحولات فکری پس از رنسانس در غرب است؛ دورانی که با محوریت انسان مداری یا اومانیزم، ارزش ها از آسمان به زمین منتقل شدند. این نگاه به تدریج به دیگر نقاط جهان سرایت کرد و کم و بیش همه فرهنگ ها، از جمله فرهنگ ایرانی ما را تحت تأثیر قرار داد. در این جهان بینی سکولار، معیار ارزش گذاری انسان بر پایه شاخص های مادی و قابل اندازه گیری تعریف می شود؛ هر که ثروت بیشتر تولید کند، سود بیشتری به دست می آورد یا قدرت نظامی و توان سلطه بر طبیعت و ملت ها را داشته باشد، «ارزشمندتر» تلقی می شود. قدرت در اینجا کمیت پذیر و برتری، قابل محاسبه است.

#### ● منطق غلبه محصول فرهنگ مدرن است

متأسفانه جهان مدرن با همه دستاوردهای علمی اش، شباهت عجیبی به جنگل مدرن پیدا کرده است. در جنگل قانون روشن است؛ هر که توان غلبه بیشتری دارد، باقی می ماند و این همان جهانی است که در آن به تعبیر حافظ؛ «انسان گرگ انسان می شود». این نگاه ریشه در انسان شناسی مدرن، به ویژه قرائت داروینیستی دارد که با انسان شناسی توحیدی تفاوتی بنیادین دارد. در روایت مدرن، انسان از جنگل برآمده، اما گویی پس از همه پیشرفت های مادی، دوباره در حال بازگشت به جنگلی تازه است؛ جنگلی پیشرفته و فناورانه، اما همچنان مبتنی بر قانون غلبه. از همین جاست که مفهوم قهرمان به عنوان مفهومی مدرن معنا پیدا می کند.

البته سخن گفتن از تفاوت گذشته و اکنون، به معنای جست و جوی یک مدینه فاضله رؤیایی در تاریخ نیست. نه

# پهلوان ضامن فضیلت است

تأملی در مختصات مفهومی پهلوان ایرانی و قهرمان مدرن



علیرضا بلوغ  
پژوهشگر

اول و اصلی نیست. در واقع، پهلوان بدن خود را در خدمت یک غایت و ارزش متعالی‌تر پرورش می‌دهد؛ زور بازو و قوت بدن باید ابزاری برای تحقق ارزش‌هایی چون «دستگیری از ضعفا»، «ایستادن در مقابل ظالم» و «دفاع از مظلوم» باشد. روح حماسی پهلوانی ایجاب می‌کند که آمادگی جسمانی، ابزاری برای ایستادگی در لحظه نیاز باشد؛ لحظه‌ای که فضیلت در خطر است یا حماسه و ارزش‌های انسانی باید حفظ شوند. بنابراین، پهلوان قبل از آنکه به فکر برنده شدن در یک رقابت فردی باشد، به فکر حفظ آمادگی برای دفاع از اصول و در نهایت، پیروزی در جهاد با نفس خویش است. به عبارت دیگر، یک قهرمان می‌تواند در یک مسابقه برتر باشد، اما یک پهلوان می‌تواند گویایی برای رفتار و اخلاق در زندگی باشد.

پهلوانی، صرفاً یک دستاورد جسمانی نیست، بلکه یک نظام اخلاقی و معنوی است که از طریق آیین جوانمردی در سنت ایرانی ریشه دوانده و به عنوان یک پل تمدنی عمل می‌کند و سنت کهن ایرانی را با سنت اسلامی، به ویژه تشیع پیوند می‌زند. در این نگاه؛ کهن‌الگوهای ما ویژگی‌ها یا حتی نام‌های مشترکی پیدا می‌کنند؛ چنان‌که مولانا می‌سراید: «شیر خدا و رستم دستانم آرزوست». حضرت علی (ع) و رستم از وجهی به هم شبیه‌اند که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و این وجه را باید در آینه «فتوت و پهلوانی» جستجو کرد.

در حالی که قهرمان در سنت یونانی و المپیک، به عنوان نماد غایی جسمانیت و تجلی توانمندی‌های بدن برای

”

**زور بازو و قوت بدن  
باید ابزاری برای تحقق  
ارزش‌هایی چون  
«دستگیری از ضعفا»،  
«ایستادن در مقابل  
ظالم» و «دفاع از  
مظلوم» باشد. روح  
حماسی پهلوانی ایجاب  
می‌کند که آمادگی  
جسمانی، ابزاری برای  
ایستادگی در لحظه  
نیاز باشد؛ لحظه‌ای که  
فضیلت در خطر است  
یا حماسه و ارزش‌های  
انسانی باید حفظ  
شوند.**

برای تبیین عمیق و تاریخی تمایز میان «قهرمان» و «پهلوان»، باید به ریشه‌های تمدنی این دو مفهوم نگریست. قهرمان به عنوان یک سنخ آرمانی، تجلی خود را در انسان یونانی و در لحظه شکل‌گیری مفهوم المپیک می‌یابد. المپیک که خاستگاه آن یونان است، مجموعه‌ای از رقابت‌هاست که مسئله اصلی در آن‌ها، بروز توانمندی‌های انسانی و وجه «بدن‌مندی» و جسمانیت انسان است.

پیش از یونان، ما شاهد پیکرتراشی از انسان به معنای تراشیدن یک انسان کامل نبودیم؛ این نشان می‌دهد که در آن مقطع، برای اولین بار انسان به عنوان موجودی ایده‌آل در کانون هستی مورد توجه قرار گرفت. به تعبیر ورنر، یونانیان تنها یا اولین قومی بودند که خدایانشان تمثال انسانی داشت. پیش از آن، در ادیان اسطوره‌ای، خدایان همواره ترکیبی از حیوان و انسان یا موجودات عجیب‌الخلقه بودند. در ادیان ابراهیمی نیز خدا تمثال انسانی نداشت، مگر در مواردی که بعدها دچار تحریف یا تعابیری خاص مانند تجسد در یهودیت یا مسیحیت شد. بنابراین، در نگاه یونانی، فردی که بتواند ویژگی‌های جسمانی خود را به عالی‌ترین نحو بروز دهد و از دیگران پیشی بگیرد، شخصیت «قهرمان» را می‌سازد؛ خصلتی که ماهیت ورزش‌های المپیکی و ورزش قهرمانی امروز را نیز شکل داده است.

اما انسان‌ها در عین داشتن توانمندی‌های جسمانی و مهیا بودن برای نبرد و حماسه، ابعاد دیگری را نیز در نظر دارند. حماسه‌ها اگرچه در لحظه نبرد و مواجهه رخ می‌دهند، اما روح پهلوانی فراتر از صرف پیشی گرفتن در قدرت جسمانی است. پرورش و به نمایش گذاشتن توانایی‌های بدن هدف



## غلامرضا تختی

ورزش پهلوانی تلاشی برای پیکرتراشی و جلوه دادن بندبند عضلات وجود ندارد. برخلاف بدنسازی که برای تک تک عضلات برنامه ریزی می شود تا به عنوان نمود زیبایی بدن دیده شوند؛ در آیین پهلوانی، جسمانیت انسان به رخ کشیده نمی شود و بدن، ورزیدگی خود را وقف آن مرام و مسلک می کند. این توانایی جسمی در پهلوانان، اغلب از مسیر یک «توانایی روحی» به دست می آید. چنان که مشاهده شده افرادی با ذکر گفتن، توانایی های جسمی خارق العاده ای از خود نشان می دهند.

متأسفانه در کشتی، تمایز بین پهلوان و قهرمان کم رنگ شده است. تمرکز بیش از حد بر نتایج مسابقات و کسب مدال، باعث شده تا ارزش های اخلاقی و فضیلت های پهلوانی نادیده گرفته شوند. در حالی که قهرمانان در مسابقات می درخشند، پهلوانان به عنوان نماد فرهنگ و هویت ملی، کم رنگ شده اند. برای احیای این تمایز، لازم است تا ارزش های پهلوانی در کشتی مورد توجه قرار گیرد. باید به تربیت ورزشکارانی بپردازیم که نه تنها از توانایی های بدنی بالایی برخوردار باشند، بلکه از فضیلت های اخلاقی نیز بهره مند باشند.

پی نوشت:

وزیر ویلهلم یگر (Werner Jaeger) (زاده ۳۰ ژوئیه ۱۸۸۸ در لبریش آلمان - درگذشته ۱۹ اکتبر ۱۹۶۱ در کمبریج آمریکا) از مهم ترین فیلولوگ های کلاسیک در سده بیستم است.

یگر بیشتر به خاطر اثر خود، پایدیا مشهور است که به «تأثیر متقابل فرایند تاریخی را که به سیرت یونانیان شکل بخشیده است، و فرایند فرهنگی را که یونانیان از طریق آن آرمان خود را از شخصیت انسانی پدید آورده اند»، می پردازد.

”

**پهلوان حتی در جایی که برتری جسمی دارد، به خود اجازه غلبه به هر قیمتی را نمی دهد. نمونه مشهور این نگاه، داستان «پوریای ولی» و شکست ارادی اوست که با این مفهوم پیوند دارد: «گر بر سر نفس خود امیری، مردی» «گر دست فتنده ای بگیری، مردی». لذا اگر قهرمان یونانی مظهر خودآیینی جسمانی است، پهلوان ایرانی مظهر خودسازی (جهاد اکبر) برای آمادگی در خدمت به فضیلت و حق است.**

پیشی گرفتن از دیگران شناخته می شود، پهلوان در سنت ایرانی اسلامی، بدنی ورزیده را تنها به عنوان ابزاری در خدمت ارزش های متعالی می طلبد. او نمادی از مردانگی، شجاعت و وفاداری به ارزش های جامعه است و برخلاف ورزش قهرمانی که بر پیکرتراشی و نمایش عضلات متمرکز است، پهلوان عضلات خود را در هاله ای از معرفت و فتوت پنهان می کند تا قدرت جسمانی، نه هدفی برای دیده شدن، که مسیری برای پیوند میان توانایی روحی و عدالت طلبی باشد. پهلوان حتی در جایی که برتری جسمی دارد، به خود اجازه غلبه به هر قیمتی را نمی دهد. نمونه مشهور این نگاه، داستان «پوریای ولی» و شکست ارادی اوست که با این مفهوم پیوند دارد: «گر بر سر نفس خود امیری، مردی» «گر دست فتنده ای بگیری، مردی». لذا اگر قهرمان یونانی مظهر خودآیینی جسمانی است، پهلوان ایرانی مظهر خودسازی (جهاد اکبر) برای آمادگی در خدمت به فضیلت و حق است.

حتی در ورزش زورخانه ای که ورزشی سنگین با ادواتی است که صورت های مثالی ابزار جنگی هستند، هدف صرفاً آمادگی جسمانی نیست. زورخانه در واقع شکل «شهری شده» آیین پهلوانی است؛ یعنی زمانی که اهل فتوت می خواستند روح حماسی خود را در ساختار زندگی شهری حفظ کنند، آن را در نهاد زورخانه متبلور کردند. در اینجا نیز اگر زور بازویی به رخ کشیده می شود، برای دفاع از مظلوم در برابر ظالم است، نه برای خودنمایی. تفاوت این دو رویکرد حتی در فیزیک بدنی نیز مشهود است. اگر فیزیک یک پهلوان زورخانه ای را با یک قهرمان بدنسازی مقایسه کنیم، می بینیم که در



در میانه سنت و مدرنیته؛

## فرهنگ پهلوانی ایرانیان چه مختصاتی دارد؟

### کاوه فرهادی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه  
طباطبایی

#### ● کشتی و پیوند تمدنی

هنگامی که از مردانگی، فتوت و امیرالمؤمنین (ع) سخن می‌گوییم، یاد کشتی و زورخانه تداعی می‌شود؛ زیرا این پیوند ریشه در عمق تاریخ و نمادشناسی فرهنگی ما دارد. با مراجعه به پژوهش‌های «پرتو بیضایی» در باب زورخانه‌ها، روشن می‌شود که در معماری و حرکات پهلوانان، رویکردی از آیین میترائیسم وجود داشته است؛ جایی که «مهر» اهمیت محوری داشت. پس از اسلام، مهر با نام و مرام امیرالمؤمنین (ع) پیوند خورد و از همین جا واژه «مهرعلی» در ادبیات ایرانیان شکل گرفت. این نشان می‌دهد که فرهنگ اصیل ایرانی، ریشه‌های پیشین خود را حفظ کرده و آن‌ها را در بستر جدید تلفیق نموده است. از آنجایی که زورخانه به عنوان میدان فتوت، فتیان و عباری شناخته می‌شود، تداعی کشتی با مردانگی، امری طبیعی است. چراکه وقتی نام «پوریای ولی» یا «تختی» برده می‌شود، ناخودآگاه تمام مختصات پهلوانی؛ یعنی قدرت در کنار اخلاق و جوانمردی به ذهن انسان متبادر می‌گردد.

#### ● تواضع در اوج توان

نمود اصلی مردانگی و فتوت، بخشش است؛ بخششی که از امیرالمؤمنین (ع) آموخته شد؛ حضرت حتی در حالت نماز نیز انگشتر خود را بخشید. این سیره نشان می‌دهد که اگر امیرالمؤمنین (ع) چنین اهل بخشش است؛ چه جای تعجب برای امثال پوریای ولی و غلامرضا تختی که در هر کوچه و محفلی، هر مستمندی را یاری می‌کنند. این بخشش، یک نگاه معنایی عمیق دارد؛ چراکه پهلوانان، حتی در برابر حریف و هم‌رزمی که قرار است بر روی همان تشک با او رقابت کنند، گذشت می‌کنند. قصه پهلوان پوریای ولی در مواجهه با آن حریف که می‌گوید مادرش شاهد و ناظر است و می‌خواهد پیروز شود، نشان می‌دهد که رقابت از معنای صرف برنده‌شدن فراتر می‌رود. پوریای ولی در اوج توانمندی، حرکتی را انجام می‌دهد که نتیجه‌اش شکست خود و بالا رفتن دست حریف باشد. اینجا دیگر بحث پیروزی و شکست فیزیکی مطرح نیست؛ بلکه اخلاق و رفتار است که باقی می‌ماند.

#### ● علف می‌خوریم اما خاک نمی‌دهیم

نگاه پهلوانی که در آن برنده و بازنده تعریف نمی‌شود، در تاریخ ایران اسلامی جاری است؛ همان‌طور که غلامرضا انصاف‌پور در کتاب «روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران» اشاره می‌کند؛ در تمامی خیزش‌های ایرانی، روح فتوت، پهلوانی و عباری جریان داشته و شکل‌گیری این جنبش‌ها به دلیل عدم پذیرش تعریف رایج از «برنده» و «بازنده» در این مرزوبوم بوده است. نمونه بارز این امر، انقلاب مشروطه است؛ چگونه می‌توان باور کرد که مردم

آذربایجان در کنار سایر ایرانیان با قدرت به دل استبداد و استعمار زدند و حاضر شدند علف بخورند، اما خاک ندهند. این معرفت‌شناسی از جایی سرچشمه می‌گیرد که دیگر سودوزیان مادی مطرح نیست و غایت انتظار از مسیر دیگری حاصل می‌شود.

#### ● مردانگی فراتر از جنسیت

روح فتوت حتی در سازمان‌های زیرزمینی زنان در انقلاب مشروطه، که توسط جامعه‌شناسان فقید مورد بررسی قرار گرفته، به وضوح دیده می‌شود؛ جایی که «مردانگی» از جنسیت فراتر می‌رود. این مردانگی و فتوت، صرفاً یک شیوه رفتاری نیست، بلکه یک جهان بینی و معرفت‌شناسی است که مرد و زن نمی‌شناسد. زمانی فرمانده روس دستور داد مردم را در مقابل مجلس به توپ بستند، با وجود آنکه اکثر افراد لباس مردانه پوشیده بودند و صورت‌ها پوشیده بود، با شناسایی اجساد مشخص شد که همه آن‌ها زن هستند.

#### ● واژه: همیاری زنان ایرانی

زنان ایرانی و وطن‌دوست، در طول تاریخ دقیقاً بر اساس معیارهای فتوت عمل کرده‌اند؛ همان‌طور که امروز نیز در تعاونی بزرگ «واره» که یکی از بزرگترین تعاونی‌های سنتی ایرانیان است، آیین پهلوانی مشاهده می‌شود. زنانی که مدیریت این تعاونی صددرصد زنانه را بر اساس همان ارزش پیش می‌برند. در طول قرن‌ها، این روحیه در مدیریت امور روستاها، به ویژه در حوزه لبنیات، تجلی یافته است؛ جایی که مفهوم «شیر مقدس» شکل گرفت. این شیر نمادی از انصاف و بخشش بی‌قید و شرط بود. بسیاری از روستاییان که دام نداشتند، با تعداد دامشان کم بود، نباید از تأمین نیاز اساسی زندگی محروم می‌شدند. لذا، رسم بر این بود که همه اهالی، شیر را در یک کاسه جمع می‌کردند؛ کسی که صد گاو داشت با کسی که دو دام داشت یا اصلاً گاوی نداشت، به صورت یکسان در آن شیر سهیم می‌شد. در این سنت ارزشمند، هیچ گزارشی نباید مبنی بر توهین به شیر مقدس - که در فرهنگ ایران هم چون آب مقدس است - ثبت شده باشد؛ و رهبر این تعاونی باید به پاکدامنی، عقلانیت، بخشش، مهربانی و فروتنی شناخته شود. از بعد از اسلام، بهتر است که این افراد سیده نیز باشند. اگر این ویژگی‌ها را در کنار هم قرار دهیم، درمی‌یابیم که انسان ایرانی اساساً اهل فتوت بوده است.

#### ● کارگری و باریگری

اهل فتوت و عباران، حرف و صنایع را هم در شهرها تعریف کردند و شهرنشینی ایران مدیون حضور آن‌هاست. این رویکرد دقیقاً در تقابل با دیدگاه غرب

تولد چمران تا مرگش. در تمام این مسیرها، فتوت جاری و ساری است. این فرهنگ، نه فقط یک اثر تاریخی، بلکه زندگی جمعی ایرانیان است.

#### ● منطق جنگل مدرن: رقابت نه رفاقت

در تفکر غربی مدرن (اقیانوس قرمز)؛ چه در هنر، سینما، دانشگاه و چه در ورزش، رقابت به جای رفاقت و همکاری، محور اصلی است. اما در تفکر شرقی (اقیانوس آبی) آرامش و توازن در تضاد با رقابت و ستیزه‌گری غرب و آمریکا است. برخلاف استراتژی اقیانوس قرمز غرب، در ایران ورزش از رحم سنت متولد شده و در تضاد با آن قرار دارد. در این فرهنگ، ورزش نه صرفاً یک رقابت، بلکه «محل تجلی ارزش‌های اخلاقی و معنوی» است. ارزش‌هایی مانند ایثار، بخشش، جوانمردی و فروتنی، در عمل و حرکت پهلوانان و ورزشکاران تجلی می‌یابند. پهلوانان ایرانی، به جای رقابت صرف، در فضایی از رفاقت و هم‌اندیشی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، در حالی که غرب ورزش را به میدان جنگ و ستیزه تبدیل کرده است. این تفاوت، نه تنها در استراتژی ورزش، بلکه در نگرش کلی به زندگی و جامعه در دو فرهنگ دیده می‌شود.

#### ● مبارزه فروتنانه: اول بادشمن درون

در آیین پهلوانی و زورخانه، ما ورزش را از رحم سنت متولد کرده‌ایم. این بدان معناست که معماری و حرکات پهلوانان، ریشه در مهر و مهرورزی دارد. بعد از اسلام و در دوره شیعه، این ریشه با یگانه‌کردن مهر با نام امیرالمؤمنین (ع) تقویت شد. به این ترتیب، پهلوان قبل از شروع رزم، سرفرود می‌آورد و اجازه می‌خواهد؛ نه از هرکس، بلکه از پروردگار و امیرالمؤمنین (ع). این نشان می‌دهد که رزم در آیین پهلوانی نه فقط یک مبارزه فیزیکی، بلکه «یک مبارزه فروتنانه و عاشقانه بادشمنان درونی و بیرونی» است.

#### ● فریاد «یاعلی»: نقطه اتصال انسان ایرانی

پهلوانان و قهرمانان کشتی ما باید نشان دهند که نگاه شاه‌مردان امیرالمؤمنین (ع) در این آیین زنده است. میدان کشتی نه صرفاً یک مسابقه و میدان غلبه، بلکه محل تجلی فتوت و جوانمردی است و ما میراث‌دار مرام پهلوانی رستم، یوریای ولی و جهان پهلوان تختی هستیم. در زیست جهان ما ایرانی‌ها، قدرت صرفاً زور بازو نیست؛ بلکه به انگیزه و اتصال معرفت‌شناختی آن وابسته است. آن فریاد «یاعلی» که پهلوان می‌زند، همان نقطه‌ای است که ملت ایران در بزنگاه‌های تاریخی؛ مانند مشروطه، ملی شدن نفت، هشت سال دفاع مقدس و ... به آن متصل و پیروز شده است.

است. در غرب (به‌ویژه در اندیشه ارسطویی)، کار برای اشراف عار تلقی می‌شد و اشراف‌زادگان باید مشغول بازی یا شکار می‌شدند؛ کار برای طبقات پایین‌تر بود. این دیدگاه در نگاه تمدنی نیز ادامه یافته، چراکه ارسطو یونان را مرکز تمدن می‌داند و سایر فرهنگ‌ها را هم‌سطح یا پایین‌تر می‌بیند. در مقابل؛ در فرهنگ ایرانی، دیدگاه دهقان دانا به فرزندش معیار است: «برو کار می‌کن، مگو چیست کار، که سرمایه جاودانی است کار». این بدان معناست که جاودانگی انسان با کار محقق می‌شود، کاری که باید برکت‌زا باشد، پیش از آنکه صرفاً سودآور باشد؛ زیرا پروردگار نیز در هر لحظه در کاری است. این تأکید بر برکت و کار، برخلاف نگرش غربی است که کار را به طبقات پایین‌تر محدود می‌کند و این تفاوت در نگرش تمدنی مانیز مشهود است.

«کارآفرینی اجتماعی» با نگاه به «برکت» و «بازیگری»، نخستین خوانش ما ایرانیان از کارآفرینی بوده است. پهلوانان و اهل فتیان، پرچمداران این نگاه بودند که توانستند فرهنگ و آفرینش را باهم تلفیق کنند. در فرهنگ مشرق‌زمین به‌ویژه ایرانیان، کارآفرینی در وهله اول جنبه‌ای اجتماعی و اخلاقی داشته و مبتنی بر برکت بوده است. همان‌کاری که پهلوانان ما هم در گذشته و هم در زمانه امروز انجام می‌دهند. دلیرمردانی چون شهید سلیمانی و شهید چمران به دلیل روحیه فتوتی، همواره در سختی‌ها (سیل، خشکسالی، جنگ و ...) وارد میدان شده‌اند.

#### ● ما با دیگری هستیم، نه بر دیگری

در غرب، معرفت‌شناسی فردگرایی و رقابت‌گرایی، رفاقت و دوستی را به رقابت و سپس به ستیزه تبدیل می‌کند. اما در فرهنگ ایرانی، دقیقاً عکس این اتفاق می‌افتد؛ «ستیزه تبدیل می‌شود به رقابت و رقابت به رفاقت». این چرخه، براساس این اصل است که «ما با دیگری هستیم، نه بر دیگری». این روح فتوت، نه صرفاً یک رفتار، بلکه خاطره جمعی ایرانیان است. از کودکی، بیشتر چیزهایی که به ما گفته می‌شود، مربوط به فداکاری، ایثار و فتوت است. اما تنها قصه‌ای که در خاطره ما مانده است، خاطره «ریزعلی فداکار» است که پیراهن خود را در می‌آورد و جلوی قطار می‌گیرد. این تصویر، نماد فتوت و بخشش در فرهنگ ایرانی است. خاطره جمعی ایرانیان سرشار از فتوت، بخشش، برکت و خرد است. این خرد، نتیجه تجمع مختصات فتوت در طول تاریخ است. اهل فتوت، نه تنها در جنگ، بلکه در روزهای صلح و در هر لحظه‌ای که دیگران نیاز دارند، حضور دارند. این روح فتوت را می‌توان از تولد پهلوان تختی تا مرگش گزارش کرد. همچنین از تولد امیرکبیر تا مرگش، از تولد میرزا کوچک خان تا مرگش و از





ما می توانیم

اَیْسَى لِاِنْسَانٍ اِلَّا مَا سَعَىٰ



▲ کارگاه دانش افزایی و کنترل مربیان کشتی در کمپ تیم های ملی

▼ فینال مسابقات هوش مصنوعی با موضوع کشتی در کمپ تیم های ملی



مدیریت تحولی، تیم‌داری منسجم و مدال‌آوری پایدار

## ورزش کشتی؛ تجربه‌ای موفق در توسعه ساختاری

دکتر محمد حسن یادگاری عضو هیئت علمی دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران است. او به پشتوانه سال‌ها تدریس دانشگاهی و تجربه موفق در مستندسازی ورزشی، نگاهی روایت‌محور، سیستمی و معنا‌ساز به مدیریت ورزشی دارد. نویسنده کتاب «آن شب در دوحه» معتقد است؛ ورزش و به‌طور اخص کشتی صرفاً میدان رقابت فنی نیست، بلکه رسانه‌ای زنده برای بازنمایی هویت ملی، تولید معنا و شکل‌دهی به حافظه جمعی است. یادگاری در مدیریت ورزش، بر «فرایندها» بیش از «رویدادها» تأکید دارد. از منظر او، به جای بزرگ‌نمایی لحظه مدال‌آوری، باید بر توسعه و روایت موفقیت و پیوند میان تصویر و افکار عمومی - به عنوان سرمایه اجتماعی ورزش - متمرکز شد. دکتر یادگاری تجربه فدراسیون کشتی را نمونه‌ای موفق از مدیریت تحولی و پایدار در ورزش کشور می‌داند.



محمد حسن یادگاری  
عضو هیئت علمی دانشکده ارتباطات  
دانشگاه علامه طباطبایی تهران

افکار عمومی تصادفی نیست. این تفاوت ریشه در شیوه مدیریت، نوع توسعه و فهم درست یا نادرست از «ورزش حرفه‌ای» دارد که بر سه رکن اساسی «زیرساخت»، «استعدادیابی» و «مدیریت» استوار است؛ در کنار سرمایه‌گذاری مالی که باید در خدمت این سه رکن قرار گیرد، نه جایگزین آن‌ها.

رکن نخست، زیرساخت است؛ یعنی امکانات تمرینی، زمین‌ها و سالن‌ها، تجهیزات پزشکی، امکانات ریکاوری و استراحت و مهم‌تر از همه، توزیع متوازن این امکانات در سراسر کشور. امروز فوتبال ایران در همین بخش با بحران روبه‌روست؛ تا جایی که حتی در تهران، استادیومی در استاندارد مناسب وجود ندارد که دو تیم بزرگ پرسپولیس و استقلال بتوانند به‌طور پایدار در آن بازی کنند.

یکی از مصادیق مهم توسعه، زیرساخت‌های گسترده و پیشرفته فدراسیون است. مجموعه آزادی، به عنوان هسته اصلی فعالیت‌های کشتی، شاهد تحولات چشمگیر بوده است؛ سالن‌های تمرین متنوع، زمین‌های بدنسازی، آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی، سالن اجتماعات و فضاهای آموزشی، همگی با برنامه‌ریزی دقیق و نگاه آینده‌نگر طراحی و اجرا شده‌اند. امکانات رفاهی و اسکان ورزشکاران، هتل و بخش‌های آموزشی و پژوهشی نیز در دسترس قرار گرفته تا محیطی حرفه‌ای و کارآمد برای ورزشکاران، مربیان و کادر فنی فراهم شود. دومین رکن، استعدادیابی و اتصال درست رده‌های سنی است؛ مسیری که باید از پایین‌ترین سطح، شروع و به بالاترین سطح، ختم شود. از ورزش همگانی تا آموزش حرفه‌ای و در نهایت ورزش قهرمانی، دقیقاً همین جاست که تفاوت فوتبال و کشتی معنا پیدا می‌کند. در فوتبال ایران، انسجامی میان تیم‌های پایه، نوجوانان،

### ● از دل میدان آمد اما در میدان متوقف نشد

کشتی در ایران تنها یک رشته ورزشی نیست، بلکه بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی کشور محسوب می‌شود. ورزشی که از دل تاریخ، اسطوره و زیست اجتماعی ایرانیان بیرون آمده و نسل به نسل منتقل شده است. موفقیتی که از پس این ورزش قهرمانی نصیب ورزش ملی می‌شود، زاده و پرورش یافته مدیریت است که فراتر از میدان می‌اندیشد. این نگاه از تجمیع دو عنصر شکل گرفته است؛ نخست، زیست درون‌میدانی کشتی؛ یعنی تجربه‌زیسته یک قهرمان که منطق، مسیر و رنج این ورزش را از نزدیک لمس کرده است؛ و دوم، نگاه راهبردی و مدیریتی که کشتی را صرفاً عرصه مسابقه نمی‌بیند، بلکه آن را بخشی از یک نظام فرهنگی، اجتماعی و حتی دیپلماتیک تلقی می‌کند. در ورزش ملی ایران، نماینده عینی و به حق این نوع مدیریت، امروز در فدراسیون کشتی و در قامت علیرضا دبیر قابل مشاهده است. مدیریتی که کشتی را به عنوان یک سرمایه راهبردی فهم کرده است. فدراسیون کشتی در این دوره، صرفاً محل اجرای مسابقات و اعزام تیم‌ها نیست، بلکه به نهادی تبدیل شده که در آن استعدادیابی، پرورش نیروی انسانی، زیرساخت‌سازی، دیپلماسی ورزشی و بازنمایی فرهنگی، هم‌زمان و هماهنگ پیش می‌روند. در این چارچوب، علیرضا دبیر نه رئیس یک فدراسیون، بلکه نماینده نوعی از مدیریت در ورزش ملی است؛ مدیریتی که به ریشه‌های تاریخی وفادار است اما افق دید این ورزش را در آینده جست‌وجو می‌کند و کشتی را از یک افتخار سنتی، به یک پروژه پایدار ملی ارتقا می‌دهد.

### ● زیرساخت، استعدادیابی، مدیریت

تفاوت نگاه به فدراسیون کشتی و فدراسیون فوتبال در

علیرضا دبیر نه رئیس یک فدراسیون، بلکه نماینده نوعی از مدیریت در ورزش ملی است؛ مدیریتی که به ریشه‌های تاریخی وفادار است اما افق دید این ورزش را در آینده جست‌وجو می‌کند.



تأمین مالی و جذب سرمایه است؛ موضوعی که سال‌ها بهانه‌ای برای ناکامی، لغو اردوها و حتی اعزام نشدن تیم‌ها در رشته‌های مختلف بوده است. امروز تیم‌های ملی کشتی، دیگر در انتظار تأمین بودجه نیستند. اعزام تیم‌های نونهالان و نوجوانان با همان نظم اعزام تیم ملی بزرگسالان به جام جهانی، برنامه‌ریزی و انجام می‌شود. این نظم مالی، پیامد مهمی دارد؛ دیگر نمی‌توان بهانه کم‌تجربگی را مطرح کرد. وقتی ورزشکار از سنین پایه به‌طور منظم در میادین بین‌المللی حاضر می‌شود، تجربه به‌صورت طبیعی شکل می‌گیرد. نتیجه این روند، افزایش جدی سطح رقابت داخلی است؛ جایی که هیچ مسابقه‌ای تشریفاتی نیست و هیچ ترکیبی در تیم ملی از پیش تضمین شده محسوب نمی‌شود. این رقابت واقعی، خود یکی از محورهای اصلی پیشرفت است.

#### ● نظم مدیریتی؛ شروع کار از شش صبح

یک نمونه ملموس از سبک مدیریتی دبیر، نظم و انضباط روزانه‌اش است. فعالیت‌های دبیر از ساعت شش صبح آغاز می‌شود و همه امور فدراسیون، از امضاها و جلسات تا پیگیری پروژه‌ها، با دقت و نظم پیگیری می‌شود. حضور میدانی او در پروژه‌ها، از بازدید کارگران تا بررسی جزئیات اجرایی، نشان‌دهنده تعهد و حضور فعال در همه سطوح مدیریت است. نتیجه این رویکرد، گسترش زیرساخت‌ها، تأمین مالی پایدار، ارتقای رقابت و ایجاد مسیر روشن برای استعدادیابی است.

#### ● رسانه‌ای زنده برای بازنامایی هویت ملی

نگاه فرهنگی و رسانه‌ای دبیر یکی از ویژگی‌های برجسته مدیریت اوست. فدراسیون کشتی به‌صورت ماهانه در زمینه نشر کتاب فعالیت کرده و محتوای فرهنگی، علمی و رسانه‌ای تولید می‌کند؛ روایت‌هایی که تاریخ،

جوانان، امید و تیم بزرگسالان دیده نمی‌شود. این گسست ساختاری باعث شده مسیر رشد بازیکن مشخص نباشد و استعدادها در میانه راه از بین بروند. بخشی از این مشکل به باشگاه‌داری و بخشی به ضعف نظارت فدراسیون بازمی‌گردد.

اما سومین رکن، مدیریت است؛ موفقیت فدراسیون کشتی ایران، نتیجه تلاش یک تیم مدیریتی منسجم است؛ تیمی که تجربه، شناخت قواعد اداری و سیاسی کشور و تعهد به مسیر درست را با هم تلفیق کرده است. این تیم، به جای استفاده از روابط قدرت یا ثروت برای منافع شخصی، آن‌ها را در خدمت توسعه ورزش و ارتقای منافع عمومی قرار داده است. علیرضا دبیر و تیمش نشان داده‌اند که مدیریت موفق در ایران، نیازمند ارتباط مؤثر با نهادهای بالادستی و پایین‌دستی و پیشبرد یکپارچه فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجراست.

فدراسیون کشتی در دوره مدیریت علیرضا دبیر، هر سه رکن ورزش حرفه‌ای را به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار داده است. دبیر از همان روزهای نخست، به صراحت اعلام کرد که تعداد کشتی‌گیران سازمان یافته کشور از چند میلیون نفر در گذشته، به کمتر از یک میلیون نفر در حال حاضر کاهش یافته و هدفش رساندن این عدد به پنج میلیون نفر است؛ یعنی توسعه کشتی و تحقق عدالت ورزشی در سراسر کشور، ایجاد بانک اطلاعاتی، فعال‌سازی استان‌ها و شهرستان‌ها و گسترش باشگاه‌ها و لیگ‌های کشوری. این نگاه جامع از توسعه همگانی تا تقویت لیگ‌ها و تیم‌های باشگاهی درست همان چیزی است که فوتبال ایران از آن محروم مانده است. جایی که پول وجود دارد اما برنامه توسعه‌ای وجود ندارد؛ هزینه هست اما زیرساخت و مسیر مشخصی برای پرورش استعدادها دیده نمی‌شود. تفاوتی که افکار عمومی هم به‌خوبی آن را درک کرده است.

#### ● تأمین مالی و جذب سرمایه

یکی دیگر از نقاط تمایز فدراسیون کشتی، حل مسئله

”

**موفقیت فدراسیون کشتی ایران، نتیجه تلاش یک تیم مدیریتی منسجم است؛ تیمی که تجربه، شناخت قواعد اداری و سیاسی کشور و تعهد به مسیر درست را با هم تلفیق کرده است. این تیم، به جای استفاده از روابط قدرت یا ثروت برای منافع شخصی، آن‌ها را در خدمت توسعه ورزش و ارتقای منافع عمومی قرار داده است.**



فرهنگی و ورزشی عمل می‌کند؛ همانند فوتبالیست‌های برزیلی که در تیم‌های خارجی بازی می‌کنند اما هویت و برند کشور خود را نمایندگی می‌کنند. این رویکرد مبتنی بر احترام و اعتماد، سبب افزایش بهره‌وری استعدادها و شکل‌گیری بینشی راهبردی، جهانی و مستمر در مدیریت ورزش ملی شده است.

#### ● نگاه‌تمدنی

توسعه کشتی ایران، نه تنها بر پایه موفقیت فردی، بلکه با محوریت رشد جمعی، ارتقای فنی و پیوند با ارزش‌های فرهنگی شکل گرفته است. این مدل، چشم‌انداز بلندمدت و نگاه تمدنی دبیر به کشتی ایران را به خوبی نمایان ساخته و مسیر پیشرفت و تداوم موفقیت‌ها را تضمین می‌کند. توسعه کشتی ایران در این دوره، نه صرفاً مدال‌آوری، بلکه ترکیبی از ورزش، فرهنگ، علم و هویت ملی است. این مدل مدیریتی بیانگر آن است که موفقیت پایدار در ورزش حرفه‌ای ایران، حاصل مدیریت هوشمند، سرمایه‌گذاری هدفمند و تعهد جمعی است؛ مدلی که مسیر تداوم قهرمانی‌ها و تثبیت جایگاه کشتی ایران را در سطح ملی و بین‌المللی تضمین می‌کند.

علاوه بر این، یک نکته اساسی هم وجود دارد که نمی‌توان به‌سادگی از آن عبور کرد؛ ایران «مهد کشتی» است و این گزاره فقط یک شعار احساسی یا تبلیغاتی نیست، بلکه پشتوانه‌ای تاریخی و فرهنگی دارد. برای درک این موضوع، کافی است نگاهی به متون کلاسیک ایران بیندازیم. شاهنامه فردوسی به‌عنوان روایت‌گر تاریخ و اسطوره‌های ایران باستان مملو از صحنه‌هایی است که در آن، کشتی‌گیری بخشی از آیین رزم و مقدمه نبردها به شمار می‌رود. این تصویر، نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن کشتی در فرهنگ ایران و بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی کشور است.

فنون و مسائل روز کشتی را به مخاطب منتقل می‌کنند. این اقدامات تنها به وظایف رسمی فدراسیون محدود نیست، بلکه با ابتکار علیرضا دبیر، به چرخه‌های فرهنگی، علمی و رسانه‌ای در کنار ورزش تبدیل شده است. البته این نگاه، محدود به کتاب و رسانه نیست. فدراسیون کشتی از فناوری و علم روز برای بهبود تمرینات و عملکرد ورزشکاران استفاده می‌کند. این نوآوری‌ها نه تنها در سطح ملی بلکه تحسین بین‌المللی را برانگیخته است؛ نمایندگان کشورهای آمریکا و روسیه از این تحولات متحیر مانده و آن را نمونه‌ای موفق از مدیریت ورزشی مدرن می‌دانند.

#### ● در مسیر حکمرانی تحولی

در المپیک ۲۰۱۶، تنها یک مدال نصیب ایران شد و در ۲۰۲۰ نیز شرایط مشابه ادامه یافت؛ پیش از آن نیز مدال‌ها به‌صورت پراکنده کسب می‌شدند. اما علیرضا دبیر با رویکردی تحولی و مدیریت تیمی منسجم، توانست پایداری و تداوم در موفقیت‌های ملی را برقرار کند. او سبک سنتی و پراکنده تیم‌داری را کنار گذاشت و با پرورش مستمر ورزشکاران در تمامی رده‌ها، تیم‌هایی منسجم، قدرتمند و مدعی در هر دسته وزنی شکل داد؛ تیم‌هایی که نه تنها یک یا دو نفر، بلکه مجموعه‌ای کامل از استعدادها و مدعیان را در خود جای می‌دهد. این روند نشان می‌دهد

#### ● دیپلماسی ورزشی

یکی دیگر از وجوه برجسته چنین مدیریتی، دیپلماسی ورزشی دبیر است. او توانسته ورزشکاران ایرانی را به فرصت‌های بین‌المللی متصل کند، حتی زمانی که حضور آنان در تیم‌های ملی دیگر کشورها، ممکن است به رقابت با ایران منجر شود. در سال‌های اخیر، ورزشکارانی به تیم‌های خارجی پیوسته‌اند، اما دبیر این موضوع را نه به‌عنوان از دست دادن استعداد، بلکه فرصتی برای ارتقای مهارت، تجربه و برند ملی کشتی ایران دیده است. در این نگاه، ورزشکار به‌سان سفیری

”  
توسعه کشتی ایران  
در این دوره، نه صرفاً  
مدال‌آوری، بلکه ترکیبی  
از ورزش، فرهنگ، علم و  
هویت ملی است.



در شانزدهمین  
کنفرانس ملی  
مطالعه و پژوهش در  
موضوعات ورزشی  
۵۶

## روایت یک تحول

علیرضا دبیر در فدراسیون کشتی چه کرد؟

### ● مدیریت جهادی بدون اتکاب به بودجه دولتی

یکی از محورهای اصلی مدیریت در این دوره، تمرکز بر مدیریت جهادی، شفافیت مالی و استفاده بهینه از منابع بوده است. این رویکرد موجب شده است فدراسیون کشتی، حتی در شرایط اقتصادی دشوار، بخش قابل توجهی از برنامه‌های توسعه‌ای خود را بدون اتکای مستقیم به بودجه دولتی پیش ببرد.

در همین راستا، در حوزه توسعه خانه‌های کشتی استان‌ها، فدراسیون موفق شده است ۲۷۶ خانه کشتی را در سراسر کشور فعال سازی یا بازسازی کند. این اقدام، ضمن گسترش دامنه کشتی‌گیران فعال، زمینه تبدیل بسیاری از این مراکز به واحدهای درآمدزای پایدار را فراهم کرده و نقش مهمی در تقویت زیرساخت‌های پایه کشتی ایفا کرده است.

### ● کشتی ایران در مسیر تحول

دوران ریاست دکتر علیرضا دبیر بر فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان یکی از دوره‌های متمایز این نهاد ورزشی از منظر مدیریت، توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای بهره‌وری دانست. این دوره، علاوه بر کسب موفقیت‌های بین‌المللی، با مجموعه‌ای از اقدامات ساختاری در حوزه‌های زیرساختی، تجهیزاتی و مدیریتی همراه بوده که زمینه‌ساز تحولات پایدار در کشتی کشور شده است.

با توجه به سابقه قهرمانی المپیک و آشنایی مستقیم رئیس فدراسیون با مسائل و نیازهای ورزشکاران، از ابتدای این دوره، رویکرد حکمرانی هوشمند و مدیریت مبتنی بر تصمیم‌سازی هدفمند در دستور کار فدراسیون قرار گرفت.



مهدی بابایی  
سرپرست اندیشه‌ده فدراسیون  
کشتی



#### ● گذار از مدیریت سنتی به رویکرد داده محور

در حوزه مدیریت فنی و تصمیم سازی، فدراسیون کشتی در مسیر عبور از الگوهای سنتی و حرکت به سوی رویکردهای نوین قرار گرفته است. اگرچه بهره گیری گسترده از هوش مصنوعی همچنان در مراحل ابتدایی قرار دارد، اما هدف گذاری مشخص، حرکت به سوی «کشتی داده محور» است؛ رویکردی که در آن تصمیم ها بر اساس داده های آماری، اطلاعات زیست سنجی و تحلیل رفتار رقبا اتخاذ می شود. در مجموع، تلفیق حکمرانی هوشمند، تجربه قهرمانی و نگاه مدیریتی نوین، فدراسیون کشتی را از یک سازمان صرفاً اجرایی به یک زیست بوم ورزشی پویا تبدیل کرده است؛ زیست بومی که در آن خانه های کشتی روستایی، زیرساخت های ملی و سامانه های مدیریتی هوشمند همگی در قالب زنجیره ای منسجم، از استعدادیابی تا قهرمانی، هم تراز و هم راستا عمل می کنند.

#### ● بازسازی ساختاری و ارتقای زیرساخت های ملی

در سطح ملی، کمپ تیم های ملی کشتی به طور کامل نوسازی شده و با تجهیز به امکانات در تراز استانداردهای جهانی، به یکی از مراکز شاخص تمرینی در منطقه تبدیل شده است. این کمپ، علاوه بر میزبانی اردوهای تیم های ملی ایران، پذیرای کشتی گیران خارجی نیز بوده و از این طریق، به ایجاد منابع درآمدی پایدار برای فدراسیون کمک کرده است. همچنین ساختمان شهید جعفر جنگروی، به عنوان پایگاه اصلی فدراسیون کشتی، از نظر فضاهای آموزشی، تجهیزات فنی و سامانه های پشتیبانی ورزشی ارتقا یافته است. در کنار آن، تجهیز دو سالن شهید ابراهیم هادی در تهران، در قالب طرح ملی توسعه کشتی، از دیگر اقدامات شاخص این دوره به شمار می رود. این سالن ها در حال حاضر میزبان رقابت های داخلی، اردوهای متمرکز و برنامه های پیشرفته استعدادیابی هستند.

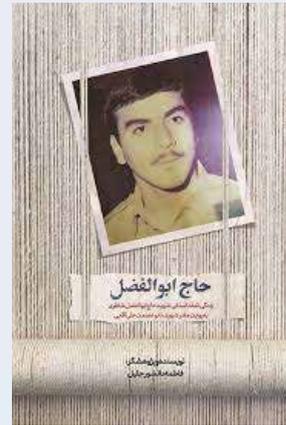


# میراث دار

اتو شهید می شوی!

مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ

## دعای خانواده شهدا بدرقه راهت آقاعلیرضا



علیرضا شاطری  
برادر شهید ابوالفضل شاطری

رفت و آمدم به مراسم‌های فرهنگی فدراسیون ادامه داشت تا اینکه شنیدم علیرضا دبیر شده است رئیس فدراسیون. همانجا به دلم افتاد، کسی که برای شهدا کار می‌کند، اهل میزبازی نیست و مثل یک رزمنده کار جهادی می‌کند. همین شد، دبیر رفت برای کار واقعی. حرفی از بدهی‌های بجا مانده، نتایج ضعیف، کسری بودجه، زیرساخت فشل و امثالهم نزد؛ ایستاد و از صفر ساخت. شروع کرد به فعالیت و نه ریاست. او مثل برخی از مدیران، بهانه‌گیری نکرد؛ نمی‌شود و نیست و نداریم نگفت. به قول خودش هر کس می‌گوید در این مملکت نمی‌شود کار کرد، دروغ می‌گوید. تعارف و مصلحت را گذاشت کنار و زیر بلیت هیچ‌کس نرفت تا بعدا باج بدهد.

اسمش افتاده بود سر زبان‌ها. سر و صدای موفقیتش توی رسانه‌ها به مذاق عده‌ای خوش نیامد. انگ چسباندن و متلک گفتند؛ حتی از گوشه و کنایه زدن به نماز خواندن و تسبیح توی دستش نگذشتند. می‌دانستم توی این همه‌ها و برای ادامه مسیر پیشرفت فدراسیون، مثل همیشه توکل کرده است به خدا و اهل بیت (ع). وطن دوستی‌اش، صدای خارج‌نشین‌های ضد ایران را هم در آورد. همه آمده بودند به میدان برای تخریب علیرضا دبیر؛ اما او با مدال‌های رنگارنگ و موفقیت تیم ملی جوابشان را داد. او در میدان کشتی، مهارت و تجربه‌اش را خرج پیشرفت کشورش کرد. از خون شهدایی گفت که برای کشور و اسلام رفتند. شهدای کشتی‌گیر که از عشق به کشتی و مدال‌های گذشتند و رفتند برای جهاد در راه خدا. ۳۰ جلد کتاب برای شهدای ورزش کشتی چاپ کرد. زنده نگهداشتن یاد شهدا و توجه به خانواده شهدا، شده بود برکت کار و موفقیت‌های آقاعلیرضای دبیر. دعای خیر خانواده شهدا بدرقه راهت آقاعلیرضا.

بی‌نوشته:  
۱. شهید ابوالفضل شاطری متولد یکم اسفند ۱۳۴۴ در تهران است و در ۹ سالگی وارد رشته ورزشی کشتی شد. در جریان انقلاب اسلامی در راهپیمایی‌ها حضور پیدا کرد، شعارنویسی و پخش اعلامیه بخشی از فعالیت‌های شهید شاطری بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد سپاه پاسداران شد که به عنوان سرتیم گشت منطقه انتخاب می‌شود. با شروع جنگ تحمیلی وارد جبهه‌های نبرد می‌شود که در دومین اعزامش به جبهه، در مرداد ۱۳۶۲ به شهادت می‌رسد.  
۲. کتاب «حاج ابوالفضل» در ۱۶۰ صفحه به قلم «فاطمه دانشور جلیل» به نگارش درآمده است.

نشستم پای خاطرات پدر و مادرم و یکی یکی با گوش دل شنیدم. دلم نمی‌آمد غبار فراموشی بنشیند روی خاطراتش. رفته‌م سراغ دوستان، هم باشگاهی‌ها و هم رزم‌هایش. توی مسیر کم می‌آوردم از مشکلات کار و کلی گویی‌ها و نرسیدن به خاطرات حاج ابوالفضل. به برادرم متوسل می‌شدم که دستم را بگیرد و از بن‌بست‌ها بگذردم. توی ۷ سالی که جمع‌آوری خاطرات و تدوینش طول کشید، یک بار هم دست رد به سینه‌ام نزد و مشکل‌گشایی کرد. حتی وقتی کرونا آمد و کار قفل شد؛ یکی از نویسنده‌های دفاع مقدس را سر راهم گذاشت. خانم فاطمه دانشور، چم‌وخم فدراسیون کشتی برای چاپ کتاب را می‌دانست. سابقه چند ساله‌اش در نوشتن کتاب شهدا و آشنایی‌اش با مجموعه فرهنگی فدراسیون، به کارهای چاپ سرعت داد.

روز موعود رسید. نشستم روی صندلی ردیف جلوی سالن همایش‌های فدراسیون کشتی. نفس عمیقی کشیدم و تکیه دادم. پدر و مادرم و هم‌زمان حاج ابوالفضل یکی یکی دعوت شدند به جایگاه و چند دقیقه‌ای از خاطرات گفتند. با اینکه چندین بار پای صحبت‌ها نشسته بودم اما غرق خاطره‌ها بودم. نفر بعدی رفت جایگاه گفت: «از شهدا گفتن و نوشتن، کمترین وظیفه فدراسیون در قبال خون شهداست.» نگاهش کردم، با حرف‌هایش ته دلم قرص شد. خوشحال شدم از دیدن کسی که همت دارد برای زنده نگه داشتن یاد شهدا. دلتنگی ۴۰ ساله‌ام در رومانی کتاب برادرم آرام گرفت. دیگر هر موقع علیرضا دبیر را می‌دیدم، جمله آن روزش از ذهنم می‌گذشت. کم‌سختی نکشیده بودم برای چاپ کتاب. چند سال شال و کلاه کرده بودم. می‌رفتم از این انتشارات به آن انتشارات. وضع اقتصادی نشرها نابسامان بود و زیر بار چاپ کتاب با این موضوعات نمی‌رفتند.

اولین دیدارم با علیرضا دبیر، برایم خاطره شد. دیدار دوم باز هم توی رومانی کتاب بود. مجموعه فرهنگی فدراسیون با خانواده دعوت کرده بود؛ اما پدر و مادرم پا به سن گذاشته بودند و بیشتر خانه بودند. کارها و برنامه‌هایم را با مراسم‌های شهدا هماهنگ می‌کردم تا به نیابت از پدر و مادرم حضور داشته باشم.



ویژه نامه باسداشت  
**علیرضا دبییر**  
در شانزدهمین  
جشنواره مردمی فیلم عمار

۶۲



# مثل مصطفی



مصطفی آقامحمدلو  
نویسنده و مستندساز - هراز  
شهید مصطفی صدرزاده

جواهری، که مسئول این بخش بود، گفتم چرا کسی مستند پرتزه علیرضا دبیر را نمی‌سازد؟ پاسخ این بود که خود دکتر با موضوع مخالف است، اما من بر این باورم که باید مستندی درست و درمان از دبیر ساخته شود و کتاب وی به سرعت تألیف گردد.

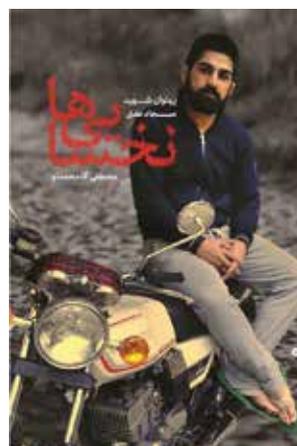
آن شب، در ضاحیه نزدیک رفته بودم تا به او بگویم: «مصطفی صدرزاده یک هنر بیشتر نداشت؛ اینکه توانسته بود همت و باکری دهه شصت را در دهه نود بازتولید کند، این موضوع نشانگر قدرت نرم انقلاب است. حال تصور کن از او هیچ مستندی نمی‌ساختند و هیچ کتابی نوشته نمی‌شد. اکنون درباره توی دبیر هم اصلاً جای فروتنی نیست. تو هم باید به‌عنوان یک سرمایه انسانی برای نظام، که با روحیه مدیران دهه شصتی بازتولید شده، معرفی شوی و هم باید مثل مصطفی، امثال خود را تربیت کنی. چرا که دبیر نیست آن‌هایی که دوستت ندارند، از روی این صندلی بلندت کنند و کسی را که چپ و راست در اینستاگرامش برای ضدانقلاب وسط‌بازی می‌کند، در جایب پنهانند. آن وقت شاید برخی از همین بچه‌هایی که در کمپ تیم ملی بانفس خانواده‌های شهید تربیت کرده‌ای، به آذربایجان و بلغارستان صادر شوند.»

مصطفی صدرزاده او را هم مجذوب خودش کرد. پس از آمدن به فدراسیون کشتی، همه چیز متحول شد؛ از ظاهر کمپ‌های تیم‌های ملی تا باطن کشتی آزاد و فرنگی.

در بیروت و در روضه‌الشهدا ضاحیه، در حال زیارت قبور شهدا دیدمش. صدای بمباران ضاحیه توسط جنگنده‌های رژیم از دور به گوش می‌رسید. هیاهوی اطرافیان برای بازگشت به هتل و دوربین‌هایی که بر هیئت ایرانی متمرکز بود، اعصابش را خرد می‌کرد. برای لحظه‌ای به سمت قبور شهدا برگشت. نزدیک شدم و سلام کردم. بلافاصله گفت: بگذار زیارت کم تا بعد حرف بزنیم.

چند لحظه بعد خودم را معرفی کردم. گفت: کتاب شهید سجاد عفتی به چاپ دهم رسیده است. چرا کتاب شهید آژند را تحویل نمی‌دهی؟ گفتم بگذار ببینیم به تهران می‌رسی یا نه! گفت تا کتاب را تمام نکنی شهید نمی‌شوی. همین جا بنشین و تمامش کن.

با هزینه شخصی و کمک‌هایی خارج از بودجه فدراسیون، بیش از بیست جلد کتاب از شهدای ورزشکار و پیشکسوتان تهیه کرده بود. چند بار به خانم



## فرزند خوب انقلاب

آقای دبیر واقعا یک انسان انقلابی و یک مدیر کارآمد و امام زمانی است. برای سجاد ما و خیلی از شهدای کشتی‌گیر کتاب تولید کرده؛ الهی که خدا خیرش بدهد. به خانواده شهدا ارزش می‌دهد و هر چند وقت یک بار آن‌ها را دعوت می‌کند. هر بار که ما را دعوت کرده مثل فرزندان خودمان به استقبال مان آمده؛ دبیر انسانی مودب، ولایت‌مدار و فعال است. این فرزند خوب انقلاب، بچه‌هایی را که آموزش می‌دهد و تربیت می‌کند همه اهل ایمان و نماز هستند. اول از همه برای این پهلوان، ایمان و نماز بچه‌ها مهم است. ما خیلی از ایشان راضی هستیم؛ ان شاء الله که خدای متعال و شهدا هم از ایشان راضی باشند. الهی که عاقبت بخیر باشه ان شاء الله.



فاطمه جمالی  
 مادر شهید سجاد علی



▲ برخی آثار تولید شده توسط فدراسیون کشتی



عکس از دفتر کار علیرضا دبیر

«کشتی گیر باید از خدا بترسد و الا از حریفش می بازد»

علیرضا دبیر

